

و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برآزندگی در بین خلق محشور شوند توئی مقتدر و توانا. نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند. ای پروردگار، جمله را هوشیارکن را از بارین ابر-عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا هوالله ای پاک یزدان، این نهالین جویبار هدایت

عزیز کن از جلم محبتت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عتبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا . هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیتت

جوش و خروش آئیم و از پیمان هپیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادیون در هجرانم پر حرمانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌الم دستگیر شو، غریبم مونس پیمان ه پیمان، افتاده‌الم بیچاره‌الم دلداه‌الم شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمایم، در رهت افتان و خیزان و سرمست

خاصان در آر و در خلوتگاه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در حلقه هدایتت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از باده محبتت نوشیدند و اسراری بی‌اپایان از اوتار معرفتت شنیدند، هوالله بخشنده یزدان، این بندگان آزماگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

ریز تو نگویم، مانند مرغ سحر در دلم محبت تو گرفتار گرم و شب و روز بنالم و بزارم و بگویم: یا بهاء‌الاهی. محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدلی تو گرم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به‌اغیر از تو نپویم و بجز مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش، از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به هوالله ای خداوند

ثابت کن، مُستقیم فرما و در محفل اسرار همدم و ندیم کن، ای کریم، توئی صاحب فضل عظیم، اِنَّکَ اَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ. مُشکر الطافت در نیایم که چنین موهبتی مبذول فرمودی و چنین احسان رایگان داشتی. ای یزدان مهربان، ثابت نما و را از معین عین تسنیم نوشانی، پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشایم و به هر زبان حمد و ستایش تو نمایم از عهدۀ این مُستمند را به گنج روان دلالت فرمودی، این قافله گمگشته را به کعبۀ مقصود هدایت فرمودی و این ماهی تشنه لب هوالله ای پروردگار، ستایش تو را که این بی‌انوا را با نوا کردی و

اَشْرَحَ صَدْرَهُ وَاَوْقَدَ مُصْبِحَهُ فِی خِدْمَةِ اَمْرِكَ وَعِبَادَتِكَ، اِنَّکَ اَنْتَ الْمَکْرِیْمُ الرَّحِیْمُ الْمَوْهَّبُ وَاِنَّکَ اَنْتَ الْعَزِیْزُ الْمُرُوْفُ الرَّحْمٰنُ. اِنَّکَ اَنْتَ الْمَکْرِیْمُ الرَّحِیْمُ الْمَتَعَالِ. هَذَا مَا یُنَادِیْکَ بِهٖ ذَلِکَ الْعُبْدُ فِی الْمُبْکُوْر وَاَلْاَصْلَالِ اِلٰی رَبِّ حَقَّقْ اَمَالَهُ وَاَوْرَ اسْرَارَهُ وَاَلْفَنَاءَ وَاَجْعَلْنِیْ غُبَارًا فِی مَمَرِ الْاَحْبَاءِ وَاَجْعَلْنِیْ فِدَاءً لِّلْاَرْضِ الَّتِیْ وَطَّئْتُهَا اَقْدَامَ الْاَصْفِیَاءِ فِی سَبِیْلِکَ یَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَاَلْعُلٰی وَاَعْنِیْ عَلٰی الْمَوَاطِئَةِ عَلٰی الْاِیْنِعْدَامِ فِی رَحْمَةِ رَبُّوْبِیَّتِکَ. اِلٰی رَبِّ اسْقِنِیْ کَأْسَ الْفَنَاءِ وَاَلْمِیْسِیْنِ تَوْبِ الْفَنَاءِ وَاَعْرِقْنِیْ فِی بَحْرِ اَحْدِیَّتِکَ وَاَوْرَجْنِیْ بِاَنْوَارِ التَّعْبُدِ فِی سَاحَةِ قُدْسِکَ وَاَلتَّجَبُّلِ اِلٰی مَلٰکُوْتِ عَظَمَتِکَ وَاَحْقُقْنِیْ بِالْفَنَاءِ فِی فَنَاءِ بَابِ اَلْوَهَّیَّتِکَ مُتَوَكِّلًا عَلَیْکَ مُتَضَرِّعًا بَیْنَ یَدَیْکَ یُنَادِیْکَ وَاِیْنَجِیْکَ وَاَقُوْلُ رَبِّ اَیْدِنِیْ عَلٰی خِدْمَةِ اِحْبَابِکَ وَاَقُوْنِیْ عَلٰی عُبُوْدِیَّةِ خَضْرَا وَاَتَقَمَّرُهُ فِی بَحْرِ رَحْمَةِ صَمَدَانِیَّتِکَ اِی رَبِّ اِنَّهٗ عَبْدُکَ الْبِائِسُ الْفَقِیْرُ وَاَقِیْقُکَ الْمَسْأَلُ الْمَتَضَرِّعُ الْاَسْیْرُ مُبْتَهِّلُ الْمَیْکَ اَهْلَ الْحَقْلِیْقِ وَاَلتَّعْوِیْتِ مَنْ اَوْلٰی الْاَلْبَلْبِ اَنْ تَنْظُرَ اِلٰی عِبْدِکَ الْخَاضِعِ الْخَاشِعِ یَبْلُبُ اَحْدِیَّتِکَ یَلْحَظُّ اَعْیْنَ رَحْمَلَتِیَّتِکَ دَارِدُ. هُوَاللهِی الْمَهٰی الْمَهٰی اِنِّیْ اُبْسَطُ الْمَیْکَ اَکْفَ التَّضَرُّعِ وَاَلتَّجَبُّلِ وَاَلابْتِهَالِ وَاَعْقُرُ وَاَجْهٰی بَتَّرَابِ عَتَبَةِ تَقَدَّسَتْ عَنْ اِدْرَاکِ اِیْنِ مَنَاجَاْتِ رَا هَر نَفْسِیْ بِهٖ کَمَالِ تَضَرُّعِ وَاِبْتِهَالِ بِخَوَآئِدِ سَبَبِ رُوْحِ وَاِیْحٰنِ قَلْبِ اِیْنِ عِبْدِ گَرْمِدِ وَاَحْکِمِ مَلَآقَاْتِ

دلالت فرمودی و این تشنگان را به عین عنایت رساندی و این درماندگان را در ظل کلمۀ الهیۀ پناه دادی، اِنَّکَ اَنْتَ الْمَکْرِیْمُ. هُوَاللهِ اِیْ بٰی نِیَآز، ستایش تو را سزاست که این گمگشتگان را به شاهراه هدایت

خاصان در آر و در خلوتگاهۀ عالم بالا محرم اسرار کن و مُستعرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در حلقۀ هدایتت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از باده محبتت نوشیدند و اسراری بی‌ایمان از اوتار معرفتت شنیدند، هوالله بخشنده یزدانا، این بندگان آزادگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

بیان عجز چاره‌الی نه و به‌اغیر از اعتراف به قصور بهانه‌الی نیست، تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال ... بشری. نتایج فکریه چگونه به‌امعارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه به‌لعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس تند، جز

توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفت، آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطه عالم امر عسیر، زبان آلتی است مرکب از عناصر، صوت و بیان عَرَضی است از عوارض، به آیت عنصری و صوت عارضی چگونه آمرزگارا، چگونه زبان به استایش گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این هو الاهی الاهی پروردگارا

AB08694

ریز تو نگویم، مانند مرغ سحر در دلم محبت تو گرفتار گرم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم: یا بهاء الاهی. محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدلی تو گرم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به غیر از تو نیویم و بجز مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشرتی شادمانی بخش، از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به هو الله ای خداوید

AB02304TST

فانصر امرک و اخذل اعدائک ثم اکتب لنا خیر الآخرة و الاولی انک انت الخق علام الغیوب لا اله الا انت الغفور الکریم. السنة عزاً لاجبائک ثم قدر فیها ما یستشرق به شمس قدرتک عن افق عظمتک و یستضیئ بها العالم بسلطانک ای رب بریتک ای رب هیه سلة جعلتها خیر الساعات و تسبها الی افضل خلقک اسألك یا الاهی بک و بهم بان تقدر فی هیه تقربوا الیک و منعوا عن لقاؤک و منهم من تخلوا فی جوارک طلباً للقاؤک و حال بیئهم و بینک سبحات خلقک و ظلم طفلة و منهم الذین جعلهم المشرکون اساری فی مملکتک و منعوهم عن التقرب الیک و المورود فی ساحة عزک و منهم یا الاهی السموات و الارضین فی الاهی تری ما ورد علی اجبائک فی ایامک فوعزتک ما من لرض الا فیها ارتقع ضجیح اصفیائک ممانتا بحبک ثم ارزقنا لقاؤک فی عوالمک الی ما اطلع بها احد الا نفسک انتک انت ربنا و رب العالمین و الهنا و اله من فی خالصاً لوجهک و منقطعاً عن دوتک فانزل علینا یا الاهی ما یتبغی لفضلک و یتلیق لوجودک ثم اجعل یا الاهی حیاتنا بذکرک و الاعظم و صاموا فیهم بما امرتهم فی الواج امرک و صحائف حکمک فانزل علیهم ما یقدسهم عما یکرهم رضاً وک لیکنوا فی المقرب منعوها عن زیارة طلعتک و فی الیوصال جعلوا محروماً عن لقاؤک ای رب هؤلاء عباد تخلوا معک فی هذا المسجن مشیتک الی ان ادخلتهم فی ظل قباب رحمتک و فقههم علی ما یتبغی لهذا المقام الاسنی ای رب لا تجعلهم من الذین المحصاة فی قبضة محمد حبیبک فی الاهی هؤلاء عبادک الذین جعلتهم معاشر نفسک و مؤانس مطلع ذلتک و فرقهم اریاح عما قدرته فی هذا الظهور الذی به ینطق کل شجرة بما نطق سدرة السیناء لموسی کلیمک و یسیح کل حجر بما سبح به شوقاً للقاؤک و اخذتهم نفاحات وحیک علی شأن یسمع من کل جزء من اجزاء ابدانهم ذکرک و ثناؤک بان لا تجعلنا محروماً علی وجه بریتک و مصاریع عنایتک لمن فی ارضک اسألك بالذین سفک دماؤهم فی سبیلک و انقطعوا عن کل المجهلت فانزل علینا و علیهم من سحاب رحمتک ما یتبغی لسماء فضلک و کرمک سبحائک هیه ساعة فیها فتحت ابواب جودک لیکرک و ثناؤک و یقررون من النوم طلباً لقریک و عنایتک لم یزل طریقهم الی مشرق المطلق و وجههم الی الملامک کأس ذکرک فی الاسحار یا رب الارباب اولئک عباد اخذتهم سکر خمر معارفک علی شأن یهزبون من المضاجع شوقاً لكل نفس منها نصیباً فی لوح فضلک و زهر تقدیرک و اختصت کل ورقة منها یحزب من الاحزاب و قدرت للعشاق لمن فی ارضک و سماءک و اختصت کل ساعة منها بفضیلة لم یحط بها الا علمک الذی احاط الاشیاء کلها و قدرت یا الاهی هیه ایام فیها فرضت الصیام علی عبادک و به طررت دبیاج کتاب اولمرک بین بریتک و زینت صحائف حکمک قوله تعالی: بسم الله الاقدس الاهی

إنك أنت لكرِيمِ المَقْوِي العَزِيزِ المُرْحَمِ المُرْحِمِ ع ع لوج ششم دوره دوم المواجه فرامين تبليغي حضرت عبدالبهاء و طيورًا صالحة في أَيْكَةِ البُقَاءِ و أَسْوَدًا زَائِرَةً فِي غِيَاضِ العِلْمِ و النُّهَى و حَيْثَا سَابِحَةٌ فِي بُحُورِ الحَيَاةِ بِرَحْمَتِكَ المَكْرِي و أعَظَمَ بَرِيَّتِكَ و كَانُوا ذَبَابًا فَاسْتَنَسَرُوا و كَانُوا قَبَاءً فَاسْتَبَحَرُوا بِفَضْلِكَ و عِنَايَتِكَ و أَصْبَحُوا نُجُومًا سَالِطَةً فِي أَفْقِ المَهْدَى أَيْدِي عِبَادِكَ مِن قَبْلِ و كَانُوا أَعْجَزَ خَلْقِكَ و التَّلَّ عِبَادِكَ و أَحَقَّرَ مِن فِي أَرْضِكَ وَلَكِن بَعُونِكَ و قُوَّتِكَ سَبَقُوا أَجْلَاءَ خَلْقِكَ و رَبِّ اِرْحَم عَجْزِي أَيْدِي بِقُوَّتِكَ و قُدْرَتِكَ رَبِّ لَوْ تَوَيْدَ بِنَفْثَاتِ المُرُوحِ اعْجَز المُرِي لَبَلِغِ المُنَى و تَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ كَمَا هَذَا المَفْضَاءُ المُنَى لَا يَتَنَاهَى فَكَيْفَ يُمَكِّن هَذَا لِإِلَابِعُونِكَ و عِنَايَتِكَ و تَأْيِيدِكَ و تَوْفِيقِكَ رَبِّ اِرْحَم ضَعْفِي و قُوْنِي بِقُدْرَتِكَ و قُمْتُ عَلَى تَرْوِيحِ تَعْلِيمِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ الأَقْوِيَا مُعْتَمِنًا عَلَى حَوْلِكَ و قُوَّتِكَ رَبِّ اِنْ طَيْرًا كَلِيلِ المَجْنَاحِ أَرَادَ أَنْ يَطِيرَ فِي المَهَى المَهَى تَرَى ضَعْفِي و تَلَى و هَوَانِي بَيْنَ خَلْقِكَ مَعَ ذَلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ

پی در پی تأیید و توفیق فرست و بر هر خیر موفق فرما زیرا سزاوار هر عنایتند و لایق هر موهبت وعلیهم البهاء الابهی.
هُوالملة ای پروردگار، این ابرار را از ملکوت اسرار

تصیر المصغراء و إنك أنت المقتدر العزیز المختار. ع ع لوج چهارم دوره دوم المواجه فرامين تبليغي حضرت عبدالبهاء و فِقْنِي عَلَى خِدْمَتِكَ و أَيْدِي بِجُنُودِ مَلَائِكَتِكَ و اِنصُرْنِي فِي اِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ و اِنطِقْنِي بِحِكْمَتِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ اِنك مَعِين المَضْعَفَا و تَقَرُّ الأَعْيُنُ بِمَشَاهِدَةِ آيَاتِ المَهْدَى رَبِّ اِنِّي فَرِيدٌ وَحِيدٌ حَقِيرٌ لَيْسَ لِي ظَهِيرٌ اِلَّا اَنْتَ و لَا تَصِيرُ اِلَّا اَنْتَ و لَا مَجِيرٌ اِلَّا اَنْتَ و يَرْفَرِفُ بِكُلِّ سُرُورٍ و اِنشِرَاحٍ فِي هَذَا المَفْضَاءِ و يَرْتَفِعُ هَدِيرُهُ فِي كُلِّ اِلْرَجَاءِ بِاسْمِكَ الأَعْلَى و تَتَلَذَّذُ الأَنْبَانُ مِن هَذَا المَنْدَاءِ المَهَى المَهَى هَذَا طَيْرٌ كَلِيلِ المَجْنَاحِ بَطَى المَطِيرَانِ اَيْدِيَهُ بِشِدِيدِ المَقْوَى حَتَّى يَطِيرَ إِلَى لُوجِ المَفْلَاحِ و المِنجَاحِ

سراجًا و هَاجًا و نَجْمًا بِلِزْغًا و شَجَرَةً مُبَارِكَةً مَشْحُونَةً بِالأَثْمَارِ مُظَلَّلَةً فِي هِنَةِ المِيزَانِ اِنك اَنْتَ العَزِيزُ المَقْتَدِرُ المَخْتَارُ. ع ع و كَلِيلِ المِلسَانِ اِنطِقْنِي بِذِكْرِكَ و ثَنَائِكَ و نَلِيلِ عَزْزِي بِالمَدْخُولِ فِي مَلَكُوتِكَ و بَعِيدِ قَرْبِي بِعَتَبَةِ رَحْمَانِيَّتِكَ رَبِّ اجْعَلْنِي بِرُوحِ المَقْدَسِ حَتَّى اُنَادِيَ بِاسْمِكَ بَيْنَ اِلْقَوَامِ و اَبشِرْ بِظُهُورِ مَلَكُوتِكَ بَيْنَ الأَنْبَامِ رَبِّ اِنِّي ضَعِيفٌ قُوْنِي بِقُدْرَتِكَ و سُلْطَانِكَ بِمَشَاهِدَةِ الأَنْوَارِ و اَسْمَعْنِي تَغْمَاتِ طَيُورِ المَقْدَسِ مِن مَلَكُوتِ الأَسْرَارِ و اجْتَنِبْ قَلْبِي بِمَحَبَّتِكَ بَيْنَ الأَبْرَارِ رَبِّ اَيْدِي رَبِّ لِكِ الحَمْدِ و المَشْكْرِ بِمَا هَدَيْتَنِي سَبِيلَ المَلَكُوتِ و سَلَكْتُ بِى هَذَا المَصْرَاطِ المَسْتَقِيمِ المَمْدُودِ و تَوَرَّتْ بَصْرِي لُوجِ سَوْمِ دَوْرِهِ دُومِ المَوَاجِهِ فِرَامِينِ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عِبْدِالمِبْهَاءِ

أنت المقتدر على ما تشاء و إنك على كل شيء قدير ع ع لوج دوم دوره دوم المواجه فرامين تبليغي حضرت عبدالبهاء المقلهرة و قُدْرَتِكَ المَنَافِذَةَ حَتَّى يَنْطِقَ لِسانِي بِمَحامِدِكَ و نُعُوتِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ و يَطْفَحُ جَنَانِي بِرِحْبِيقِ مَحَبَّتِكَ و مَعْرِفَتِكَ اِنك و تَحِيطُ بِى تَوْفِيقَاتِكَ الَّتِي تَجْعَلُ المِذْيَابَ عَقَابًا و المَقْطَرَةَ بِحُورًا و اَنْهَارًا و المِذْرَابَاتِ مُشْمُوسًا و اَنْوَارًا رَبِّ اَيْدِي بِقُوَّتِكَ نَاصِيًا لِنَشْرِ تَعْلِيمِكَ بَيْنَ المَعْمُومِ و اِنِّي اَتَوَفَّقُ بِهَذَا اِلَّا اَنْ يُوَيِّدَنِي نَفْثَاتِ رُوحِ المَقْدَسِ و يَنْصُرْنِي جُنُودَ مَلَكُوتِكَ الأَعْلَى المَهَى المَهَى تَرَانِي مَعَ تَلَى و عَدَمِ اسْتِعْدَادِي و اِقْتِدَارِي مَهْتَمًا بِعِظَائِمِ الأُمُورِ قَاصِدًا لِاِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ بَيْنَ الجُمُهورِ،

BH09855

فرما تا این نفوس نفیسه به اعلی درجه فلاح و نجاج وصول بیابند. توئی مقتدر و توئی دهنده و بخشنده و بینا. آمال سرشار فرما، انوار تابان کن، پرتو عنایت بخش، مظهر موهبت بفرما، روز به روز ترقی بخش و الطاف افزون هوالله ای پروردگار مهربان، این کسان بنده آستانند و در نهایت صدق و راستی و درستی، جام

AB10714

به خدمت عالم انسانی فرما. خدایا، این اطفال دردمانده اند، در آغوش صدف عنایت پرورش ده. توئی بخشنده و مهربان. اطفال نازنین صنع دست قدرت تو اند و آیت عظمت تو. خدایا این کودکان را محفوظ بدار، مؤید بر تعلیم کن و موفق هوالله ای خداوند مهربان، این

AB07303

و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برازندگی در بین خلق محشور شوند توئی مقتدر و توانا. نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند. ای پروردگار، جمله را هوشیار کن را از بارین ابر عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا هوالله ای پاک یزدان، این نهالین جویبار هدایت

AB09794CHI

عزیز کن از جام محبت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عتبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا. هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیت

AB10701

و قوتی بخش تا جناح فلاح برویانیم و در این فضلی غیرمتناهی آغاز پرواز کنیم و به ملکوت ابهات دمساز گردیم. ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی‌ایر و بالیم ولی اوج عظیم طلبیم و رفرق اعلی آرزو نمائیم، پس عنایتی مبنول فرما هوالله ای پروردگار، مرغان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم، طیور خاکساریم

ABU0129EDU

ده، از اطفال ملکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما. توئی مقتدر و مهربان و توئی دهنده و بخشنده و سابق الانعام. پرورش فرما و از تکی عنایت شیر ده، این نهال تازه را در گلشن محبت بنشان و به رشحات سحاب عنایت پرورش هوالله خداوندا، این طفل صغیر را در آغوش محبت

AB11605

تا به انوار محبت روشن و منیر گردد و به الماهات روحانیه و معنویه ملهم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید.

هُوَاللهِ اِي رَحْمَنِ اِي رَحِيمِ، دَلِي چُون مَرَاتِ لَطِيفِ صَافِي عَطَا كُن

AB10324

پرست بگردان تا جلم صهبای الهی به دست گیرند و طالبان را سرمست کنند و عاشقان را نشئه باده الست بخشند.
را مونس دل و جان باش، در هر دمی از بحر الطاف شبنمی بفرست و در هر نفسی باده تازه‌الی بنوشان و می
هُوَاللهِ اِي دَلْبِرِ مَهْرِبَانِ، يَارَانِ

AB09040

جنت ابهی در بر کن تا به فیض نامتناهی مستفیض گردد و به عنایت مخصوصه مخصص شود. توئی مقتدر و توانا.
برخوردار نما، حیلت ابهی بخش و عزت سَرَمَمی عطا فرما، تاجی از موهبت کبری بر سر نه و خلعتی از سُئیس استَبْرِقِ
هُوَاللهِ اِي پَرُورِدْگَارِ، اِيْنِ هُوشِيَارِ رَا بَه بَخْشِشِ آسْمَانِي بَزْرُگُوَارِ كُن وَ اَز موهبتِ رَحْمَانِي

AB09040

خوی راستان بخش، موهبت عالم انسانی کن و تاجی از حیلت ابدیه بر سر نه. توئی مقتدر و توانا و توئی شنونده و بینا.
عنایت تربیت کن، از تاریکی یرهان، شمع روشن کن و از پژمردگی نجات دانه گل گلشن فرما، بنده آستان کن و خلق و
کودکم خردسال، از پستان عنایت شیر ده و در آغوش محبت پرورش بخش و در دبستان هدایت تعلیم فرما و در ظل
هُوَاللهِ رَبِّي رَبِّي

AB11356

سحاب عنایت پرورش فرما. گیاه حقیقه محبت، درخت بارور کن. توئی مقتدر و توانا و توئی مهربان و دانا و بینا.
هُوَاللهِ خَدَايَا، طِفْلَمِ دَر ظِلِّ عِنَايَتِ پَرُورِشِ دِه. نَهَالِ تَازِه‌آلَمِ بَه رِشْحَلَتِ

AB10685

کن. از جام محبت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عنبری بیزد. توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا. ع ع
هُوَاللهِ اِي جَلِيلِ الْكَبِيرِ، اِيْنِ كِنِيْزِ صَغِيْرِ رَا دَخْتَرِ خُوشِ اَخْتَرِ فَرْمَا وَ دَر دَرْگَاهِ اَحْدِيْتِ عَزِيْزِ

BH09085

اِسْمَاءُ جُودِكَ وَبِحِرِّ اِفْضَالِكَ وَتَدَخُّلِهِ فِي جَوْلِ رَحْمَتِكَ الْكَبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْمُغْفُورُ الْكَرِيْمُ
وَ تَوَجَّهْ اِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنْ سِوَاكَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ، اَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الْمُتَنَوِّبِ وَ سَتَّارَ الْغَيْبِ بِاَنْ تَعْمَلَ بِه مَا يَنْبَغِي
. اللهُ اَبِيْهُ يَشْرَعُ فِي التَّكْبِيْرِ لِمَنْ سَنَّتْ مَرَاتِ . يَا اَللهِ هَذَا عِبْدُكَ وَ اَبْنُ عِبْدِكَ الَّتِي اَمَّنَ بِكَ وَبِاَيَاتِكَ
مرتبه قرائت شود: اَنَا كُلِّ لَهِ عَابِدُوْنَا كُلِّ لَهِ سَاجِدُوْنَا كُلِّ لَهِ قَائِمُوْنَا كُلِّ لَهِ نَاكِرُوْنَا كُلِّ لَهِ شَاكِرُوْنَا كُلِّ لَهِ صَابِرُوْنَا
باید بعد از هر تکبیر الله اُبهی نوزده

باید این انکار هر يك نوزده مرتبه بعد از هر تكبير الله اُبهى گفته شود.
لِسْمَاءِ جُودِكَ وَيَحْرُفُ أَفْضَالِكَ وَيُدْخِلُهَا فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِإِلَهِهِ أَنتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.
وَ تَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعَةً عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الْمُتَّوِبِينَ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بَانَ تَعْمَلُ بِهَا مَا يَنْبَغِي
وفي النساءِ يَقُولُ برآى امام‌الرحمن قرائت شود: يَا إِلَهِي هِنَا أَمَّتْكَ وَ ابْنَةُ أَمَّتْكَ الَّتِي أَمَّنْتَ بِكَ وَ بِآيَاتِكَ

BH08308

آر تا منجنیب آفاق گرم و سرگشته و سودائی آن جملل پُر انوار شوم و جان و روان قربان نمایم وعلیک المتحیة و المثناء.
مظاهر شیطانیه افسرده گشته. ای پروردگار، از آن جام سرشار قطره‌الی نثار فرما و از آن گلشن فدا نفعه‌الی به مشلم من
به سهام شیطانی خسته گردیده. این نفوس نَفیسه در دست هر خسیسی گرفتار شده و این وجوه نورانی به غبار طغیان
سرهای بزرگوار در زیر پای‌های جَهاال پایمال شده، حنجر نورانی به خنجر نفوس ظلمانی آزرده گشته و قلوب رحمانی
در راه محبتت به خون آغشتند، هر سینة مانند آینه پاره پاره گشتند و هر دلی از آب و گل آزرده، شرحه شرحه شده،
هوالمه ای پروردگار، این عزیزان ذلیل سبیل تو گشتند و این مه رویان

BH08855

جوش و خروش آئیم و از پیمان‌ه پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران.
و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به
بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر
مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در
جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون
در هجرانم پر حرانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌ام دستگیر شو، غریبم مونس
پیمان‌ه پیمان، افتاده‌ام بیچاره‌ام دلداه‌ام شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم،
هوالمه ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمان، در رهت افتان و خیزان و سرمست

BB00018FOR

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما توئی غفور توئی عفو و توئی بخشنده هر قصور. ع ع
امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم و لکن توجه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار
و غفران و آمرزش ارزان کن توئی آمرزنده و توئی غفور توئی بخشنده فیص موفور ای آمرزگار هر چند گناه کاریم ولی
پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما عفو و بخشش شایان نما
هوالمه ای پروردگار

از جیب قوت بر آر و این نفوس درگل مانده را نجات ده. توئی مالک اراده و سلطان جود. لا اله الا انت العزیز الموهب. موج و بهایک اشراق تیر امر، آفتاب جود و غفران ظاهر و هویدا. همه بندگان تو اند و به امید کرمت زنده اند. دست قدرت نموده، بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است. به یک کلمه علیا بحر بخششت الهی. الهی اولیای خود را حفظ فرما. توئی آن کریمی که عفت عالم را احاطه

بخششی نما، آواره ایم در پناه لطف مأوی بخش، بیچاره ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضا توئی کریم و توانا. حق، دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز بر آر و بگو، ای پروردگار، گناه کاریم عفو و مغفرت فرما، محتاجیم از کنیز ملکوت هواللهی ای بنده

را از بلب عنایت محروم نما و از دریای بخششت منع مکن. توئی صاحب عطا و قادر و توانا و المهیمن علی الاسماء. فرمودی تا صاحبان بصر آثار قدرت و عظمت را در کل اشیاء ملاحظه نمایند و بر بزرگیت گواهی دهند. ای خدا، فقیر آن توانائی که بهایک کلمه، آسمان و زمین را خلق نمودی و مظاهر قوت و قدرت و عظمت و فضل و جود و کرمت قرار و جهم به انوار و جهت متوجه و قلبم به اشر عنایت مقبل و از تو می طلبم عطاء قدیمت و بخشش جدیدت را. توئی الهام مغبودا مقصودا محبوبا

جوش و خروش آنیم و از پیمان ده پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیمارز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده ام دستگیر شو، غریبم مونس پیمان ده پیمان، افتاده ام بیچاره ام دلداه ام شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمایم، در رهت افتان و خیزان و سرمست

بخش، از بحر عنایت قطره ای برسان و از نهر موهبت رشحه ای مبنول کن تا حیلت تازه یابم و موهبت بی اندازه جویم. مقرر ده و این عید حزین را در سایه شجره سرور مأوی بخش، این بی نصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره ای الله ای بی پروردگار مهربان ای یزدان پاک، این بنده ضعیف را در ظل کلمه رحمانیتت

منما این مظلومان را در ظل سدره عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر غنایت راه نما. توئی مالک جود و سلطان عطا.
الها کریمما یکتا خداوند جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود، از دریای رحمت محرومش

تو سلوک نمائیم، جستجوی تو نمائیم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر و توانا.
طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد. خداوند ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان تا در سبیل
عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال تو باشیم، جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود، طالب رائج
زنده کن نفوس خواب را بیدار نما. خداوند ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت کن. خداوند
هوالمه ای خداوند مهربان، بصیرت‌ها را روشن کن گوش‌ها را شنوا نما دل‌های مرده را

فرمودی و بخشش افزودی و این مرغان را به آشیانه و لانه و کاشانه بلند راه بنمودی. توئی بینا و دانا و توانا و شنوا.
را شادمان فرما، تشنگان را سیراب کن و آزرندگان را آسایش دل و جان بخش. ستایش تو را که راه نمودی و رهبر
بیابند و جهان بیارایند. ای بخشنده، چرند و پرنده را پناهی و به راز درون آگاه، جویندگان را یابندگان کن و آرزومندان
بهشت برین، زیرا روی تو جویند راه تو پویند راز تو گویند و هر دم در جستجویند که آنچه شایان این روزگار است
هوالمه ای پروردگار، این گروه جان نثار یاران دیرینند و با هم همدم و همنشین، گفتگو شیرین و شکرین و بزم مانند

هوئی مشاهده میشوند نجات را آمل و بخششهای قدیمت را سائل توئی قادر و توانا و معین و دانا. حضرت بهاءالله
رجا از قلوب طالبانت قطع نشده و نمی شود گواه این مقام کلمه مبارکه لا تقنطوا ای کریم عبادت در بحر نفس و
جدیدی مزین نمائی و باسم بدیعی فائز فرمائی توئی آنکه از اراده ات ارادات عالم ظاهر و از مشیت مشیات امم نافذ
عشاق رویت لقاییت را چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو سزاوار آنکه امام وجوه اغیار محرمان کویت را بطراز
چه ای کریم تیر رحمت از افق هر شئی ظاهر و نجم عطایت از هر شرطی ساطع محتاجان بابت عطایت را میطلبند و
بر بخشش گواهی است صادق و شاهدیت ناطق چه اگر کرم نبود دست ارتفاع را نمیاموخت تراب چه و ارتفاع
هستیت مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش مژه از ذکر و بیان رجالی افنده و قلوب و ارتفاع ایادی نفوس
رفعت و عظمت مقرر و معترف ای دریای کرم قطره بشطرت توجه نموده و ای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده
کلمه مبارکه منع منما و از حرارت محبت محروم مساز دریاهای عالم بر رحمت محیطه ات شاهد و گواه آسمانها بر
الهامعبودا مسجودا این مشیت خاک را از اهتزاز

تابش و درخشش فراوان بنما، شاید این قلوب افسرده تازه و زنده گردد و این نفوس مُرده حیات بی اندازه یابد.
ابهائیت فیض انوار کن و از ملکوت اعلایت بذل اسرار نما. ای نیسلین عنایت، بارش و ریزش ارزان کن و ای شمس حقیقت
نظر فرما، آه و فغانم جمع طیور را به فریاد آورده و آه پُر حسرت قلبم چون شعله سوزان به جان جهان آتش زده، از افق
ضعیفم و پشه نحیف، بال و پری شکسته دارم و پائی از دوری بادیه حسرت خسته، چشم گریانم بین و جگر سوزانم
هوالبهی پروردگارا، مور

BH00870

فی سُئِلَ هِدَايَتِكَ وَ مَنَاجِحِ فَضْلِكَ وَ عُفْرَانِكَ وَ أَنْتَ أَمْتُ الْعَزِيزِ الْكَافِي الْمَشَافِي الْحَاقِظِ الْمَعْطَى الرَّؤُوفِ الْمَكْرِيمِ الرَّحِيمِ
الَّتِي هِيَ فِيهَا تَمَّ أَشْفَ بِهَا كُلُّ مَرِيضٍ وَ عَلِيلٍ وَ فَقِيرٍ عَنِ كُلِّ بِلَاءٍ وَ مَكْرُوهٍ وَ آفَةٍ وَ حُزْنٍ تَمَّ أَهْدَ بِهَا كُلَّ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يَدْخُلَ
فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ أَنْ تَحْقَظَ حَامِلَ هَذِهِ الْمُرَقَّةِ الْمُبَارَكَةِ تَمَّ الَّذِي يَقْرُؤُهَا تَمَّ الَّذِي يُقَلِّبُ عَلَيْهَا تَمَّ الَّذِي يَمُرُّ فِي حَوْلِ بَيْتِ
وَ يَذْكُرُكَ الْعَلِيِّ الْعَالِي وَ يَجْمَلُكَ اللَّطِيفِ الْإِصْفَى وَ يُتَوَكَّلُ الْخَفِيِّ فِي سُرَابِقِ الْإِخْفَى وَ بِاسْمِكَ الْمُتَّقِمِصِ بِقَمِيصِ الْبِلَاءِ
عَظَمَتِكَ وَ سُلْطَنَتِكَ وَ طُلُوعِ عِزِّ حُكُومَتِكَ بِكَلِمَةٍ بَلَى كَ وَ بِهِنَا الْأَسْمَاءِ الْحَسَنَى الْعَظِيمِ وَ بِهِنَا الْمَصْفِيَةِ الْعَلِيَّةِ الْإِكْرَامِ
إِلَى خَوْلَانِ مَكْرَمَتِكَ وَ إِنْعَامِكَ وَ بَعْنَائِيَّتِكَ الَّتِي بِهَا أَجَبْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ قَبْلِ كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي حِينِ ظُهُورِ
الَّذِي بِهِ فَتَحْتَ أَبْوَابَ الْفَضْلِ وَ الْعَطَاءِ وَ بِهِ اسْتَقَرَّ هَيْكَلُ قَدْسِكَ عَلَى عَرْشِ الْبَقَاءِ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا تَدْعُو تِ الْمَمَكِنَاتِ
يَا كَافِي بَكَ يَا كَافِي يَا شَافِي بَكَ يَا شَافِي يَا بَاقِي بَكَ يَا بَاقِي أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِجُودَتِكَ
مَسْتُورِ يَا غَلْبَ مَشْهُورِ يَا نَظْرَ مَنظُورِ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي يَا قَاتِلَ عُشْقٍ يَا وَلَهْبَ قَسَلِ
وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا نَقْدَ بَكَ يَا لِحْظَ بَكَ يَا لِحْظَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي يَا ظَهْرَ
يَا رَأْفَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا ثَلْبَتَ بَكَ يَا نَابِتَ بَكَ يَا نَابِتَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي
بَاقِي بَكَ يَا وَهَاجَ بَكَ يَا بَلَّاجَ بَكَ يَا بَهَاجَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا وَهَاجَ بَكَ يَا عَطَافَ بَكَ
وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا وَثِقَ بَكَ يَا عَشِقَ بَكَ يَا فَالِقَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا
بَكَ يَا جَذِيبَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا جَلَالَ بَكَ يَا جَمَالَ بَكَ يَا فَضَالَ أَنْتَ الْكَافِي
بَاقِي بَكَ يَا فَتَاحَ بَكَ يَا تَصَاحَ بَكَ يَا تَجَاحَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا حَبِيبَ بَكَ يَا طَبِيبَ
وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا سُبُوحَ بَكَ يَا قُدُوسَ بَكَ يَا تَزُوهَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا
أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا نِكْرًا الْعَظِيمِ بَكَ يَا اسْمَ الْإِكْرَامِ بَكَ يَا رَسْمَ الْإِقْدَامِ أَنْتَ الْكَافِي
يَا جَانِ بَكَ يَا جَانَانَ بَكَ يَا إِيْمَانَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا سَاقِي بَكَ يَا عَالِي بَكَ يَا غَالِي
وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا كَشْفَ بَكَ يَا نَشْفَ بَكَ يَا عَاطِفَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ
أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا غِيَاثَ بَكَ يَا مُسْتَعَاثَ بَكَ يَا تَفَاثَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي
عَطُوفَ بَكَ يَا رُؤُوفَ بَكَ يَا لَطُوفَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا مَلَذَ بَكَ يَا مَعَاذَ بَكَ يَا مُسْتَعَاذَ
الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا مَحْفُوظَ بَكَ يَا مَحْظُوظَ بَكَ يَا مَلْحُوظَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا
الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا عَظُومَ بَكَ يَا قُدُومَ بَكَ يَا كَرُومَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ
بَكَ يَا فَاضِلَ بَكَ يَا بِلْتَلَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا قِيَوْمَ بَكَ يَا كَيْمُومَ بَكَ يَا عُلُومَ أَنْتَ
أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا جَلِيلَ بَكَ يَا جَمِيلَ بَكَ يَا فَضِيلَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا عَدْلَ
سَالِحَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا نَافِعَ بَكَ يَا مَلْعَ بَكَ يَا صَالِحَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ
بَاقِي بَكَ يَا طَالِعَ بَكَ يَا جَامِعَ بَكَ يَا رَافِعَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا بَالِغَ بَكَ يَا فَارِغَ بَكَ يَا
وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا صَالِحَ بَكَ يَا قَائِعَ بَكَ يَا قَالِعَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي
بَكَ يَا غَلْبَ بَكَ يَا وَلَهْبَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا قَادِرَ بَكَ يَا نَاصِرَ بَكَ يَا سَائِرَ أَنْتَ الْكَافِي
الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا مَعْمُورَ بَكَ يَا مَشْهُورَ بَكَ يَا مَسْتُورَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا غَلْبَ
أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِي بَكَ يَا رُوحَ بَكَ يَا تَوْرَ بَكَ يَا ظُهُورَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ

يا عزيزُك يا نصيرُك يا قديرُ أنت الكافي وأنت المشافي وأنت الباقي يا باقي .ك يا حاكمُك يا قائمُك يا عالمُ
وأنت الباقي يا باقي .ك يا معشوقُك يا محبوبُك يا مجذوبُ أنت الكافي وأنت المشافي وأنت الباقي يا باقي .ك
أنت الكافي وأنت المشافي وأنت الباقي يا باقي .ك يا رحمنُك يا عظيمُك يا قديرُ أنت الكافي وأنت المشافي
.ك يا قدسانُك يا مستعانُ أنت الكافي وأنت المشافي وأنت الباقي يا باقي .ك يا عليمُك يا حكيمُك يا عظيمُ
وأنت الباقي يا باقي .ك يا أحدُك يا صمدُك يا فردُ أنت الكافي وأنت المشافي وأنت الباقي يا باقي .ك يا سبحانُ
بهي أنت الكافي وأنت المشافي وأنت الباقي يا باقي .ك يا سلطانُك يا رفعانُك يا تيانُ أنت الكافي وأنت المشافي
بسم الله الامتع الاقدس الافرغ الابهى بك يا علي بك يا وقي بك يا

ABU0009SER

مورسي ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی معین و مُستعان گرد .توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و شنونده و توانا و بینا.
را وجود بخشیدی، تشنگان را آب گوارا داسی و گرسنگان را سفره مهنا گستردی و نعمت مهیا رایگان نمودی، پس در هر
هوالمه ای پرورگار، این آوارگان را به سلیه خویش در آوردی و سر و سامان داسی، نیستی را هستی داسی و نابود

BH05849

ثم اجعلهم من الذين طافوا حولك و يطوفون حول عرشك في كل عالم من عوالمك انك انت المقتدر العليم الخبير.
وصالك اسألك يا ملك الملوك و راحم المملوك ان تقدر لهم خيرا لدنيا و الآخرة ثم اكتب لهم ما لا عرفه احد من خلقك
انزلته في الواحك اى رب اشريهم من يد عطائك كوتر بقاتك ثم اكتب لهم اجر من انعمس في بحر لقاتك و فاز برحيق
كتابتك بقوتك و عملوا ما امرؤا به من عندك و اختاروا ما نزل لهم من لدنك اى رب ترى انهم اقرؤا و اعترفوا بكل ما
مقالما لدى ظهور نور وجهك اى رب اولئك عباد ما متعهم الهوى عما انزلته فى كتابك قد خضعت اعناقهم لامرك و اخذوا
اى رب اسألك بتلك الايام و الذين تمسكوا فيها بحبل اولمرك و عزوة احكامك بان تجعل لكل نفس مقرا فى جوارك و
سميتها بايام الهاء فى كتابك يا ملك الاسماء و تقربت ايام صياك الذى فرضته من قلمك الاعلى لمن فى ملكوت الانشاء
قوله تعالى :بسمى الاعظم يا الهى و نارى و ثورى قد تخلت الايام التى

BH10688

تحفظنى بوجودك و فضلك ثم ارجعنى الى محلى بحولك و قوتك انك انت المقتدر المهمين المقيوم .حضرت بهاء الله
و حراسيتك اسألك بقدرتك التى بها حفظت اولياك من كل نى غفلة و نى شرارة و كل ظالم عنيد و كل فاجر بعيد بان
فى حين الخروج عن المدينة قل الهى الهى خرجت من بيتى متعصما بحبل عنايتك و اودعت نفسى تحت حفظك
هوالمه تعالى شأنه العظمة و الاقتدار يا ايها المتكور لدى المظلوم

أصفياءك و اعترفت بما اعترف به أهل الفردوس الأعلى و الذين طافوا عرشك العظيم، الملك و الملكوت لك يا الله العالمين. تسألك بأن تحفظنا من جنود الظنون والأوهام، أنك أنت العزيز العلام، ثم يزرع رأسه يقعد ويقول: أشهد يا الهي بما شهد به ثلاث مرات و يسجد ويقول: لك الحمد يا الهنا بما أنزلت لنا ما يقربنا إليك و يزرعنا كل خير أنزلته في كتيبك و تبرك، أي رب و أسرار جبروتك. بأن تعمل بأوليائك ما ينبغي لوجودك يا مالك الموجود و يليق لفضلك يا سلطان الغيب والمشهود. ثم يكبر أن ترتفع إلى سماء كرمك، ترى يا الهي عبراتي تمنعني عن المنكر والمنأء يا رب العرش والعرش، أسألك بأيلت ملكوتك يندوب كبني و يغلي الدم في عزوقي، و جملك يا مقصود العالمين أن الوجه يستحيي أن يتوجه إليك و أيلني الرجل تخجل لسان عظمتك، ثم يقوم ويقول: الهي الهي غصياي أنقض ظهري و عقلي أهلكني كلما أتفكر في سوء عملي و حسن عملي بما أيدتني على تكرك و تنالك و عرفتني مشرق آياتك و جعلتني خاضعا لربوبيتك و خاشعا لالهيتك و معتبرا بما نطق به تسلمت فجر ظهورك بأن تقدر لي زيارة جملك والعمل بما في كتلك. ثم يكبر ثلاث مرات و يزرع ويقول: لك الحمد يا الهي أهلكني و بعدك أحرقتني، أسألك بموطى قدميك في هذا المبدأ و بلتيك لبيك أصفياءك في هذا الفضاء وبتفحلت وحيك و اجترأحتي أبعثتني عن المتقرب إليك و جزيراتي تمنعني عن الورد في ساحة قيسك، أي رب حُبك أضاني و هجرك ويقول: يا الله الموجود وملك الغيب والمشهود ترى عبراتي و زفراي و تسمع ضجيجي و صرخي و حين فؤادي، و عزتك الكاف بركنه النون، أشهد أنه هو المسطور من القلم الأعلى و المذكور في كتب الله رب العرش والعرش. ثم يقوم مستقيما لسان العظمة من الأفق الأبهى أنك أنت الله لا اله الا أنت والذي ظهر أنه هو السر المكنون و المزمز المخزون التي به اقتزن عن الأسماء لا اله الا أنت العلي الأبهى. ثم يقعد ويقول: أشهد بما شهدت الأشياء و الملائ الأعلى و الجنة العليا و عن ورائها سماء قربك أذكار المقربين أو أن تصل إلى فناء بابك طيور أفئدة المخلصين، أشهد أنك كنت مقدسا عن الإصفاة و منزها يا فاطر السماء. ثم يزرع يديه ثلاث مرات ويقول: الله أعظم من كل عظيم. ثم يسجد ويقول: سبحانك من أن تصعد إلى باب فضلك و المفاي يريذ كوتر البقاء من أيلني جودك لك الأمر في كل الأحوال يا مولى الأسماء ولي التسليم والمرضاء مالي و شأني لأقوم لى بلب مندين قربك أو أتوجه إلى الأنوار المشرقة من أفق سماء إرايتك، أي رب ترى المسكين يقرع الحاكم في المبدأ و المأب، الهي الهي عفوك شجعتي و رحممتك قوتني و نداؤك أيقظني و فضلك أقامني و هديني إليك و الا و ابراز قدرتك و اقتدارك. ثم يقوم و يزرع يديه للقبول مرة بعد أخرى ويقول: لا اله الا أنت العزيز الوهاب، لا اله الا أنت و جبروت علكم، أي رب أحب أن أسألك في هذا المقام كل ما عندك لإتبلت فقرتي و اعلاء عطائك و غنائك و اظهر عجزتي روعي مهترًا في جولرخي و اركاني تنوقا لعبادتك و شغقا لتكرك و تنالك و يشهد بما شهد به لسان أمرك في ملكوت بيانتك في حكمتك و المختار في أمرك. ثم يزرع يديه و يكبر ثلاث مرات ثم ينحني للركوع لله تبارك و تعالى ويقول: يا الهي ترى قصد بحر غفرانك و المنليل بساط عزك و الفقير أقق غنائك، لك الأمر فيما تشاء. أشهد أنك أنت المخمود في فعلك و المطاع تمنعني عما عندك يا ملك للقلب، أي رب ترى المغرب سرع إلى وطنه الأعلى ظل قلب عظمتك و جولر رحممتك و المعاصي يا من في فراقك نابت القلوب و الأكباد و بنار حُبك اشتعل من في البلاد، أسألك باسمك التي به سخرت الآفاق بأن لا كوتر الحيوان ليبقى به ذاتي بدوام سلطنتك و يتكرك في كل عالم من عوالمك. ثم يزرع يديه للقبول مرة أخرى ويقول: ثم يسجد ويقول: سبحانك من أن توصف بوصف ما سواك أو تعرف يعرفان نوتك. ثم يقوم ويقول: أي رب فاجعل صلاتي بل إلى إرايتك التي أحاطت السموات و الأرض، و اسمك الأعظم يا ملك الأهم ما أزدت إلا ما أزدته ولا أحب إلا ما تحب المقدسية عن المنكر و المنأء كل ما يظهر من عندك هو مقصود قلبي و محبوب فؤادي، الهي الهي لا تنظر إلى أمالي و أعمالتي مشيتك و إرايتك و ما أريد الأراضائك، أسألك ببحر رحممتك و شمس فضلك بأن تفعل بعبك ما تحب و ترضى و عزتكم عما سواك متمسكا بحبك التي بحركته تحركت الممكنات، أي رب لنا عندك و أبني عندك أكون حاضرا قائما بين أيلني إلى بحر وصالك. ثم يزرع يديه للقبول لله تبارك و تعالى ويقول: يا مقصود العالم و محبوب الأهم تراني مقبلا إليك منقطعاً أسألك بمطالع عبيك العلي الأبهى بأن تجعل صلاتي ناراً لتحرق حجابتي التي تمنعني عن مشاهدة جملك و نوراً يندلي و استقر في مقامه ينظر إلى اليمين و الشمال كمن ينتظر رحمة ربه الرحمن الرحيم ثم يقول: يا الله الأسماء و فاطر السماء

صلوات كبير صلوات كبير كه تلاوت آن در شب و روز يك بار كافي است. لِلْمَصَلِّي أَنْ يَقُومَ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ وَإِنَّا قَام

BH03447

تؤدى يومياً في الصباح والمساء

على أوليائك الذين ما منعهم شئونات الخلق عن الإقبال إليك وأنفقوا ما عندهم رجاء ما عندك. إنك أنت المغفور الكريم. قد أظهرت أمرك ووفيت بعهدك وفتحت باب فضلك على من في السموات والأرضين. والصلوة والسلام والتكبير والمبهاة بأنيال رحمتك وفضلك يا أرحم الراحمين. ثم يقعد ويقول: أشهد بوحدانيتك وفردانيتك وبأنك أنت الله لا إله إلا أنت دوني ووصفي ووصف من في السموات والأرضين. ثم يقوم للقنوت ويقول: يا إلهي لا تخيب من تشبث بأنامل الرجاء الملك والملكوت والمعزة والمجبروت لله مولى المورى ومالك العرش والثرى. ثم يركع ويقول: سبحانك عن زكري ونكر المظهر ومكلم الطور النبي به أنار الأفق الأعلى ونطقت سدره المنتهى وارتفع النداء بين الأرض والسماء قد أتى المالك التوجه إلى غيرك. وبعد له أن يقوم متوجهاً إلى القبلة ويقول: شهد الله أنه لا إله إلا هو. له الأمر والمخلق. قد أظهر مشرق ملكها. إنك أنت المقتدر القدير. وفي حين غسل الوجه يقول: أي رب وجهت وجهي إليك. ثوره بأنوار وجهك ثم احفظه عن حين الغسل يقول: إلهي قو يدي لتأخذ كتابك باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم احفظها عن المتصرف فيما لم يدخل في ومن أراد أن يصلي له أن يغسل يديه وفي

BH0009AWA

حضرت یزدانی دل‌هاشان لاله زار و گلشن، هر یک در امرالله عظیم مبین گردند و در استقامت بر عهد و پیمان حصین متین. محبت الله چون شعله سوزان باشند و در فرقت جمال منان ابری گریان، به وفای الهی رویشان روشن گردد و به عنایت و مشرق انوار و مظهر المظالم رب مختار، در ملامت مقربین محشور گردند و در زمره مخلصین معدود و معروف، از حرارت ناری بر بار گردند و گلزاری با نفحات مشکبار، امواج دریلی آثار قدم شوند و نسائم گلشن اسم اعظم، مهبط الهام باشند رحمت باشند و اشعه آفتاب افق حقیقت، لسانی ناطق گردند و فضلی سابق شوند، چشمی بینا باشند و گوشه شنوا، سماء وجود چون انجم هدایت بدرخشند و در انجمن عالم چون چراغ‌های محبت الله روشن و متور گردند، امطار غمام صحرای محبت را در کف منیع و ملاذ رفیع حفظ و حراست منزل و مأوی احسان کن تا به عون و فضل و جودت در در شاخسار سدره منتهی پناه عنایت فرما و این ماهیان لجه توحید را در بحر اعظم عنایت غوص ده و این بی سامانان هوای الهی ای پروردگار آمرزگار، این مرغان بی آشیان را در حقیقه ثبات و استقامت

BH04569

بوزد و شمیم احسان مرور نماید، مشامها معطر گردد، رویها متور شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. پرتو موهبت بیفزاید، شمع غفران بر افروزد و پرده عصیان بسوزد، صبح امید کند، ظلمت نومید زائل گردد، نسیم المظالم

رَهِيم و مُتَضَرِّع در هر صبحگهيم، ای بزرگوار، خطا ببوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و
هُوَالله ای یزدان مهربان، سرا پا گنهییم و خاک

BBU0015

تو گرم و رسوائیان کوی تو، این موهبت را شایان فرما و این عنایت را رایگان کن. توئی پروردگار و توئی آمرزگار.
و از مادونت در کنار. ای پروردگار، موفق بدار تا از سودائیان تو گرم و از شیدائیان تو شوم، سر دفتر مجنونان روی
و فغانی نکنم و جز در پناه احدیت امن و امان نجویم، بیزار از هر بیگانه‌ام و به یگانگی تو دل بسته‌ام، از غیر تو بیزارم
میثاق راهی و کامی نجویم، شب و روز دردمند درد توالم و روز و شب مجروح تیغ و خدیگ تو، جز به ملکوت ابهائیت ناله
هُوَاللهی ای خداوند، تو شاهد و آگاهی که در دل و جان جز آرزوی رضای تو مرا می ندارم و جز در بزم

AB06012

مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوای عطا فرما.
پس ای پلک یزدان من، این بنده پر شور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و
که به عواطف رحمانیت موفق بحریست بی‌اکران و هر تراهالی که به پرتو عنایت مؤید آفتاب‌بست درخشنده و تابان،
المطاف بی‌انهایت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز، هر قطره‌الی
جز تو نجسته و نجویم و به غیر از سبیل محبت راهی نیموده و نیویم، در شبان تیره نومیدی دیده‌ام به صبح امید
هُوَالْحَقَّ الْقَیُومُ اللهُ تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی

AB00204PRO

را به غزلخوانی بخوان و حقایق و معانی تعلیم ده. توئی پروردگار توئی کردگار توئی مجلی طور در کشور انوار.
باران موهبت بیار، چمن هدایت بیار، ریاحین معانی انبات کن و سلطان گل را تلج موهبت بر سر نه و بلبلان روحانی
دیده اهل بصیرت روشن کن، آهنگ ملکوت ابهی به‌گوش رسان و هر دل‌تنگ عالم آدنی را خوشوقت کن، ابر رحمت بفرست،
کن تغامت قدس بفرست و محافل انس معطر نما، فیض قدیم مبنول دار و فوز عظیم شایان نما، نور حقیقت جلوه ده
هُوَالله ای پروردگار، به جنود ملاء‌اعلی نصرت نما و به جیوش ملائکه محبت و صفا اعانت

AB00001SHI

گلزار نما تا بوی خوی خوشش جان‌پرور گردد و پرتو رویش افزون از ماه و اختر. توئی مهربان و توئی بخشنده و توانا.
کن، سرور آستان نما و افسر جهان بالا بر سر نه، رویش را بدرخشان و گوهرش را بیفشان، جانش را مشکبار کن و دلش را
یزدان پاک، این بنده دیرین را اندوهگین مخواه، شادمانی آسمانی بخش و قر یزدانی بده، ستاره روشن نما و گل گلشن
هُوَاللهی الأبهی ای

بَؤزِد و شَمِيم احسان مُرور نماید، مشامِها مُعطر گردد، رویِها مُتَوَر شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. پرتو موهبت بیفزاید، شمع غفران بر افروزد و پردهٔ عصیان بسوزد، صبح امید نمد، ظلمت نومید زائل گردد، نسیم الطاف زهیم و مُتَضَرع در هر صبحگهیم، ای بزرگواری، خطا بیوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و هوالمه ای یزیدن مهربان، سرا پا گهیم و خاک

فَضْلِكَ وَ مَوْلِيَّتِكَ ثُمَّ اَقْبَلْ مِنَّا يَا مَحْبُوبِنَا مَا عَمَلْنَا فِي سَبِيلِكَ . اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِي الْمَفْرُدُ الْمُوَاحِدُ الْمُغْفُورُ الْمُعْطُوفُ . بَانَ لَا تُرَجِعُهَا اِلَّا بِكُنُوزِ عَطَائِكَ وَ احْسَائِكَ . اَي رَبِّ فَارْتَبْنَا لَنَا وَ لِاَبَائِنَا كَلِمَةَ الْغُفْرِانِ ثُمَّ اقْضِ لَنَا مَا ارْتَدَيْنَاهُ مِنْ طَمَطَامِ عَلٰى مَا كَانَ وَ مَا يَكُوْنُ . لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَهِيْمُنُ الْقَيُّوْمُ . اَي رَبِّ تَرَى اَيْدِي الْمُرْجَاءِ مُرْتَقِعَةً اِلَى سَمَاءِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ اَسْأَلُكَ اَرْوَاْحَنَا فِي جَبْرُوتِكَ وَ اَسْمَائِنَا فِي مَلَكُوتِكَ وَ اجْسَادِنَا فِي كِنَائِزِ حِفْظِكَ وَ اجْسَامِنَا فِي خَزَائِنِ عَصْمَتِكَ اِنَّكَ الْمُقْتَدِرُ سَحْلِبِ رَحْمَتِكَ لِیُطَهِّرِنَا عَنْ ذِكْرِ غَيْرِكَ وَ یُقَرِّبِنَا اِلَى شَاطِئِ بَحْرِ فَضْلِكَ . اَي رَبِّ فَارْتَبْنَا لَنَا مِنْ قَلَمِكَ الْاَعْلٰى مَا یَبْقٰى بِهٖ بِاَعْلٰى الْمُنْدَاءِ فِي مَلَكُوتِ الْاِنْشَاءِ وَ یَدْعُو الْكُلَّ اِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰى وَ الْمَقَامِ الْاَقْصٰى . بَانَ تَنْزِلْ عَلَيْنَا وَ عَلٰى عِبَادِكَ مِنْ اَمْطَارِ الْمُنْفِيسِ وَ الْمُهْوٰى وَ تُوْفِّدْهُمْ عَلٰى مَا یَنْفَعُهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ وَ الْاَوَّلٰى . اَي رَبِّ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمُنٰى یُنٰىی وَ اِحْاطَتُهُم بِالْبَاسِءِ وَ الْمَضْرَءِ بِمَا اَعْرَضُوا عَنْ الْمُوْرٰى وَ اَقْبَلُوا اِلَى الْاَلْفِیْقِ الْاَعْلٰى . اَي رَبِّ اَسْأَلُكَ بَانَ تَحْقَظْهُمْ مِنْ شُثُوْنٰتِ لِنْدَائِكَ الْاَلْحٰلِی الْمُنٰى اَرْتَفِعْ مَنْ الْمَقَامِ الْاَعْلٰى بِاسْمِكَ الْاَبْهٰى . اَي رَبِّ فَانْصُرْ اِحْبَتَكَ الَّذِيْنَ تَبَدُّوْا مَا عِنْدَهُمْ رَجَءٌ مَا عِنْدَكَ مِنْ سَمَءٍ مَشِيَّتِكَ . اَي رَبِّ تَرَى عُیُوْنَهُمْ نَاطِرَةً اِلَى اَفْقِ عَنَیَّتِكَ وَ قُلُوْبُهُمْ مُتَوَجِّهَةً اِلَى بُحُوْرِ الطَّلَاقِ وَ اَصْوَابِهِمْ خَالِشَةً فَارْحَمْ يَا اِلَهَ الْعَالِمِ وَ مَلِكِ الْمَقِيْمِ وَ سُلْطٰنِ الْاَهْمِ عِبَادِكَ الَّذِيْنَ تَمَسَّكُوا بِحَبْلِ اَوْلٰمَرِكَ وَ خَضَعُوا عِنْدَ ظَهْوَرٰتِ اِحْكَامِكَ اِيَامِكَ وَ لَا تَمْنَعُهُمْ عَنْ رَشْحٰتِ بَحْرِ رِضَائِكَ . اَي رَبِّ قَدْ شَهِدْتَ التَّرٰتِ بِقُدْرَتِكَ وَ سُلْطٰنِكَ وَ الْاٰیٰتِ بِعَظَمَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ يَا مَنْ یَبْدِكَ زَمَامِ الْمِمْكِنٰتِ وَ فِي قَبْضَتِكَ مَلَكُوتِ الْاَسْمَءِ وَ الْاِصْفٰتِ . بَانَ لَا تَحْرِمْ عِبَادَكَ عَنْ اَمْطَارِ سَحْلِبِ رَحْمَتِكَ فِي بَازْمَرِكَ وَ اِرَابَتِكَ وَ یَقُوْمُوْنَ فِي الْاَسْحٰرِ لِذِكْرِكَ وَ تَنَائِكَ رَجَءٌ مَا كُنْزٌ فِي كِنَائِزِ فَضْلِكَ وَ خَزَائِنِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ . اَسْأَلُكَ هُوَ الْعَزِيْزُ الْمُنٰنُ يَا اِلَهَ الرَّحْمٰنِ وَ الْمُقْتَدِرُ عَلٰى الْاِمْكٰنِ تَرَى عِبَادَكَ وَ اَرْقٰئِكَ الَّذِيْنَ یُصُوْمُوْنَ فِي الْاِلَیٰمِ

ای پروردگار مرا ثابت دار تا در سبیلت دلیل متخیرین گردم و در طریقت هادی هر طالب کلیل. توئی مقتدر و توانا. و ظهیر گشتی و افتاده‌ای را مجیر و دستگیر. ستایش و نیایش تو را سزاوار که بزرگواری و معین و مجیر هر نیکوکار هوالبهی ای محبوب یکتا ای مقصود بی‌اهمتا، عون و عنایت فرمودی و صون و حمایت نمودی، بیچاره‌ای را معین

إلهي إلهي

لعرفانك وعبادتك. أشهد في هذا الحين بعجزتي وقوتك وضعفي واقتدارك وفقري وغنائك. لا إله إلا أنت المهيمن القيوم. أشهد يا إلهي بأنك خلقتني

ده و این افتادگان را در کھف حفظ و حمایت خویش از شَرّ اهل نفاق محفوظ دار. اَنْتَ الْمُحَلِّظُ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْمُقْدِرُ.
ای پروردگار بی انباز، مُقدسی و مُتزه، رحیمی و مهربان، مُجیری و دستگیر، این بیچارگان را در پناه خود منزل
هُوَ الْاِلهِی

موفق گردیم و مانند ستاره‌های روشن در این اقالیم بنور هدایت بدرخشیم. توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و بینا. ع. ع.
و محرومان محرم راز شوند پروردگارا بعین عنایت نظر نما تأییدی آسمانی فرما نَفثَاتِ رُوحِ الْمَقْدِسِ مَبْدُولِ دَارِ تَا بِخِدْمَتِ
و دیده بمشاهده انوار روشن نمایند از ظلمات جهالت برهند و طائف حول سراج هدایت گردند بی‌انصیبان نصیب برند
توئیم در ره تو قدم نهادیم و مقصد و آرزویی جز نشر نفعات تو نداریم تا نفوس فریاد اهدنا المصراط المستقیم برآرند
فرمودی پروردگارا جمعی هستیم بندگان تو و فقیران تو دور افتاده‌ایم مشتاقان تو تشنه چشمه توئیم و دردمند درمان
تشنگانرا بچشمه هدایت دلالت کرمی ماهیان لب تشنه را بدریای حقیقت رساندی و مرغان آواره را بگلشن عنایت دعوت
فرمودی کوران بینا نمودی و کران شنوا کرمی مردگان زنده فرمودی و فقیران اغنیا کرمی گمراهان را راه بنمودی و
پروردگار مهربانا شکر ترا شاهراه هدایت بنمودی و ابواب ملکوت بگشودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی

منما و به ملائكة مُقَرَّبِینِ كُلِّ رَا مَدَدَ فَرْمَا، تَا بَه اسْتِقَامَتِ تَمَامِ اَیْنِ دُو یَوْمِ رَا دَر خِدْمَتِ صَرَفِ نَمَایْنَدِ تُوئی قَادِرِ وَتَوَانَا.
الهی الهی دوستانت را از بحر کرمت محروم

اللّٰهُ الْمَلِكُ الْجَمِیلُ مِنَ الذِّنِّ هُمْ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَ بِالذِّنِّ یَبْعَثُهُ اللّٰهُ فِی یَوْمِ الْمِیْمَةِ وَ کَانُوْا عَلٰی مَنَهِجِ الْحَقِّ لِمَنْ الْمَسْلُکِیْنَ
وَ یَکْشِفُ ضُرُّهُ وَ یَقْرُجُ کَرْبَهُ وَ اِنَّهُ لَهُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ ثُمَّ تَکْرَمْنَ لِنَدَاکَ مِنْ سَکَنِ فِی مَدِیْنَةِ
وَ رَحْمَةٍ مِنْ لَدُنَّا لِنُکُوْنَ مِنَ الْمَشٰکِرِیْنَ فَوَاللّٰهِ مَنْ کَانَ فِی شِدَّةٍ اَوْ حُزْنٍ وَ یَقْرُوْ هَذَا الْمَلُوْحَ بِصِدْقٍ مُّبِیْنٍ یَرْقَعُ اللّٰهُ حُرَّتَهُ
اٰیْمَاکَ وَ لَا تُکُنْ مِنَ الْمَصٰیبِیْنَ فَاِنَّ اللّٰهُ قَدِ قَدَّرَ لِقَارِبِهِ اَجْرَ مِائَةِ شَهِیْدٍ ثُمَّ عِبَادَةُ الْمُتَّقِیْنَ کَذٰلِکَ مَثَلًا عَلَیْکَ بِفَضْلِ مَنْ عِنْدَنَا
فَقَدْ اَعْرَضَ عَنِ الرُّسُلِ مِنْ قَبْلِ تَمَّ اسْتَكْبَرَ عَلٰی اللّٰهِ فِی اَزْلِ الْاَزٰلِ اِلٰی اٰیْدِ الْاَبْدِیْنَ فَاحْفَظْ یَا اَحْمَدُ هَذَا الْمَلُوْحَ ثُمَّ اَقْرَاهُ فِی
الْمُظَنُّوْنَ بَیْنَهُمْ وَ قُلُوْبِهِمْ وَ تَمَتَّعَهُمْ عَنْ سُئْلِ اللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَ اِنَّکَ اَنْتَ اٰیْقَنُ فِی نَائِکَ بَانَ الَّذِیْ اَعْرَضَ عَنْ هَذَا الْجَمَلِ
وَ لَیْسَ لَهُمْ مِنْ بَصْرِ لَیَعْرِفُوْا اللّٰهُ بِعُیُوْنِهِمْ اَوْ یَسْمَعُوْا تَعْمَلٰتِهِ بِاَذَانِهِمْ وَ کَذٰلِکَ اَشْهَدْنَاهُمْ اِنْ اَنْتَ مِنَ الْمَشْهَدِیْنَ کَذٰلِکَ حَالِی
فِی سَبِیْلِ اَوْ الْمَثَلَةَ لِاَجْلِ اَسْمٰی لَا تَضْطَرِبْ فَتَتَوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ رَبِّکَ وَ رَبِّ اٰبَائِکَ الْاَوَّلِیْنَ لِاَنَّ النَّاسَ یَمُشَوْنَ فِی سُئْلِ الْمُوْهِمِ
مَنْ فِی السُّمُوْلِتِ وَالْاَرْضِیْنَ وَ کَنْ کَشَعْلَةَ النَّارِ لَاعْدَاۤئِیْ وَ کَوْتِرَ الْبِقَلَاءِ لِاِحْبَائِیْ وَ لَا تُکُنْ مِنَ الْمَمْتَرِیْنَ وَ اِنْ یَمَسَّکَ الْمُحْزَنُ
وَ غُرْبَتِیْ فِی هَذَا السُّجْنِ الْمُبْعِدِ وَ کَنْ مُسْتَقِیْمًا فِی حُبِّیْ بِحِیْثُ لَنْ یُحَوَّلَ قَلْبُکَ وَ لَوْ تَضْرَبُ بِسُیُوفِ الْاَعْدَاءِ وَ یَمْتَعُکَ کُلُّ
وَ لَنْ یَسْتَطِیْعُوْا وَ لَوْ یُکُوْنُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهْرِیًّا اَنْ یَا اَحْمَدُ لَا تَنْسَ فَضْلِیْ فِی غَیْبَتِیْ ثُمَّ تَکْر اٰیْمَا فِی اٰیْمَاکَ ثُمَّ کَرْبَتِیْ
یَا قَوْمِ اِنْ تَکْفُرُوْا بِهَذِهِ الْاٰیٰتِ فِیْ اٰی حُجَّةٍ اَمْتُمْ بِاللّٰهِ مِنْ قَبْلِ هَاتُوْا بِهَا یَا مَلَا الْمَکْدِیْبِیْنَ لَا قَوْلَ لِدُنِّیْ نَفْسِیْ یَبِیْهَ لَنْ یَقْدُرُوْا

فى هَذَا السَّجْنِ وَ مَا عَلَيْهِ إِلَّا الْمَبَالِغُ الْمُبِينُ فَمَنْ شَاءَ فَلْيَعْرِضْ عَنْ هَذَا الْمُنْصِحِ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا قُلْ
فِي الْبَيَانِ مِنْ لَدُنِّ عَزِيزٍ حَكِيمٍ قُلْ إِنَّهُ لَسُلْطَانُ الْمُرْسَلِ وَ كِتَابُهُ لَأَمُّ الْكِتَابِ إِنْ أَنْتُمْ مِنَ الْمَعَارِفِينَ كَذَلِكَ يُدَكِّرُكُمْ التُّورِقَاءَ
وَ الَّذِي أَرْسَلَهُ بِاسْمِ عَلِيِّ هُوَ حَقٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ إِنَّا كُلِّ بَاهِرِهِ لِمَنْ الْعَالَمِينَ قُلْ يَا قَوْمِ فَاتَّبِعُوا حُدُودَ اللَّهِ الَّتِي فُرِضَتْ
الَّذِي أَنْتُمْ بِفَوَائِدِهِ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْمُقْتَدِرِ الْعَظِيمِ إِنْ يَا أَحْمَدُ فَاشْهَدْ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ السُّلْطَانُ الْمَهْمِيُّ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ
هَذَا لِمَنْظَرِ الْكَبِيرِ الَّذِي سُطِرَ فِي الْوَالِحِ الْمُرْسَلِينَ وَ بِهِ يُقْصَلُ الْحَقُّ عَنِ الْبَابِ الْوَالِحِ وَ يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ قُلْ إِنَّهُ لَشَجَرُ الْوَالِحِ
بِهَذَا النَّبَأِ الَّذِي فُصِّلَ مِنْ تِبَاءِ اللَّهِ لِلْمَلِكِ الْعَزِيزِ الْمُرِيدِ وَ تَهْدَى الْمَحْبَبِينَ إِلَى مَقْعَدِ الْقُدْسِ ثُمَّ إِلَى هَذَا الْمَنْظَرِ الْمُنِيرِ قُلْ إِنْ
سَدَرَةَ الْبَقَاءَ بِالْحَلَنِ قَدِيسٍ مَلِيحٍ وَ تَبَشَّرَ الْمَخْلُصِينَ إِلَى جَوْلَارِ اللَّهِ وَ الْمَوْحِدِينَ إِلَى سَاحَةِ قَرَبِ كَرِيمٍ وَ تَخْبِرَ الْمُتَقَطِّعِينَ
هُوَ السُّلْطَانُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ هَذِهِ وَرَقَّةُ الْفَرْدُوسِ تَعْتَى عَلَى الْفَنَانِ

BH02307

لَسَى وَجْهَكَ وَ جَانِدِ بِنْرِهَانِكَ وَ قَرْمِنْ حُكُومَتِكَ وَ اقْتِدَارِكَ وَ كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فِي الْوَالِحِ الْقُدْسِ مِنْ أَصْبَحِ الْأَمْرِ مَكْتُوبًا.
طَافَ فِي حَوْلِكَ وَ حَضَرَ تَلْقَاءَ عَرَشِكَ، قُوَيْلَ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَ أَنْكَرَكَ وَ كَفَرَ بِأَيَاتِكَ وَ جَاحَدَ بِسُلْطَانِكَ وَ حَارَبَ بِنَفْسِكَ وَ اسْتَكْبَرَ
اللَّهُ، وَ مَنْ فَازَ بِقَلْبِكَ فَقَدْ فَازَ بِقَاءِ اللَّهِ، فَطُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِكَ وَ بِأَيَاتِكَ وَ خَضَعَ بِسُلْطَانِكَ وَ شَرَّفَ بِقَلْبِكَ وَ بَلَغَ بِرِضَائِكَ وَ
فُصِّلَ بَيْنَ الْمُتَمَكِّنَاتِ وَ صَعَدَ الْمُخْلِصُونَ إِلَى الْمَنزُوتَةِ الْعَالِيَا وَالْمُشْرِكُونَ إِلَى الدَّرَكَاتِ الْمَسْفَلَى، وَ أَشْهَدُ بِأَنَّ مَنْ عَرَفَكَ فَقَدْ عَرَفَ
وُجْهَكَ الْمُتَمَكِّنَاتِ وَ يُعْتَمِدُ الْمَظْهُورَاتِ، وَ أَشْهَدُ أَنْ بِجَمَالِكَ ظَهَرَ جَمَالُ الْمُغْبُودِ وَ بِوَجْهِكَ لَاحَ وَجْهُ الْمُقْصُودِ وَ بِكَلِمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ
سَمَاءُ الْقَضَاءِ وَ طَلَعَ جَمَالُ النُّعُوبِ عَنْ أُنْفُقِ الْمُبْدَاءِ، وَ أَشْهَدُ أَنْ بِحَرَكَةٍ مِنْ قَلَمِكَ ظَهَرَ حُكْمُ الْكَلْفِ وَ الْمُنُونِ وَ بَرَزَ سِرُّ اللَّهِ الْمُتَمَكِّنُونَ،
مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنْ بِكَ ظَهَرَتْ سُلْطَنَةُ اللَّهِ وَ اقْتِدَارُهُ وَ عَظَمَةُ اللَّهِ وَ كِبَرِيَاؤُهُ، وَ بِكَ أَشْرَقَتْ شُمْسُ الْقُدْسِ فِي
الْمُنَاءِ الَّتِي ظَهَرَ مِنْ نَفْسِكَ الْأَعْلَى وَ الْمُبْهَاءِ الَّذِي طَلَعَ مِنْ جَمَالِكَ الْأَبْهَى، عَلَيْكَ يَا مَظْهَرَ الْكِبَرِيَاءِ وَ سُلْطَانَ الْبَقَاءِ وَ هَلِيكَ
لِتُجَدِّبَنِي عَنْ نَفْسِي وَ عَنِ الدُّنْيَا إِلَى شَطْرِ قُرْبِكَ وَ لِقَائِكَ وَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ إِنَّكَ كُنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا.
فِيَا إِلَهِي وَ مُحِبُّوْبِي فَأَرْسَلِ إِلَيَّ عَنِ يَمِينِ رَحْمَتِكَ وَ عَنَائِكَ تَفَحَّلْتَ قُدْسَ الْأَطْلَاقِ

صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى عِبَادِكَ الْفَالِيزِينَ وَ أَمَائِكَ الْفَالِيزَاتِ إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ نَوَالِقِضِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.
وَ قَرُوعَهَا بِدَوَامِ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ صِفَاتِكَ الْعَالِيَا ثُمَّ احْفَظْهَا مِنْ شَرِّ الْمُعْتَدِينَ وَ جُنُودِ الظَّالِمِينَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ،
إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمَتَعَلِّ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الْمَرْحِيمُ، صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى الْمُسْتَدْرَةِ وَ أَوْرَاقِهَا وَ أَغْصَانِهَا وَ أَلْفَانِهَا وَ أَصُولِهَا
وَ جِهَتِكَ وَ اتَّبِعُوا مَا أَمَرُوا بِهِ حَبًّا لِنَفْسِكَ أَنْ يَكْشِفَ الْمُسْبَحَاتِ الَّتِي حَالَتْ بِبَيْتِكَ وَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ يَزِدَّ قُنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
أَمَرْتَ مِنْ لَدُنِّ عَلِيمٍ حَكِيمٍ رُوحِي لِضَرِّكَ الْفِدَاءِ وَ نَفْسِي لِإِلَائِكَ الْفِدَاءِ أَسْأَلُ اللَّهَ بِكَ وَ بِالْمَلَكَيْنِ اسْتَضَائَتِ وَجُوهَهُمْ مِنْ أَنْوَارِ
أَيَامِكَ فِي عَمْرَاتِ الْمَبْلَايَا مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ الْمَسَالِسِ وَ الْأَغْلَالِ وَ مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ سُيُوفِ الْأَعْدَاءِ وَ مَعَ كُلِّ ذَلِكَ أَمَرْتَ النَّاسَ بِمَا
عَلَيْكَ يَا جَمَالَ اللَّهِ تَنَاءِ اللَّهِ وَ تَكَرُّهُ وَ بَهَاءِ اللَّهِ وَ نُورُهُ أَشْهَدُ بِأَنَّ مَا رَأَيْتَ غَيْبًا إِلَّا بَدِيعَ مَظْلُومًا شَبَّهَكَ كُنْتَ فِي

AB03082

نَابِتِ كَنْ، مُسْتَقِيمِ فَرْمَا وَ دَرِ مَحْفَلِ اسْرَارِ هَمْدِمْ وَ نَدِيمِ كَنْ، اِي كَرِيمِ، تَوَى صَاحِبِ فَضْلِ عَظِيمِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَرْحَمُ الْمَرْحِيمِ.
شُكْرُ الْمَطْلَفَاتِ دَرِ نِيَايِمِ كِهْ چَنِينِ مَوْهَبَتِي مَبْذُولِ فَرْمُودِي وَ چَنِينِ اِحْسَانِ رَايْگَانِ دَاشْتِي اِي يَزْدَانِ مَهْرِيَانِ، تَابِتِ نَمَا وَ
رَا اَزْ مَعِينِ عَيْنِ تَسْنِيمِ نَوْشَانِيْدِي، پَسْ اِگَرِ دَرِ دِهَانِ صَدِ هَزَارِ زَبَانِ بَغْشَايِمِ وَ بِهْ هَرِ زَبَانِ حَمْدِ وَ سَتَايِشِ تُو نَمَايِمِ اَزْ عَهْدِهِ
اِيْنِ مُسْتَمْنَدِ رَا بِهْ گَنْجِ رُوَانِ دَلَالَتِ فَرْمُودِي، اِيْنِ قَافِلُهُ گَمْگَشْتِهْ رَا بِهْ كَعْبُهُ مَقْصُودِ هِدَايَتِ فَرْمُودِي وَ اِيْنِ مَاهِي تَشْنِهْ لَبِ
هُوَ اِلَلَهْ اِي پَرُورِدْگَارِ، سَتَايِشِ تُو رَا كِهْ اِيْنِ بِي اِنُوَا رَا بَا نُوَا كَرْمِي وَ

اشْرَحْ صَدْرَهُ وَ أَوْقِدْ مُصْبَاحَهُ فِي خِدْمَةِ أَمْرِكَ وَ عِبَادِكَ ، أَنْتَ أَتَتْكَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْوَهَّابُ وَ أَنْتَ أَتَتْكَ الْمَعْرُوفُ الرَّؤُوفُ الرَّحْمَنُ .
 أَنْتَ أَتَتْكَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمَتَعَالِ . هَذَا مَا يُنَادِيكَ بِهِ ذَلِكَ الْعَبْدُ فِي الْمُبْكُورِ وَ الْأَصْلَالِ إِلَى رَبِّ حَقَّقْ أَمَالَهُ وَ تَوَرَّأَسْرَارَهُ وَ
 الْمَفْنَاءَ وَ اجْعَلْنِي غُبَارًا فِي مَمَرِ الْأَحْيَاءِ وَ اجْعَلْنِي فِدَاءً لِلْأَرْضِ الْمَتَى وَ طِئْتَهَا أَقْدَامِ الْأَصْفِيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَ الْعَلَى
 وَ اعْنَى عَلَى الْمَوَاطِبَةِ عَلَى الْإِنْعَادِ فِي زَحِيَّةِ رُبُوبِيَّتِكَ . إِلَى رَبِّ أَسْقِنِي كَأْسَ الْمَفْنَاءِ وَ الْمَيْسِنِي تَوْبَ الْمَفْنَاءِ وَ اغْرَقْنِي فِي بَحْرِ
 أَحْدِيثِكَ وَ تَوَرَّجِبْنِي بِأَنْوَارِ الْمُتَعَبَّدِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ وَ التَّبْتِيلِ إِلَى مَلَكُوتِ عَظَمَتِكَ وَ حَقِّقْنِي بِالْمَفْنَاءِ فِي فَنَاءِ بَابِ الْوَهَّابِيَّتِكَ
 مُتَوَكِّلَ عَلَيْكَ مُتَضَرِّعَ بَيْنَ يَدَيْكَ يُنَادِيكَ وَ يُنَادِيكَ وَ يَقُولُ : رَبِّ أَيْنِدْنِي عَلَى خِدْمَةِ أَحْبَابِكَ وَ قَوْنِي عَلَى عُبُودِيَّةِ حَضْرَةِ
 وَ تَعْمَرُهُ فِي بَحْرِ زَحْمَةِ صَمْدَانِيَّتِكَ أَي رَبِّ إِنَّهُ عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَ رَقِيقُكَ الْمَسْأَلُ الْمَتَضَرِّعُ الْأَسِيرُ مُبْتَهَلُ الْبَيْتِ
 أَهْلِ الْحَقْلِيْقِ وَ التَّنَوُّعِ مِنْ أَوْلَى الْأَلْبَابِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى عَبْدِكَ الْخَاضِعِ الْخَاشِعِ بِبَابِ أَحْدِيثِكَ بِلَحْظَاتِ الْعَيْنِ زَحْمَانِيَّتِكَ
 نَارِدِ هُوَالِابِي الْمَهَى الْمَهَى أَنِّي أَبْسُطُ إِلَيْكَ الْكُفَّ الْمُتَضَرِّعِ وَ التَّبْتِيلِ وَ الْإِبْتِهَالِ وَ أَعْقِرْ وَجْهِي بِتُرَابِ عَتَبَةِ تَقَدَّسَتْ عَنْ ادْرَاكِ
 آيِنِ مَنَاجَاتِ رَا هِرْ نَفْسِي بِه كَمَالِ تَضَرِّعِ وَ ابْتِهَالِ بِخَوَانِدِ سَبَبِ رُوحِ وَ رِيحَانِ قَلْبِ آيِنِ عَبْدِ غَرْدِ وَ حُكْمِ مَلَاقَاتِ

قلم امر مبرمتم را نصرت فرمودی و اولیاء را راه نمودی . توئی مالک قدرت و ملیک اقتدار . لا اله الا انت المعزیز المختار .
 تو ، اسباب آسمان و زمین در قبضه قدرت تو . امراء را عدل عنایت فرما و علما را انصاف . توئی آن مقتدری که به حرکت
 الهی الهی . سراج امرت را به دهن حکمت بر افروختی ، از اریاح مختلفه حفظش نما ، سراج از تو ، زجاج از

هر کدام بینه‌الی از بینت کتاب مجید . توئی خداوند مهربان و توئی جزیل الاحسان . انک انت المکریم المقتدر المعزیز الممان .
 متین بر این عهد رزین رصین ثابت و بر قرار مانند و به اشکرانه احسانت زبان گشایند وهریک آیتی از آیات توحید گردند و
 فرما ، ابر رحمت بیار ، بحر موهبت به موج آر ، نسیم عنایت بوزان و پرتو موهبت مبنول دار تا هر یک چون جیل راسخ
 محبتت را در حدیقه حقیقت لانه و آشیانه بخش و به ترانه وجد و سرور و شوق و شادمانی در بزم کامرانی دمساز
 رحمتت بنوشند و در اعلاء کلمات بکوشند و از آتش عشقت بسوزند و بجوشند . ای پروردگار ، این مرغان چمنستان
 شمع در سوز و گدازند و چون مرغ سحری همدم نغمه و آواز ، هر یک در جت ابهات صفت حمد تو گویند و از جویبار
 روز به نار محبتت مشتعلند و به تفحات قدست مؤانس ، مقصدی جز رضای تو ندارند و آرزوی جز لقای تو نجویند ، چون
 هوالابی ای خداوند مهربان ، این نفوس بندگان آستانند و پاسبان‌های راستان ، شب و

تو می‌دانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام ، جز نکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوی نخواهم .
 ای خدا ، در سببیت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌الی را به جان و دل آرزو نمایم . ای خدا ، از امتحان محافظه نما ،
 و این درماند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن ، با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاهت مناجات می‌نمایم
 و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوتت نمایم و ندایت را به جمیع گوش‌ها برسانم . ای خدا ، این بیچاره را چاره‌الی بخش
 بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم ، توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوی جز این ندارم که از محبت سر به کوه
 دل و جان آرزوی ندارم جز آنکه به رضایت موفق گردم و به عبودیتت مؤید شوم ، به خدمت پردازم و در کریم عظیمت

هُوَالله اى خدا، تو شاهدى و گواهى كه در

AB00189AID

نما، همواره مشام از تفحلت قدس مَعَطَر كن و در دو جهان روى مَثُور نما و خوى مَعْتَبِر. توئى دهنده و بخشنده و توانا.
هُوَالله اى پروردگار، اين جوهر ابرار را بار و ياور باش، كامكار كن بزرگوار

BB00018ADJ

مرا مستقيم بر امرت بدار و در امتحان ثابت بر محبت كن و در دريائى عنايتت مستغرق فرما. توئى دهنده و مهربان.
هُو پروردگار،

BH01125

يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى
و اشراق أنوار شمس جمالك و أغصانك بأن تكفر جريبات الذين تمسكوا بأحكامك و عملوا بما أمروا به فى كتابك ترانى
بأمرك أجز الذين لم يتكلموا الا باذنك و ألقوا ما عندهم فى سبيلك و حبك أي رب أسألك بنفسك و آياتك و بيناتك
و المطافك و بالاسم الذى به ماج بحر المغفران أمام وجهك و أمطر سحاب المكرم على أرقائك أن تكتب لمن أقبل الميك و صام
المعاشقين و ضجيج المشتاقين و صريخ المقربين و حنين المخلصين و به قضيت أمل الآملين و أعطيتهم ما أرادوا بفضلك
الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك باسمك الذى به سمعت نداء
فى سبيلك أن تكتب لى من قلمك الاعلى ما كتبه لامنائك و أصفياك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز
فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنور وجهك الذى ساق المقربين الى سهام قضائك و المخلصين الى سيوف الاعداء
و أظهرته بارادتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من
بها طار النوم عن عيون أصفياك و أولياك و قيامهم فى الاسحار لنكرك و ثنائك أن تجعلى ممن فاز بما أنزلته فى كتابك
الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنار محبتك التى
المختار أن تعرفنى ما كان مكنوًا فى كنائز عرفائك و مستورًا فى خزائن علمك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس
هاجت الارياح و ظهرت الاثمار و تطاولت الاشجار و محت الآثار و خرقت الاستار و سرع المخلصون الى أنوار وجه ربهم
متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بالحرف التى اذا خرجت من فم مشيتك ماجت البحار و
و تقربنى الى مقام تجلى فيه مطلع آياتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و
اللهم انى أسألك بحفيف سدره المنتهى و هزيز نسמת آياتك فى جبروت الاسماء أن تبعدنى عن كل ما يكرهه رضاؤك
يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى
الذى به احترقت أكباد العشاق و طارت أفئدة من فى الآفاق أن توفقني على نكرك بين خلقك و ثنائك بين بريتك ترانى
الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بمظهر اسمك المحبوب
و كبر عن ورائه بأعلى النداء بأن تجعلنى فانيًا عما عندى و باقيًا بما عندك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور
تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بجمالك المشرق من افق البقاء الذى اذا ظهر سجد له ملكوت الجمال
به ارادتك و ظهر من مشيتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل

و الاولی اللہم انی أسألك بخباء مجدک علی أعلى الجبال و فسطاط أمرک علی أعلى الاتلال أن تؤیدنی علی ما أريد
بیانک ترانی یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة
أسألك باسمک الذی جعلته سلطان الاسماء و به انجذب من فی الارض و السماء أن تریني شمس جمالك و ترزقنی خمر
متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللہم انی
علی خدمة أمرک علی شأن لا یعقبه المقعود و لا تمنعه اشارات اللذین جادلوا بأیاتک و أعرضوا عن وجهک ترانی یا الهی
الوجه كما يتحرك علی صفحات اللواج قلمک الاعلی و بها تضوعت رائحة مسک المعانی فی ملکوت الانشاء أن تقيمنی
العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللہم انی أسألك بشعراتک اللتی يتحرك علی صفحات
أن تجنبنی من نفحات قميصک و تشربنی من رحيق بیانک ترانی یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم
بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللہم انی أسألك بضیاء عرتک المقراء و اشراق أنوار وجهک من الافق الاعلی
تبعدنی عن ظل رحمتک و قباب کرمک ترانی یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا
به من فی الآخرة و الاولی اللہم انی أسألك بندائك الاحلی و الکلمة العلیا أن تقرینی فی کل الاحوال الی فناء بابک و لا
فضلك بین خلقک ترانی یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث
اللہم انی أسألك بالآية الكبرى و ظهور فضلک بین الموری أن لا تطردنی عن باب مدينة لقائك و لا تخیننی عن ظهورات
بُسمه المشرق من افق النبیان

BB00002ENA

از شهوات هوائیہ و اخلاق شیطانیہ محفوظ و مصون بدار تا روح بنفحات قدس انس گیرد و از ذکر دون تو صائم گردد.
مشتہیات جسمانیہ و اشتغال بطعام و شراب باز ماندم دل و جانم را از محبت غیر خویش پاک و مقدس کن و نفسم را
لی پروردگار همچنانکہ از

BB00147GRO

کہ جودت وجود را موجود فرمود و به افق اعلی راه نمود. عبادت را از صراط مستقیمت منع مفرما. تویی قادر و توانا.
امطار سحاب رحمت آتش ده. تویی آن کریمی کہ عصیان عالم تو را از کرم منع نمود و از بدایع فضلت باز نداشت، تویی
الهام مغبودا این نهالی است تو غرس نمودی، از

AB00527

فضلك و موهبتک ثم اقبل منا یا محبوبنا ما عملناه فی سبیلک. انک انت المقتدر المتعالی المفرد الواحد القفور العظوف.
بان لا ترجعها الا بکنوز عطائك و احسانک. ای رَبِّ فاكتب لنا و لا بائنا كلمة الغفران ثم اقض لنا ما اردناه من طمطم
علی ما کان و ما یکون. لا اله الا انت المهيمن القیوم. ای رَبِّ تری ایلحی المرعاء مرتفعة الی سماء جودک و کرمک أسألك
ارواحنا فی جبروتک و اسمائنا فی ملکوتک و اجسادنا فی کنایز حفظک و اجسامنا فی خزائن عصمتک. انک انت المقتدر
سحاب رحمتک لیطهرنا عن ذکر غیرک و یقرینا الی شاطی بحر فضلك. ای رَبِّ فاكتب لنا من قلمک الاعلی ما یبقی به
بالعی الینداء فی ملکوت الانشاء و یدعوا الکل الی سدرية المنتهی و المقام الاقصی. بان تنزل علینا و علی عبادک من امطار
النفس و الهوی و تؤیدهم علی ما یتقهم فی الآخرة و الاولی. ای رَبِّ أسألك باسمک المکنون المخزون الذی ینادی
و احاطتهم بالبأساء و المضراء بما أعرضوا عن الموری و اقبلوا الی الافق الاعلی. ای رَبِّ أسألك بان تحفظهم من شئوننا
لندلک الاحلی الذی ارتفع من المقام الاعلی باسمک الابهی ای رَبِّ فأنصر لِحبتک اللذین تبذوا ما عندهم رجاء ما عندک

من سماءِ مشیتک اَی رَبِّ تَرَى عُیُوثَهُمْ نَاطِرَةً اِلَى اُفُقِ عَنَائِتِکَ وَ قُلُوبُهُمْ مُتَوَجِّهَةً اِلَى بُحُورِ الطَّلَاقِ وَ اَصْوَابِهِمْ خَاشِعَةً فَارِحِمَ یَا اِلَهَ الْعَالِمِ وَ مَلِکَ الْمَقْدِمِ وَ سُلْطَانَ الْاِلهِمْ عِبَادِکَ الَّذِیْنَ تَمَسَّکُوا بِحِیْلِ اَوْلِیَمَرْکَ وَ خَضَعُوا عِنْدَ ظُهُورِیَّتِ احْکَامِکَ اَیْمَانِکَ وَ لَا تَمَنِّعُهُمْ عَن رَشْحَاتِ بَحْرِ رِضَائِکَ اَی رَبِّ قَدْ شَهِدْتَ التَّدْرِیَاتِ بِقُدْرَتِکَ وَ سُلْطَانِکَ وَ الْاِیَّاتِ بِعَظَمَتِکَ وَ اِقْتِدَارِکَ یَا مَنْ یَبِیدُکَ زَمَانِ الْمَمِکِنَاتِ وَ فِی قَبْضَتِکَ مَلْکُوتُ الْاَسْمَاءِ وَ الْیَصْفَاتِ بَانَ لَا تَحْرِمَ عِبَادَکَ عَن اَمْطَارِ سَحَابِ رَحْمَتِکَ فِی بَامَرْکَ وَ اِرَادَتِکَ وَ یَقُومُونَ فِی الْاَسْحَارِ لِذِکْرِکَ وَ تِنَائِکَ رَجَاءً مَا کُنْتَ فِی کُنَائِزِ فَضْلِکَ وَ خَزَائِنِ جُودِکَ وَ کَرَمِکَ اَسْأَلُکَ هُوَ الْعَزِیْزُ الْمُنَانُ یَا اِلَهَ الرَّحْمَنِ وَ الْمُقْتَدِرُ عَلَی الْاِمْکَانَ تَرَى عِبَادَکَ وَ اِرْقَانِکَ الَّذِیْنَ یُصُومُونَ فِی الْاِیَّامِ

AB00065KIN

او کند ما چه توانیم کرد، یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است، پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم په .والمبهاء عليك. المتفاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخمها را مرهم نهد و به نگاهی دلها را از قید غم برهاند، آنچه کند بند و به ملکوت ابهی بر گشا، آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب، به نظری صد هزار حاجاتت روا نماید و به الله ابهی ای متوجه الی الله، چشم از جمیع ملسوی بر

BHU0004SUF

هُوَ الْمَهْمِیْنُ الْقِیُومُ

بَرَکَةٌ مِنْ عِنْدِکَ ثُمَّ اَرْجِعْنِی اِلَى الْبَیْتِ سَلَامًا کَمَا اَخْرَجْتَنِی مِنْهُ سَلَامًا مُسْتَقِیْمًا لِاِیْلِ الْاَلَانَتْ الْفَرْدُ الْوَالِیْدُ الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ اَصْبَحْتُ یَا اِلَهَی بِفَضْلِکَ وَ اَخْرُجْ مِنْ الْبَیْتِ مُتَوَكِّلًا عَلَیْکَ وَ مَقْوَضًا اَمْرِی اِلَیْکَ فَاَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ سَمَاءِ رَحْمَتِکَ

AB10769

بگو ای اله من و محبوب من و سید من و سید من و مقصود من

تو و آفتاب عنایت و سماء فضل تو که مقدر فرمائی از قلم اعلی از برای این امه خود آنچه سزاوار بزرگی تو است. این سائلی است اراده بلب تو نموده و فقیری است قصد دریای غنای تو کرده. سؤال می‌انمایم تو را به‌دریای بخشش و جمیع قلوب از عرفانت قاصر بوده و خواهد بود. ای پروردگار من، عجز و فقر و فانی کنیز خود را مشاهده می‌انمائی می‌دهد جان و روان و لسان به‌اینکه واحد بوده‌الی و شبه و مثل برای تو نبوده و نخواهد بود. جمیع السن از وصفت عاجز شهادت

AB10703RAD

باقی همدم و همراز نما. قوت تأیید بخش و به تفننات روح القدس تقویت نما تا به خدمتت قیام نماید. تویی توانا. ع. ع ای پروردگار این دختر ملکوت را در دو جهان عزیز نما. از جهان خاک و خاکیان بیزار کن و به جهان

منما و به ملائکهٔ مقربین کل را مدد فرما، تا به استقامت تمام این دو یوم را در خدمتت صرف نمایند توئی قادر و توانا.
 الهی الهی دوستان را از بحر کرمات محروم

گلزار نما تا بوی خوبی خوشش جان پرور گردد و پرتو رویش افزون از ماه و اختر. توئی مهربان و توئی بخشنده و توانا.
 کن، سرور آستان نما و افسر جهان بالا بر سر نه، رویش را بدرخشان و گوهرش را بیفشان، جانش را مشکبار کن و دلش را
 یزدان پاک، این بندهٔ دیرین را اندوهگین مخواه، شادمانی آسمانی بخش و قر یزدانی بده، ستارهٔ روشن نما و گل گلشن
 هو الاهی الاهی ای

موفق گردیم و مانند ستاره‌های روشن در این اقالیم بنور هدایت بدرخشیم. توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و بینا. ع. ع.
 و محرومان محرم راز شوند پروردگارا بعین عنایت نظر نما تأییدی آسمانی فرما نفعات روح القدس مبذول دار تا بخدمت
 و دیده بمشاهده انوار روشن نمایند از ظلمات جهالت برهند و طائف حول سراج هدایت گردند بی‌انصیبان نصیب برند
 توئیم در ره تو قدم نهادیم و مقصد و آرزویی جز نشر نفعات تو نداریم تا نفوس فریاد اهدنا المصراط المستقیم برآرند
 فرمودی پروردگارا جمعی هستیم بندگان تو و فقیران تو دور افتاده‌ایم مشتاقان تو تشنه چشمه توئیم و دردمند درمان
 تشنگانرا بچشمه هدایت دلالت کردی ماهیان لب تشنه را بدریای حقیقت رساندی و مرغان آواره را بگلشن عنایت دعوت
 فرمودی کوران بینا نمودی و کران شنوا کردی مردگان زنده فرمودی و فقیران اغنیا کردی گمراهان را راه بنمودی و
 پروردگار مهربان شکر ترا شاهراه هدایت بنمودی و ابواب ملکوت بگشودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی

او کند ما چه توانیم کرد، یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است، پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم په. والبهاء علیک.
 التفتاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخم‌ها را مرهم نهد و به نگاهی دل‌ها را از قید غم برهاند، آنچه کند
 بند و به ملکوت ابهی بر گشا، آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب، به نظری صد هزار حاجاتت روا نماید و به
 الله ابهی ای متوجه الی الله، چشم از جمیع ملسوی بر

بخششی نما، آواره‌ایم در پناه لطفت مأوی بخش، بیچاره‌ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضل توئی کریم و توانا.
 حق، دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز بر آر و بگو، ای پروردگار، گناهکاریم عفو و مغفرت فرما، محتاجیم از کنز ملکوت
 هو الاهی ای بنده

دلالت فرمودی و این تشنگان را به عین عنایت رساندی و این درماندگان را در ظل کلمهٔ الهیه پناه دادی، انک انت المکریم.
 هو الله ای بی نیاز، ستایش تو را سزاست که این گمگشتگان را به شاهراه هدایت

انك أنت لكریم القوی العزیز المرحمن الرحیم ع ع لوح ششم دوره دوم الواج فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و طیبورًا صلحة فی ایكة البقاء و أسودًا زائرة فی غیاض العلم و النهی و حیثًا سلیحة فی بحور الحیاة برحمتك الكبری و بأعظم بریتك و كانوا ذبابًا فاستنسروا و كانوا قباء فاستبحروا بفضلك و عنایتك و أصبحوا نجومًا ساطعة فی أفق المهدي أیدت عبادك من قبل و كانوا أعجز خلقك و اتل عبادك و أحقر من فی أرضك ولكن بعونك و قوتك سبوا أجلاء خلقك و رب ارحم عجزی أیدنی بقوتك و قدرتك رب لو تؤید بنفثات الروح اعجز الموری لبلغ المنی و تصرف کیف یشاء كما هنا الفضاء اللنی لا یتناهی فكیف یمكن هنا إلا بعونك و عنایتك و تأییدك و توفیقك رب ارحم ضعفی و قونی بقدرتك و قمت على ترویج تعلیمك بین عبادك الأقویا معتمداً على حولك و قوتك رب ان طیراً كلیل الجناح أراد أن یطیر فی الملی الملی ترى ضعفی و تلی و هوانی بین خلقك مع ذلك توكلت علیك

AB00156LOW

هر کدام بینه الی از بینلت کتاب مجید. توئی خداوند مهربان و توئی جزیل الاحسان. انك انت الكریم المقندر العزیز الممان. متین بر این عهد رزین رصین ثابت و بر قرار مانند و به اشكرانه احسانت زبان گشایند وهریک آیتی از آیات توحید گردند و فرما، ابر رحمت ببار، بحر موهبت به موج آر، نسیم عنایت بوزان و پرتو موهبت مبنول دار تا هر یک چون جیل راسخ محبتت را در حدیقه حقیقت لانه و آشیانه بخش و به ترانه وجد و سرور و شوق و شادمانی در بزم کامرانی مساز رحمتت بنوشند و در اعلاء کلمه الت بکوشند و از آتش عشقت بسوزند و بجوشند. ای پروردگار، این مرغان چمنستان شمع در سوز و گدازند و چون مرغ سحری همدم نغمه و آواز، هر یک در جت ابهات صفت حمد تو گویند و از جویبار روز به نار محبتت مشتعلند و به تفحات قدست مؤانس، مقصدی جز رضای تو ندارند و آرزوی جز لقای تو نجویند، چون هو الاهی ای خداوند مهربان، این نفوس بندگان آستانند و پاسبان اهای راستان، شب و

AB00184KIN

نصیر المصغراء و انك أنت المقندر العزیز المختار. ع ع لوح چهارم دوره دوم الواج فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و فقی علی خدمتک و ایدنی بجنود ملائکت و انصرنی فی اعلاء کلمتک و انطقنی بحکمتک بین بریتک. انك معین المضعفا و تقر الأعین بمشاهدة آیات المهدي رب انی فرید و وحید حقیر لیس لی ظهیر الا أنت و لا نصیر الا أنت و لا مجیر الا أنت و یرفرق بکل سرور و انشراح فی هذا الفضاء و یرتفع هدیره فی کل الارحاء باسمک الأعلى و تتلذذ الآنان من هذا النداء الملی الملی هنا طیر کلیل الجناح بطی الطیران ایدنه بشدید القوی حتی یطیر الی اوج الفلاح و النجاح

AB00184KIN

سراجًا وهاجًا و نجمًا بلزقًا و شجرة مباركة مشحونة بالأثمار مظلة فی هذه الدیار انك انت العزیز المقندر المختار. ع ع و کلیل اللسان انطقنی بذكرک و ثنائک و ذلیل عرزی بالدخول فی ملکوتک و بعید قربنی بعقبة رحمتک رب اجعلنی بروح القدس حتی أنادی باسمک بین الاقوام و ابشر بظهور ملکوتک بین الأنام رب انی ضعيف قونی بقدرتك و سلطانک بمشاهدة الأنوار و أسمعنی نغمات طيور القدس من ملکوت الأسرار و اجتذبت قلبی بمحبتک بین الأبرار رب ایدنی رب رب لك الحمد و الشکر بما هدیتنی سبیل الملكوت و سلکت بی هذا المصراط المستقیم الممدود و توڑت بصری لوح سوم دوره دوم الواج فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء

AB00189AID

نما، همواره مشام از تفحلت قدس معطر کن و در دو جهان روی متور نما و خوی معتبر. توئی دهنده و بخشنده و توانا. هو الله ای پروردگار، این جوهر ابرار را یار و یاور باش، کامکار کن بزرگوار

را به غزلخوانی بخوان و حقایق و معانی تعلیم ده. توئی پروردگار توئی کردگار توئی مجلی طور در کشور انوار.
بارین موهبت یبار، چمن هدایت بیبارا، ریاحین معانی انبات کن و سلطان گل را تلج موهبت بر سر نه و بلبان روحانی
بیده اهل بصیرت روشن کن، آهنگ ملکوت ابهی به آگوش رسان و هر دلتنگ عالم ادنی را خوشوقت کن، ابر رحمت بفرست،
کن تغمات قدس بفرست و محافل انس معطر نما، فیض قدیم مبدول دار و فوز عظیم شایان نما، نور حقیقت جلوه ده
هوالمه ای پروردگار، به جنود ملاً اعلی نصرت نما و به جیوش ملائکه محبت و صفا اعانت

پی در پی تأیید و توفیق فرست و بر هر خیر موفق فرما زیرا سزاوار هر عنایتند و لایق هر موهبت وعلیهم الیهاء الابهی.
هوالمه ای پروردگار، این ابرار را از ملکوت اسرار

أنت المقتدر علی ما تشاء و انک علی کل شیء قدیر ع ع . لوح دوم دوره دوم المواج فرامین تبلیغی حضرت عبدالیهاء
المقاهرة و قدرتک المناذرة حتی ینطق لسانی بمحامدک و ثعوتک بین خلقتک و یطفح جنانی برحیق محبتک و معرفتک انک
و تحیط بی توفیقانتک التي تجعل المذنب عقاباً و القطرة بحوراً و أنهاراً و المذات شمساً و أنواراً رَبُّ أیدنی بقوتک
نادیاً لنشر تعالیمک بین العموم و انی أتوفق بهنا الا أن یؤیدنی نفاتت رُوح القدس و ینصرنی جنود ملکوتک الالعی
المهی المهی ترانی مع تلی و عدم استعداسی و اقتداری مهتماً بالامور، قاصداً لاعلاء کلمتک بین الجمهور،

بیان عجز چاره‌الی نه و به‌اغیر از اعتراف به قصور بهانه‌الی نیست، تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال ...
بشری. نتایج فکریه چگونه به‌امعارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه به‌لعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس تند، جز
توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفت، آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطه عالم
امر عسیر، زبان آلتی است مرکب از عناصر، صوت و بیان عارضی است از عوارض، به آلت عنصری و صوت عارضی چگونه
آمرزگارا، چگونه زبان به‌استایش گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این
هوالمه ای پروردگار

فضیک و مولهیک ثم اقبل منا یا محبونا ما عملناه فی سبیلک . انک انت المقتدر المتعلی المفرد الواحد القفور العطوف .
بان لا ترجعها الا بکنوز عطائک و احسانک . ای رَبِّ فاكتب لنا و لابائنا كلمة الغفران ثم اقض لنا ما اردناه من طمطم
علی ما کان و ما یكون . لا اله الا انت المهیمن المقیوم . ای رَبِّ تری ایلی المرءة مرتیفة الی سماء جودک و کرمک اسألك
ارواحنا فی جبروتک و اسمائنا فی ملکوتک و اجسادنا فی کنایز حفظک و اجسامنا فی خزائن عصمتک انک انت المقتدر
سحاب رحمتک لیطهرنا عن ذکر غیرک و یقرینا الی شاطی بحر فضیک . ای رَبِّ فاكتب لنا من قلمک الالعی ما یبقى به
بالعی الینداء فی ملکوت الانشاء و یدعوا الکل الی سدرة المنتهی و المقام الاقصی بان تنزل علینا و علی عبدک من امطار
النفس و الهوی و تؤیدهم علی ما یتقهم فی الاخرة و الاولی . ای رَبِّ اسألك باسمک المکنون المخزون الذی ینادی
و احاطتهم بالمساء و المضراء بما اعرضوا عن النوری و اقبلوا الی الافق الالعی . ای رَبِّ اسألك بان تحفظهم من شئوننا
لندائک الالعی الذی ارتفع من المقام الالعی باسمک الابهی . ای رَبِّ فأنصر اِحبتک الذین تبذوا ما عندهم رجاء ما عندک
من سماء مشیتک . ای رَبِّ تری عبوتهم ناظره الی افق عنایتک و قلوبهم متوجهة الی بحور الطلاق و اصولهم خاشعة
فارحم یا الله العالم و مالک المقدم و سلطان الالعی عبادتک الذین تمسکوا بحبل اولمرک و خضعوا عند ظهورات احکامک

اِيَامِكَ وَ لَا تَمْنَعُهُمْ عَنْ رَشْحَاتِ بَحْرِ رِضَائِكَ . اَي رَبِّ قَدْ شَهِدْتَ التَّدْرِيكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ الْاَيَاتِ بِعَظَمَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ
يَا مَنْ يَبْدِكَ زَمَامَ الْمَمْكَنَاتِ وَ فِي قَبْضَتِكَ مَلَكُوتِ الْاَسْمَاءِ وَ الْاِصْفَالِ . بَانَ لَا تَحْرِمَ عِبَادَكَ عَنْ اَمْطَارِ سَحَابِ رَحْمَتِكَ فِي
بَاهِرِكَ وَ اِرَامَتِكَ وَ يَقُومُونَ فِي الْاَسْحَارِ لِذِكْرِكَ وَ تَنَائِكَ رَجَاءً مَا كُنْزَ فِي كَنَائِزِ فَضْلِكَ وَ خَزَائِنِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ . اَسْأَلُكَ
هُوَ الْعَزِيزُ الْمُتَّانِ يَا اِلَهَ الرَّحْمَنِ وَ الْمُقْتَدِرُ عَلٰى الْاِمْكَنِ تَرٰى عِبَادَكَ وَ اَرْقَائِكَ الَّذِيْنَ يُصُوْمُونَ فِي الْاَيَامِ

AB01999

و نیروی بازو بخش تا به آرزوی خویش رسند و از کم و بیش در گذرند و آن مرز و بوم را چون نمونه جهان بالا نمایند.
دانشمندان نمایند، آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند. پس ای پروردگار مهربان، تو پشت و پناه باش
تا از آن باران بخشش بهره‌الی به یاران دهند و کودکان خود را به نیروی پرورش در آغوش هوش پرورده رشک
است بیدار شو بیدار شو. ای پروردگار بزرگوار، حال انجمنی فراهم شده و گروهی همدستان گشته که به جان بکوشند
سبز و خرم شد و مرغان چمن به ترانه و آهنگ همدم شدند، هنگام شادمانی است، پیغام آسمانی است، بنگله جاودانی
بجنبید و خاکدان گلستان شد و خاک سیاه رشک بوستان گشت، جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت، دشت و کھسار
جوش آمد و آفتاب نهش درخسید، بهار تازه رسید و بلد جانپور و زید و ابر بهمن بارید، پرتو آن مهر مهرپرور تابید، کشور
گشت و بزرگان نازنینش آواره و دربه‌ابر هر کشور دور، پرتوش تاریک شد و رودش آب باریک تا آنکه دریای بخشش به
شد و اختر بزرگواریش پنهان در زیر روپوش، بلد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خارزار، چشمه شیرینش شور
رشک بلغ بهشت، هوش پیغام سروش و جوش چون دریای ژرف پر خروش. روزگاری بود که آتش دانشش خاموش
نمایان، کشورش مهرپرور و کشت بهشت آسایش پر گل و گیله جان پرور و کھسارش پر از میوه تازه و تر و چمن زارش
مشکبیز فرمودی و شورانگیز و دانش‌خیز و گوهرریز، از خورش همواره خورشیدت نور افشان و در باختش مله تابان
بنام یزدان مهربان پاک یزدانا، خاک ایران را از آغاز

AB02205

قلبی و بشارتی روحی و تأییدی روح القدس موفق و مؤید فرما. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی عالم و واقف و بینا.
آبدی کرم فرما و این نفوس را به قوتی ملکوتی و موهبتی آسمانی و اخلاقی رحمانی و موابهی سبحانی و انجذابی
را به نکرت ناطق کن و بیده‌ها را به مشاهده انوار ملکوتت روشن فرما. ای پروردگار، فیض آسمانی بخش و حیات
قلوب زنده را سرشار از باده محبتت فرما و این جان‌های آزاد را به بشارت کبری قرح و مسرت بی منتهی بخش، زبان‌ها
هوالله ای پروردگار، این نفوس طیبه طاهره را ابناء ملکوت فرما و این وجوه نورانی را سراج‌های رحمانی کن، این

AB02304TST

فائِضِ اَمْرِكَ وَ اخْذَلْ اَعْدَائِكَ ثُمَّ اَكْتُبْ لَنَا خَيْرَ الْاٰخِرَةِ وَ الْاَوَّلٰى اِنَّكَ اَنْتَ الْحَقُّ عَلٰمُ الْغُيُوْبِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُوْرُ الْكَرِيْمُ .
السَّنَةِ عَزًّا لِاِحْبَابِكَ ثُمَّ قَدْرَ فِيْهَا مَا يَسْتَشْرِقُ بِهِ شَمْسُ قُدْرَتِكَ عَنْ اُفُقِ عَظَمَتِكَ وَ يَسْتَضِيْئُ بِهَا الْعَالَمُ بِسُلْطَانِكَ . اَي رَبِّ
بَرِيَّتِكَ . اَي رَبِّ هَذِهِ سَاعَةٌ جَعَلْتَهَا خَيْرَ السَّاعَاتِ وَ تَسَبَّحْتَ اِلٰى اَفْضَلِ خَلْقِكَ . اَسْأَلُكَ يَا اِلٰهِيْ بِكَ وَ بِهَمِّ بَانَ تَقْدَرُ فِيْ هَذِهِ
تَقْرُبُوْا اِلَيْكَ وَ مُنْعَوَا عَنْ لِقَائِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ تَخَلَّوْا فِيْ جِوَارِكَ طَلْبًا لِلْقَائِكَ وَ حَالِ بَيْتِهِمْ وَ بَيْنَكَ سُبْحَاتِ خَلْقِكَ وَ ظَلَمِ طِفْلَةٍ
وَ مِنْهُمْ الَّذِيْنَ جَعَلَهُمُ الْمُشْرِكُوْنَ اَسَارِيْ فِيْ مَمْلَكَتِكَ وَ مَنَعُوْهُمْ عَنْ التَّقَرُّبِ اِلَيْكَ وَ الْوُرُوْدِ فِيْ سَاحَةِ عَزْرِكَ وَ مِنْهُمْ يَا اِلٰهِيْ
السَّمُوْلِيْتِ وَ الْاَرْضِيْنَ فِيَا اِلٰهِيْ تَرٰى مَا وَرَدَ عَلٰى اِحْبَابِكَ فِيْ اِيَامِكَ فَوَعَدْتِكَ مَا مِنْ اَرْضٍ اِلَّا فِيْهَا اَرْتَفَعُ صُجُوْحُ اَصْفِيَائِكَ
مَمْلَاتِنَا بِحَبِّكَ ثُمَّ اَرْزُقْنَا لِقَائِكَ فِيْ عَوَالِمِكَ الَّتِيْ مَا اَطَّلَعَ بِهَا اَحَدٌ اِلَّا تَنَسَّكَ . اِنَّكَ اَنْتَ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ وَ الْمُهَنَّا وَ اِلَهَ مَنْ فِيْ
خَالِصًا لُوْجْهَكَ وَ مُنْقَطَعًا عَنْ دُوْنِكَ . فَاَنْزِلْ عَلَيْنَا يَا اِلٰهِيْ مَا يَنْبَغِيْ لِفَضْلِكَ وَ يَلِيْقُ لِحُجُوْدِكَ . ثُمَّ اجْعَلْ يَا اِلٰهِيْ حَيَاتِنَا بِذِكْرِكَ وَ
الاعْظِمِ وَ صَامُوا فِيْهِ بِمَا اَمْرْتَهُمْ فِي الْوَالِحِ اَمْرِكَ وَ صَحَائِفِ حُكْمِكَ فَاَنْزِلْ عَلَيْهِمْ مَا يَقْدُسُهُمْ عَمَّا يَكْرَهُه رِضًا وَ كَلِمًا لِيَكُوْنُوا
فِي الْقَرْبِ مُنْعَوَا عَنْ زِيَارَةِ طَلْعَتِكَ وَ فِي الْوَصَالِ جُعِلُوْا مَحْرُوْمًا عَنْ لِقَائِكَ . اَي رَبِّ هٰؤُلَاءِ عِبَادٌ تَخَلَّوْا مَعَكَ فِيْ هٰذَا الْمَسْجِنِ

مَشِيَّتِكَ إِلَىٰ أَنْ أَدْخَلْتَهُمْ فِي ظِلِّ قَبَابِ رَحْمَتِكَ. وَفَقَّهْتَهُمْ عَلَىٰ مَا يَنْبَغِي لِهَذَا الْمَقَامِ الْإِسْنَىٰ. أَيْ رَبِّ لَا تَجْعَلْهُمْ مَنِ الَّذِينَ الْحِصَاةَ فِي قَبِيضَةِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ فِيَا إِلَهِي هُوَإِلَاءَ عِبَادَتِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مُعَلِّمِينَ نَفْسِكَ وَ مُؤَلِّمِينَ مَطْلِعِ ذَاتِكَ وَ قَرَقْتَهُمْ أَرِيَاحَ عَمَّا قَدَرْتَهُ فِي هَذَا الْمَطْهُورِ الَّذِي بِهِ يَنْطِقُ كُلُّ شَجَرَةٍ بِمَا تَنْطِقُ سِدْرَةُ السَّيْنَاءِ لِمُوسَىٰ كَلِيمِكَ وَ يُسَبِّحُ كُلُّ حَجَرٍ بِمَا سَبَّحَ بِهِ شَوْقًا لِلْقَائِمِ وَ أَخَذْتَهُمْ نَفْحَاتٍ وَحَيْكَ عَلَىٰ شَأْنٍ يُسْمَعُ مِنْ كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ أَعْدَانِهِمْ. ذَكَرَكَ وَ تَنَاوُكَ بِأَنْ لَا تَجْعَلْنَا مَحْرُومًا عَلَىٰ وَجْهِ بَرِيَّتِكَ وَ مَصَارِيحِ عِنَايَتِكَ لِمَنْ فِي أَرْضِكَ. أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ سَفَكَ دِمَاؤَهُمْ فِي سَبِيلِكَ وَ انْقَطَعُوا عَنْ كُلِّ الْمَجْهَلَاتِ قَانِزِلَ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمْ مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِكَ مَا يَنْبَغِي لِسَمَاءِ فَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ مُسَبِّحَاتِكَ هَذِهِ سَاعَةٌ فِيهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُ جُودِكَ لِذَكَرِكَ وَ تَنَاوُكَ وَ يَقْرُونَ مِنْ التَّوْمِ طَلْبًا لِقَرِيْبِكَ وَ عِنَايَتِكَ لَمْ يَزَلْ طَرُقْهُمْ إِلَىٰ مَشْرِقِ الْمَطْلَقِ وَ وَجْهَهُمْ إِلَىٰ مَطْلِعِ الْمَهْلَمِ كَأَنَّ ذَكَرَكَ فِي الْأَسْحَارِ يَا رَبِّ الْأَرِيَابِ. أَوْلَيْتَ عِبَادَ أَخَذْتَهُمْ سُكْرَ خَمْرٍ مَعَارِفِكَ عَلَىٰ شَأْنٍ يَهْرَبُونَ مِنَ الْمَضْجَعِ شَوْقًا لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهَا تَصِيْبًا فِي لَوْحِ فَضْلِكَ وَ يُبْرِ تَقْدِيرِكَ وَ اخْتَصَصْتَ كُلَّ وَرَقَةٍ مِنْهَا بِحِزْبٍ مِنَ الْأَحْزَابِ وَ قَدَرْتَ لِلْعَشِيقِ لِمَنْ فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ وَ اخْتَصَصْتَ كُلَّ سَاعَةٍ مِنْهَا بِفَضِيلَةٍ لَمْ يُحِطْ بِهَا إِلَّا عِلْمَكَ الَّذِي أَحَاطَ بِالشَّيْءِ كُلِّهَا وَ قَدَرْتَ يَا إِلَهِي هَذِهِ أَيَّامَ فِيهَا قَرَضْتَ الْمَصِيَامَ عَلَىٰ عِبَادِكَ وَ بِهِ طَرَزْتَ دِيْبَايَ كِتَابِ أَوْلِيَاكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَ زَيْتِ صَحَائِفِ أَحْكَامِكَ قَوْلُهُ تَعَالَىٰ: بِسْمِ اللَّهِ الْإِلَهِيِّ

AB02326

ده و این افتادگان را در کھف حفظ و حمایت خویش از شتر اهل نفاق محفوظ دار. آنت الحلیظ المقتدر المعزیز المقدير. ای پروردگار بی انباز، مقدسی و منزه، رحیمی و مهربان، مجیری و دستگیر، این بیچارگان را در پناه خود منزل هوالبھی

AB02342

باشد و فکری عطا کن که به فیض روحانی جهان را گلشن نماید. توئی بخشنده و مهربان و توئی خداوند عظیم الاحسان. و مأمون فرما. توئی توانا و توئی بینا و توئی شنوا. ای خدای مهربان دلی عطا کن که مانند زجاج به سراج محبتت روشن. خدایا مرا مستقیم مدار و ثابت و راسخ کن، از امتحانات شدیده محفوظ مدار و در حصن حصین عهد و میثاقت مصون نمودی، به ملکوت خویش دلالت کردی و به سبیل خود هدایت فرمودی، راه راست بنمودی و در سفینه نجات در آوردی هوالبھی ای خدای مهربان، شکر تو را که بیدار نمودی و هشیار کردی، چشم بینا دادی و گوش شنوا احسان

AB02925

گرد تا هر اسیر و فقیر از خولان نعمت نصیب و بهره بردارد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و مهربان. نما، بزم غفران بیارا و جام فضل و احسان بخش، بیچارگان و آوارگان را ملجأ و پناه ده و آگاه فرما، دستگیر شو مجیر هوالله ای خداوند بیمانند، یارین عبدالیهاء را یاوری کن و گناکاران را بزرگواری

AB03082

نابت کن، مستقیم فرما و در محفل اسرار همدم و ندیم کن، ای کریم، توئی صاحب فضل عظیم، آنت المرحمن الرحیم. شکر المطاقت در نیایم که چنین موهبتی مبذول فرمودی و چنین احسان رایگان داشتی. ای یزدان مهربان، ثابت نما و را از معین عین تسنیم نوشانی، پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشایم و به هر زبان حمد و ستایش تو نمایم از عهد این مستمند را به گنج روان دلالت فرمودی، این قافلۀ گمگشته را به کعبۀ مقصود هدایت فرمودی و این ماهی تشنه لب هوالله ای پروردگار، ستایش تو را که این بی‌انوا را با نوا کردی و

اَشْرَحَ صَدْرَهُ وَأَوْقَدَ مُصْبَاحَهُ فِي خِدْمَةِ أَمْرِكَ وَعِبَادَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمُوَهَّبُ وَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ الرَّحْمَنُ. إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمُتَعَالِ. هَذَا مَا يُنَادِيكَ بِهِ ذَلِكَ الْعَبْدُ فِي الْبُكُورِ وَالْأَصْلَالِ إِلَى رَبِّ حَقِّقْ أَمَالَهُ وَتَوَزَّ اسْرَارُهُ وَ الْفَنَاءَ وَ اجْعَلْنِي غُيَابًا فِي مَمَرِ الْأَحْبَاءِ وَ اجْعَلْنِي فِدَاءً لِلْأَرْضِ الَّتِي وَطِئْتُهَا أَقْدَامَ الْأَصْفِيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَالْعُلَى وَ اجْعَلْنِي عَلَى الْمَوَاطِظَةِ عَلَى الْإِنْعِدَامِ فِي رَحْمَةِ رُبُوبِيَّتِكَ. إِلَى رَبِّ اسْقِنِي كَأْسَ الْفَنَاءِ وَالْمَيْسِنَى تَوْبَ الْفَنَاءِ وَ اجْعَلْنِي فِي بَحْرِ أَحَدِيَّتِكَ وَ تَوَزَّ جَنِينِي. بِأَنْوَارِ الْمُتَعَبَّدِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ وَ التَّنَبُّلِ إِلَى مَلَكُوتِ عَظَمَتِكَ وَ حَقِّقْنِي بِالْفَنَاءِ فِي فَنَاءِ بَابِ الْوَهْيِيَّتِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ مُتَضَرِّعًا بَيْنَ يَدَيْكَ يُنَادِيكَ وَ يُنَاجِيكَ وَ يَقُولُ: رَبِّ أَيُّدِنِي عَلَى خِدْمَةِ أَحِبَائِكَ وَ قَوِّنِي عَلَى عُبُودِيَّةِ خَضْرَى وَ تَعَمَّرَهُ فِي بَحْرِ رَحْمَةِ صَمَدَانِيَّتِكَ أَيُّ رَبِّ إِنَّهُ عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَ رَقِيقُكَ الْمَسْأَلُ الْمُتَضَرِّعُ الْأَسِيرُ مُبْتَهِّلُ الْمَيْكِ أَهْلَ الْحَقْلِيْقِ وَ التَّعْوِثِ مِنْ أَوْلَى الْأَلْبَابِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى عَبْدِكَ الْخَاضِعِ الْخَاشِعِ بِبَابِ أَحَدِيَّتِكَ بَلْخَطَمْتَ أَعْيُنَ رَحْمَانِيَّتِكَ دَارِدٌ هُوَ الْمَالِجِيُّ الْمَهِي الْمَهِي أَنِّي أَسْطُ الْمَيْكِ أَكْفَ التَّضَرُّعِ وَ التَّنَبُّلِ وَ الْإِبْتِهَالِ وَ اعْقَرْ وَجْهِي بِتَرْيَابِ عَتَبَةِ تَقَدَّسَتْ عَنْ أَدْرَاكِ أَيْنَ مَنَاجَاتِ رَا هَر نَفْسِي بِه كَمَالِ تَضَرُّعِ وَ ابْتِهَالِ بِخَوَانِدِ سَبَبِ رُوحِ وَ رِيحَانِ قَلْبِ أَيْنَ عَبْدِ غَرْمِدِ وَ حُكْمِ مَلَاقَاتِ

بلکه آنچه مقتضای غنلی مطلق و قوت و قدرت تست ارزانی کن. توئی رحیم توئی رحمن توئی بخشنده توئی مهربان. ولی تو قوی هستی و هر چند فقیریم تو غنی هستی و هر چند ذلیلیم تو عزیز هستی، پس نظر به فقر و ضعف مفرما کن و محرومان را به هر عطائی سزاوار فرما، توئی بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان. ای پروردگار، هر چند ضعیفیم یابند. خداوندا، کوران را بینا کن و کران را شنوا نما، مردگان را زنده کن و پژمردهگان را تر و تازه فرما، نومیدان را امیدوار فرما، طفلان را در مهد عنایت پرورش ده تا به بلوغ برسند، مریضان را به درمان آسمانی درمان فرما تا صحت و عافیت را مسرور کن و مرغان بال شکسته را پرواز ده، تشنگان را از سلسبیل عنایت بنوشان و فقیران را از گنج ملکوت مستغنی پناه ده، نادانان را بر اسرار حقیقت آگاه کن، بیچارگان را ملجأی بخش و آوارگان را سر و سامانی ده، دل‌های شکسته و غرب از انوار مشرق جمال متور است و مشام روحانیان از تفحلت قدست معطر. خداوندا، بندگان را در ظل عنایت هوالله رحمانا رحیما کریما، شرف

و زیور عالم آفرینش کن تا به ستایش تو پردازند و به تسبیح و تقدیس تو. توئی عفو توئی غفور توئی آمرزنده و مهربان. و در چمن عفو و غفران پناه بخش، سرور آزادگان کن و در حلقه مقربان درآر، بازماندگان را نوازش فرما و آسایش بخش سازند و به نغمه و ترانه پردازند. خدایا این نفوس را گناه بیامرزد و از چاه به اوج ماه برسان، در گلشن لطاف راه ده و پیوسته به عنایات خرم و دلشاد. حال به جهان راز پرواز نمودند و در جوار رحمت بر شجره طوبی لانه و آشیانه جوی تو، در زمان زندگانی به تفحه رحمانی زنده شدند، دیده بینا یافتند، گوش شنوا داشتند، از هر بستگی آزاد بودند و مهربانا، این جان‌های پاک از زندان خاک آزاد شدند و به جهان تو پرواز کردند، نیکخو بودند و مفتون روی تو و تشنه هوالله رحمانا رحیما کریما، آمرزنده

ملکوت خویش کامران فرما، گناه بخش پناه بده آگاه کن و به بارگاه ملکوت درآر. توئی دهنده، توئی بخشنده و مهربان. توجه به ملکوت تو نموده، دل‌ها پر مسرت است و جان‌ها در نهایت بشارت. خداوند مهربانا، این جمع را شادمان کن و در هوالله ای پروردگار ای آمرزگار، این محفل به نکر تو آراسته و این جمع

محافل ائمه رحمن لسان به نکرت بگشایم و محفل بیارایم. توئی مقتدر و توانا و توئی مؤید و موفق و بینا یا ربی الاعلی.

و از ذکر ماسوی خاموش شوم و از جام محبت سر مست و مدهوش گردم و به خدمت امرت پردازم و به اتباع نعمات در حقیقت مقتبس گردم، به نکر و ثنایت ناطق شوم و به عبادت جمال رحمانیت مشغول گردم، غیر تو را فراموش کنم فرمودی. حال ای پروردگار، استقامت بخش، ثبوت عنایت فرما تا در محبت مطلع احدیت ثابت مانم و از انوار شمس بودم هدایت فرمودی، نابینا بودم بینا کردی، محروم بودم محرم راز فرمودی، مُرده بودم به نفلت گلشن قدس زنده ولی امید به فضل و جود تو دارم و هر چند از قابلیت و استعداد محروم ولی رجا به فضل و عنایت تو دارم، گمراه هوالله ای خداوند مهربان، هر چند وجود نابودم

AB04745

فرما تا قدم تلغزد و به اسفل درجات نرسد. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی عالم و بینا و دانا. اِنَّكَ اَنْتَ الْمُغْفُورُ الرَّحِيمُ. را به صرف موهبت عزیز ملکوت فرما و حقیری را به نهایت رأفت مظهر فیض لاهوت نما. ای پروردگار، حفظ کن، صیانت اگر بگدازی مستوجب عذاب و جفا است، آنچه شایان آستان است رایگان فرما و آنچه لایق حقایق است ارزان کن، نلیلی در صون حمایت مأوی ده و در کف عنایت ملجأ و پناه بخش. ای مهربان، اگر بنوازی جوهر وفا و حقیقت عطا است و روح القدس منتشر شد، جان به جانان رسید و دل راه به بارگاه یافت و به سر مکنون و رمز مصون آگاه شد. ای پروردگار، دیده به دیدارت روشن گردید و دل و جان از نفلت قدس غبطه گلزار و چمن شد، نفلت انس مرور یافت و نفلت هوالله ای دلیر آفاق، شکر تو را که

AB05109

نما، از غیر بیزار فرما و مطلع بر اسرار نما. ای پروردگار تو آمرزگاری و دانا، تو بخشنده ای و توانا و توئی قادر و بینا. جهان ظلمانی به فضای نورانی در آیند، از ظلمات امکان برهان و به انوار لامکان متور فرما، مظاهر انوار کن و مطالع اثمار اوهام برهان و به حقیقت دلالت بنما تا تحری حقیقت کنند از عالم ناسوت دور شوند و به عالم ملکوت نزدیک گردند، از خطا کاریم تو مغفرت کن، گناه کاریم تو عفو فرما، در پناه خود پناه ده، نقصان را به غفران کامل کن، این نفوس را از عالم کبری مستبشر فرما، چشم‌ها را به مشاهده آیات هدی روشن کن و گوش‌ها را به استماع ندای اعلی ملثذ فرما. پروردگارا، جمع محض محبت به این محفل آمدند و با کمال حُب و وفاق حاضر شدند، خدایا روی‌ها را متور کن، ارواح را به بشارت هوالله ای پروردگار، این

AB05167

تو می‌دانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام، جز نکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوئی نخواهم. ای خدا، در سببیت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌ای را به جان و دل آرزو نمایم. ای خدا، از امتحان محافظه نما، و این دردمند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن، با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاهت مناجات می‌نمایم و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوتت نمایم و ندایت را به جمیع گوش‌ها برسانم. ای خدا، این بیچاره را چاره‌الی بخش بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم، توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوئی جز این ندارم که از محبت سر به کوه دل و جان آرزوئی ندارم جز آنکه به رضایت موفق گردم و به عبودیتت مؤید شوم، به خدمت پردازم و در کرم عظیمت هوالله ای خدا، تو شاهی و گواهی که در

AB05553

امتحانات شدیبه حفظ فرما و در پناه رحمانیت از حواصت زمانه محروس دار. توئی مقتدر و توانا و توئی حاضر و بینا. چمنزار حقیقتند و شکوفه بوستان معرفت، آواره توآند و بیچاره تو، افتاده توآند و دلدادۀ تو، در ظل جنج احدیت از ملکوت ابهات رایگان کن و رحمت افق اعلایت شایان فرما زیرا منجنب جمل نورانیند و زنده از نفس رحمانی، سبزه هوالله ای پروردگار، این یاران را بنواز و به آتش عشق بگداز و به رازت دمساز نما، موهبت

آشیانه بخش، این بی‌انصیبان را نصیب ده و این درماندگان را درمانی عنایت کن. توئی کریم توئی رحیم و توئی علیم. این سراج‌های روشن را از اریلیح امتحان و افتتان محافظت فرما و این طیور بال و پر شکسته را در حدیقه فضل سُرُر مُتقابلین جالس گردند و از کأس موهبت نوشند و از صهباء عنایت سرمست گردند، توئی قادر و توانا. ای پروردگار، تو، عنایتی کن مرحمتی نما که کل در ظل ممدود و سایه خیمه محمود در تحت لواء مقصود مجتمع گردند و بر ارائک و هر یومی در بومی سرگردان، به یاد تو دلخوشند و به نثار محبت در آتش، سرگشته کوی تو آند و آشفته روی و موی بندگانت در اطراف و اکناف متفرق و متشتت و پریشان، سرگردان بی‌اسر و سامان، در هر نفسی در دامی گرفتار و در هوالله ای پروردگار ای کردگار مهربان،

آنچه سزاوار رحمت است شایان فرما و آنچه لایق است مبنول دار. توئی رحمن توئی یزدان توئی خنان توئی منان. پناه ده، هر چند پُر گناهیم در جوار رحمت کبری ماوی بخش زیرا تو بخشنده و مهربانی و عفو و غفور بر اهل جهان، بدل به حسنت موفور شود. ای خداوند این بنده مستمند را به اوج بلند برسان و این عید مسکین را در درگاه احدیت زائل گردد و چون ماء طهور از ملکوت ای رب غفور نازل شود اوسلخ خطا هر چند عظیم باشد مفقود گردد و سیئات بی پایان، ولی عفو و غفران تو اعظم از آن، چون نور بخشش بدرخشد ظلمت عصیان هر چند تاریک و حالمک باشد. ظل هوالله ای پروردگار ای کردگار، ما گنه کاریم و تو آمرزگار و ما مقصریم و تو بزرگوار، هر چند عصیان مانند دریای

. ای خداوند مهربان، این اقتران را اسلب تولید تر و مرجان فرما، اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. بر ساحل وجود ریزد. مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِئْسَ آلَاءَ رَبِّكُمَا تَكْتُمِبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْءُ وَالْمُرْجَانُ و وسیله حصول فیض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت، موج الفت بر خیزد و ثلثی سلاله نجیبه مقدسه و ما خَلَقْتَ الْجَنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ، حال این دو مرغ آشیانه محبت را در ملکوت رحمائیت عقد اقتران ببند یابد و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیت مشغول و مألوف گردند هوالله ای خداوند بیمانند، به حکمت کبرایت اقتران در بین اقربان مقدر فرمودی تا سلاله انسان در عالم امکان تسلسل

برسان و از آب حیات بنوشان، ولوله در شهر انداز و آشوبی در آفاق افکن تا دل‌ها حیران تو گردد و جان‌ها قربان تو. لمعه‌الی بیفشان، بیگانه‌ایم آشنا کن، پروانه‌ایم پرسوخته شمع وفا فرما، تشنه‌ایم و به خون دل آغشته چشمه خوشگوار آشفته‌گان، افسردگانیم پژمردگان، دردمندیم درمانی بخش، رنجوریم دوائی عنایت کن، افسرده‌ایم شعله‌الی ده، پژمرده‌ایم و بخشنده و درخشنده زمین و آسمان، ما جمعیم پریشان تو، مستمندیم درویشان تو، آوارگانیم بیچارگان و افتادگانیم هوالله ای یزدان مهربان

دهش و بخشش انداز، و دیدن روی تابان روا دار. توئی دهنده و بخشنده و آمرزنده و مهربان، وعلیکم البهاء الابهی هر روین پاک را به درگاه ایزدی راه ده و هر مستمند بیچاره را در مینوی همایون خویش ارجمند فرما و در دریای امیدند که در گلشن روشن جهان بالا بر سرو بلغ بهشت نشیمن جویند و در کاخ آمرزش جلی گیرند. خداوند مهربان، از دلم خاکدان آزاد شدند و به جهان آسمان پرواز نمودند، از لان خاک رهییدند و به آشیانه جهان پاک پریدند، به این هوالله آمرزگارا، ایزد بزرگوار، این جانها مانند مرغیان تیز پر

مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوی عطا فرما. پس ای پاک یزدان من، این بنده پر شور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و که به عواطف رحمانیت موفق بحریست بی‌اکران و هر تیره‌الی که به پرتو عنایت مؤید آفتاب‌بست درخشنده و تابان، الطاف بی‌انهایت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز، هر قطره‌الی جز تو نجسته و نجویم و به غیر از سبیل محبت راهی نیموده و نیویم، در شب‌ن تیره نومی‌دی دیده‌الم به صبح امید

هوالمحق‌القیوم‌المهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی

و جمالی یوسفی و اشتیاقی یعقوبی و صبری آیوبی بر خدمت قیام نمایند. رَبِّ وَفَقَهُم عَلَىٰ ذٰلِكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقَوِّی الْقَدِیْر. آسمانی و نفسی رحمانی و بخششی یزدانی و ید بیضائی کلیمی و نوحه مسیحائی و خلتی خلیلی و محبتی حبیبی قوت روح‌الامین رایگان کن تا دوستانت به قوت لاهوتی و قدرت ملکوتی و سطوت جبروتی و تأییدی سمائی و جنودی نما و جان‌ها را گلزار و چمن، قلوب را حدیقۀ وفا کن و صدور را معین فیوضات ملاً اعلی، فیض روح المقدس ارزان فرما و را از بیگانه و خویش بیزار نما و به انفحلت ریاض ملکوت ابهات همراز و دمساز فرما، چشم‌ها را به مشاهده انوار روشن

هوالمبھی ای پروردگار مهربان، این یاران خویش

شنوا لك الحمد على ما اذنتك و لك الشكر بما وقّيت نعمتك و تشكرک على العطاء و تتضرع الميك فى كل صباح و مساء. را امیر کن و به فلک اثیر برسان و در جانفشانی بر سریر عزت ابدیه استقرار ده. توئى مقتدر و توانا و توئى بینا و بی پایان نمایند و تمامی الطاف بی‌اکران کنند. ای بخشنده مهربان، این نلیلان خویش را عزیز فرما و این اسیران محبت و گرفتار، جز عنایت هیچ درمی را درمان نخواهند و در سبیلت هیچ زخمی را مرهم نجویند، همواره آرزوی بخشش تو اند و سرگشته کوی تو، از هر قیدی رستند و به محبت تو پیوستند، از جهان و جهانیان بیزارند و به عشق تو مفتون

هوالمبھی پاک یزدانا محبوب مهربانا، این یاران آشفته بوی

بی پایان ارزان فرما، گنج هدایت رایگان کن تا این بیچارگان چاره یابند. توئى مهربان توئى بخشنده توئى دانا و توانا. تأییدات تو بهره و نصیب گیرد، این جمع راه تو پویند، راز تو جویند، روی تو بینند، خوی تو گیرند. ای پروردگار، الطاف را رشک گلزار و گلشن فرما، ای محبوب بی‌همتا نفلت عنایت بوزان انوار احسان تابان کن تا دل‌ها پاک و پاکیزه شود، از حقیقت نماید، گوش‌ها از ندای ملکوت بهره و نصیب گیرد. ای پروردگار، دل‌ها را روشن کن، ای خداوند مهربان قلوب هدایت بر این ممالک بوزد، نفوس استعداد الطاف تو یابند، قلوب مستبشر به بشارت تو گردند، دیده‌ها مشاهده نور این بنده تو از اقصی بلاد شرق به غرب شتافت که شاید از نفلت عنایت مشام‌های این نفوس معطر شود، نسیم گلشن

هوالمله پروردگارا یزدانا مهربانا،

آمرزگارا، خطا بخش عطا بده گناه بیامرز، ما را آداب رحمانی بیاموز. توئى دهنده توئى بخشنده توئى مهربان. ده، طالبانیم به الطاف بی پایان رهبری نما، ساکتانیم نطق فصیح بخش، بی قوتیم قدرت ملکوت احسان فرما. پروردگارا ای پروردگار، فقیرانیم گنج ملکوت ارزانی نما، نلیلانیم در ملکوت عزیز فرما، بی سر و سامانیم در پناهت ملجأ و مأوی کن و دل‌ها را به فیوضات نامتناهی غبطه گلشن نما، ارواح را بشارت کبری ده و نفوس را به موهبت عظمی مفتخر نما بخش و موهبت کبری مبذول دار تأییدات غیبیه برسان و مکاشفان روحانیه ارزان فرما، دیده‌ها را به نور هدی روشن

مهربانا کریمایا رحیمایا، این جمع را به شمع محبت روشن نما و این نفوس را به تفتلات روح القدس زنده کن، انوار آسمانی
هوالمه خداوند

AB06673

ده تا این طیر به گلشن رحمانی پرواز نماید و در حدائق عفو و مغفرت نامتناهی درآید. توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان.
گنه بیامرز و عفو و غفران مبنول دار، این تشنه را به چشمه حیات رسان و این ماهی را در بحر بی پایان غفران غوطه
بود حال قصد ورود در ملکوت بقا نمود و توجه به جهان روحانی کرد و امید الطاف نامتناهی داشت. ای آمرزگار،
هوالمه ای پروردگار، این نفس پاک توجه به ملکوت تو نمود و تضرع و زاری کرد، تا حال اسیر ناسوت

AB06734

این حسرت زدگان افتد، ظلمت دیجور به نور تبدیل گردد و گلخن حرمان گلشن احسان گردد. توئی توانا و بینا و شنوا.
پریشان، بدرقه عنایت بفرست و پیک هدایت تا بوئی از کوی تو به مشام در آید و پرتوی از رویت در کلبه احزان
کوی تو اند و پیرجذبه در روی تو و گله آهوی تو، در بیابان هجران سرگشته و سرگردان هستیم و در وامی حرمان
بنوشان و از جام الست سرمست نما، این بندگان والمه و شیدای تو اند و این مشتاقان آشفته و پریشان تو، سرگشته
بی نیاز، این دلها را به راز خویش دمساز کن و از بیگانه و خویش بی نیاز فرما، از جلم صبحی در صبح احدیت
هوالمه ای خداوند

AB06736

و هوشیار کن تا به اسرار کتاب مقدست واقف گردیم و به رموز کلماتت پی بریم. توئی مقتدر توئی دهنده توئی مهربان.
سرور ابدی بخش، موفق به خدمت عالم انسانی نما، سبب الفت بین قلوب کن. خداوندا، ما را از خواب بیدار فرما و عاقل
بخش، کمالات آسمانی عطا فرما. خداوندا، جانهای ما را فدای خود کن و ما را روح جدید کرم نما، قوتی آسمانی ده،
گوشها را به استماع ندایت شنوا فرما، ما را در ملکوت تقدیست داخل نما و به انفتلات روح القدس زنده کن، حیلت ابدیه
را به نور هدایت کبری متور فرما، جانها را به بشارت عظمی حیات بخش، چشمها را به مشاهده انوارت روشن کن،
هوالمه ای خداوند مهربان، قلوب

AB06737

جای ده و ارجمند فرما و در فلیک غفران اختر تابان کن و در سایه درخت امید مسکن و مأوی بخش. توئی غفور و توانا.
بنوشان، هر چند ظلمت نونوب شدید است ولی مه تابان مغفرتت بس منیر. ای خداوند، این مستمند را در ایوان بلند
است ولی به بخشش و احسانت متوسلیم. ای خدای پر عطا، خطا بپوش دریای رحمت به جوش آور و جلم مغفرت
و تو عفو عفار، هر چند موج گنه اوج گرفته است ولی به عفو و غفرانت معتمدیم و هر چند سیل عصیان در نهایت طغیان
هوالمه ای خداوند مهربان، ما گناهکاریم و تو آمرزگار و ما تبهکاریم

AB06924

خویش چاره‌الی کن شاید این دل از عالم آب و گل رهائی یابد و در اوج رحمانی پروازی نماید و به روح انقطاع بیاساید.
بخش، هر دم وسوسه‌الی نماید و در هر نفس دلم تازه‌الی نهد. ای خداوند، تو نجات بخش و رهائی ده و به نجات قدس
سرمست و مدهوش گرم. ای خداوند، نادانم و به گملن خویش گرفتار، چاره‌الی کن و این افتاده را از نفس اماره نجات
از بند و کمید هوی و هوس رها کن و در دلم محبت جمال ابهی بیفکن تا آنچه غیر اوست فراموش کنم و از باده محبتت
هوالمه ای پروردگار، این گناهکار را از اغیار بیزار نما و به محبت خویش گرفتار نما،

عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیع ابواب از جمیع جهات بر وجوهشان گشوده گردد. اُنک انت المقوی المقدر. شدتشان به رخا مبدل گردد و فقرشان به غنا، عزت ابدیه یابند و موهبت سرمدیه مظاهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه از مُتَخَلق تا آیات توحید گردند و بینات اشراق نور رب فرید، سبب عزت امر تو گردند و علت بزرگواری قدر خود تا کن و خلق و خویشان را چون جیب نسیم صبا پرُ مشک و عَثر نما به صفات رحمانیت مُتَصِف کن و به اخلاق روحانیان موهبت بگشا، از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش، قمیصشان چون پیرهن یوسف مُعَطَّر هوالله ای پروردگار، آن مشتاقان را تجلی عنایت فرما و ابواب

تو امیدوار و هر چند بی استعدادیم ولی به بخشش و دانت در نهایت اعتماد. توئی بخشنده و دهنده و آمرزگار و مهربان. دیده روشن نما، خطا ببخش عطا بده و به آنچه نوید بخشیدی وفا فرما. ای خدای مهربان هر چند گناه کاریم ولی به عفو و این محتاجان را بر خولان نعمت خویش حاضر فرما. از شب تار و تاریک حرمان و هجران نجات بخش و به صبح وصال و غفران پرواز ده و این بیچارگان را در پنله آمرزش خویش مسکن و مأوی بخش این تشنگان را به چشمه اللطاف برسان هوالله پروردگارا آمرزگارا، این مرغان شکسته پرند بال و پری ببخش و در اوج عفو

ابسی جویند و ترویج وحدت عالم انسانی نمایند و صلح عمومی انتشار دهند. توئی کریم توئی معطی توئی مهربان. تا علم وحدت عالم انسانی بلند نمائیم و نورانیت آسمانی شرق و غرب را احاطه کند، جمیع احزاب متحد شوند و حیات دریا شود تَره آفتاب گردد، اگر از اللطاف محروم ماند از هر چیز بی بهره و نصیب شود، پس عنایت کن و مرحمت فرما دلالت کن، ضعیفیم قوت آسمانی رسان، فانی هستیم به عالم بقا در آر، محتاجیم و منتظر تأیید تو، اگر عنایتت رسد قطره و این نفوس متوجه به ملکوت تو، خدایا بندگانیم کرم عنایت کن، فقرانیم از کنیز آسمانی بخش، نادانیم به حقایق اشیاء هوالله خداوند مهربان، این جمع در ظل رحمت تو اند

و بنواز زیرا اسیر آن زلف مشکبارند و در هر دم صد جان نثار نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا. فرما و بی نصیبان را به فیض قدیم بهره فراوان بخش، محرومان را محرم اسرار کن و مشتاقان را به موهبت دیدار پرور تو گویند. ای دلبر مهربان، بیچارگان را از بیگانگان در صون حمایت، حفظ و صیانت فرما و افتادگان را به پد قدرت بلند گوشه و کنار در تحت تهدید بیگانه و اغیارند، از جان بیزار و از هر فکری در کنارند، روی تو جویند و سوی تو پویند، راز هوالله ای پروردگار، یاران در هر

فضل و جود مینول دار و در این یوم مسعود تأیید مخصوص مشهود کن. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. قطره را موهبت بحر بخش و سزه را طراوت و لطافت شجره الخضر عطا فرما، کل یاران تو اند و بندگن درگاه تو، از غیر خود بیزار کن و به راز و نیاز دمساز فرما، مور حقیر را سلیمان اقلیم جلیل کن و تَره فقیر را امیر اوج اثیر فرما، ملجأ و پناه و مجیر، تفحلت قدس از گلشن عنایت بفرست و ساحت دلها را گلستان موهبت کن و چمنستان حقیقت نما، هوالله ای خداوند مهربان، این اسیران زنجیر محبتت را دستگیر شو و

را به گنج روان دلالت کن و هر اسیری را از زنجیر قیود آزادی بخش. توئی توانا و بینا و آگاه و شنوا، تأیید احسان نما. را در آغوش صدف رحمت پرور. ای خداوند، هر مستمنی را توانگر نما و هر دردمندی را درمان بخش، هر فقیری

به تربیت باغبان احدیت پرورش ده و این شاخ سبز را در گلشن الطاف مژین به شکوفه و برگ کن و این مردمانه معرفت هواللهی ای خدای مهربان، این نوگل گلستان محبت را از شبنم عنایت تر و تازه بفرما و این تازه نهال بوستان هدایت را

AB07375

باش، موفق بر تعلم و تعلیم کن و مؤید بر تحصیل و تکمیل. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و مهربان. آرد و مثمر ثمر گردد. خداوند مهربان، نادانیم دانا کن، بی چشمیم بینا فرما، مرده ایم زنده کن، بی کسیم بتواز و مهربان و حرارت شمس حقیقت و هبوب نسیم هدایت این نهالها را نشو و نما ده و طراوت و لطافت بخش تا برگ و شکوفه بینوا و طفلانیم ناتوان، پریشانیم و بی سر و سامان ولی نهالهای باغیم و تو باغبان. پروردگارا، به فیض ابر عنایت هوالله ای خدای مهربان، هر چند کودکانیم

AB07511

نفس و هوای بسوز، ما را از شر نفس محفوظ و مصون بدار و در ظل حمایت راحت و آسایش بخش توئی مقتدر و توانا. پروردگارا نظر به گناه منما به فضل و عنایتت معامله فرما، گناه ببخش عطا بفرما نذر محبت برافروز و پرده اوهام و به هم بیامزیم و سبب ظهور وحدت عالم انسانی گردیم، با دلی پاک و جانی تابناک مناجات کنیم و طلب حاجات نمائیم توجه به ملکوت تو نمودیم و آرزوی تأیید و توفیق می‌نمائیم تا با یکدیگر متحد شویم و متفق گردیم و مانند شهد و شیر هوالله پروردگارا مهربان، نفوسی در این محفل روحانی در نهایت تبتل و تضرع حاضر شدیم و

AB07631PRO

و خوی رحمانی جویم، نثر تعالیم الهی نمایم، فیض ابدی طلبم و موهبت الهی خواهم. توئی دهنده و بخشنده و مهربان. کن، نورانی نما، رحمانی کن، آسمانی فرما تا از عالم طبیعت رها یابم و از جهان ماوراءطبیعت خبر گیرم، زنده شوم خلق پروردگارا، عنایت فرما، هدایت بخش، پرورش ده، نشو و نما عطا کن، بنیت ملکوت نما، فیض لاهوت بخش، روحانی هوالله

AB07737

خاصان در آر و در خلوتگاه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در حلقه هدایت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از باطن محبت نوشیدند و اسراری بی‌اپایان از اوتار معرفت شنیدند، هوالله بخشنده یزدانا، این بندگان آزادگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

AB07738

اول قصور این بی سر و سامان را ببخش پس گناه هر عاصی نادان. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و مستعان. را ببخش و از قصور این عاصیان در گذر، نوب این عبد، اعظم نوب و گناه این بی پناه، بزرگ‌تر از کوه پر شکوه، است معامله فرما، غفران صفت جلیل است و عفو و صفح از اعظم نعمت آن خداوند مجید، پس گناه این بیچارگان را در لوح محفوظ ثبت مفرما و از رزق منشور محو کن، نظر به استحقاق و استعداد مفرما به آنچه شایان آستان رحمانیت هوالله پاک یزدانا، کل گناه‌کاریم و تو آمرزگار، جمیع جامع عیوبیم و تو کاشف کروب، گناه این عاصیان

AB07915

گرفته نثار درگاه تو نمائیم و روی تو جوئیم و به کوی تو پی بریم و راز تو گوئیم. توئی مقتدر و توانا و واقف و بینا. پایان دانند به‌اکلی جان فشانند. ای خداوند، هوشمندان را بنواز و همدم و همراز عبدالمبهاء ساز، تا کل جان و دل در کف دلداده روی تو. هر بلائی را ولا دانند و هر دردی را درمان شمرند. غل و زنجیر را تاج و سریر یابند و زندان را ایوان بی

از هر طرف تیر و سنانی و از هر شخصی زخمی بی امان. با وجود این سر گشته کوی تواند و آشفته موی تو و ای یزدان مهربان یارانت بی سر و سامانند و دوستانت اسیر در دست عوانان

AB07931

ملکوت کامکار کن، از حیز آفات رهنمایی، به گلشن الطاف برسان. توئی بخشنده و دهنده و رهانده و پاینده و مهربان. غفران مبذول دار. آمرزگارا، به عصیان مگیر، هر حیرانی را تو مجیری و دستگیر، از عالم ناسوت بیزار نمودی در جهان به احسب لیاقت و عجز موفور ما معمول مدار، نلیلیم و علیل، عزیز کن، جلیل فرما، درمان بخش، دریاق اعظم عفو و ما غرق خطائیم و تو دریای عطا، ما در ظلمات عصیانیم و تو آفتاب فضل و احسان. پروردگارا، نظر به قصور مفرما و هوالمه ای حی توانا، پناه گنه کاری و بخشنده و آمرزگار.

AB07984

را بنواز، درماندگان را درمان شو و آزمانگان را پناه و امان، از قصور در گنر و نوب بیخشا، تو ستاری تو آمرزگار. یلد جمالت بخوابند و بیارامند، توئی بخشنده و مهربان و توئی پاینده و رحمن. ای بی نیاز، مردگان را بیا مرز و بازماندگان هر یک موجی در بحر عنایتند و هر یک در جی از لئالی هدایت، در سحرگاه با دلی آگاه بگیرند و بزارند و در شبانگاه به آستانند و این یاران از حرارت محبت شعله سوزان، به یلد تو چون بحر مواجد و در انجمن توحید چون سراج و هاج، هوالمه ای پروردگار ای مهربان، این دوستان معتکف

AB07986

ملکوت راز به نغمه و آواز پردازد. ای پروردگار، الطاف بی پایان شایان کن و غفران رایگان فرما. توئی آمرزنده و مهربان. الحان ترتیل کلمات می آکرد. بلبل گویا بود و به آهنگ ملاء اعلی دمساز، حال از گلخن فانی به گلشن باقی پرواز نمود تا در ای پروردگار آمرزگار، ... این طفل کودک سراج محفل بود و مرغ خوش الحان آن منزل، تلاوت آیات می نمود و به ابداع هوالمه

AB08056

چه پرواز نماید، اوج عزت کجا بال و پر مرغ تلت کجا. ای پروردگار، تو تایید فرما، تو توفیق بخش انک انت الکریم. خویش سر و سامانی بخش، از کس انقطاع بنوشان و از جام عنایت سرامست نما، بنده ضعیف چه تواند و پشه نحیف را در بین ملاً امکان به تاج عبودیت سرفراز کن، این بینوا را به صرف عنایت پر نوا کن و این بی اسر و سامان را در پناه الله ابهی ای خدای یگانه، این بنده خویش را طراز دیباج کینونات فرما و این عبد

AB08224

کوی خویش راه ده و به پرتو روی خویش روشن فرما. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی بینا و شنوا و خداوند بی همتا. جهان اسوز بخش و ناله جان اسوز ده، شمع شب افروز فرما و آه دلسوز عطا کن، ناشر نفعات فرما و آیات باهرات کن، به و دلجوئی نما و خوش خوئی عطا کن، ثابت و نابت فرما و قائم و کامل کن، مقرب درگاه فرما و واقف و آگاه کن، شعله بزرگوار، این گرفتار زلف مشکبار را از باده محبت جامی سرشار بخش، بیدار و هشیار کن، غمخوار و غمگسار گرد هوالمه ای آمرزگار

AB08339

هر دم تأییدی جدید بخش و هر نفس نفوس رحمن به مشام بخش. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و دانا. به نفعات تقدیس نما و متذکر به آیات توحید کن، مشمول لحن عین رحمانیت نما و مجذوب جلال نورانیت کن، رحیم و رحمن و توئی واهب فضل بی پایان. ای خداوند بخشنده، این نفوس را ثابت عهد نما، راسخ پیمان کن، منجذب

هر کم فریادی نمایند و آه و فغانی برآرند و استدعای عنایتی کنند و موهبتی طلبند، توئی بخشنده و مهربان و توئی
هوالمه ای پروردگار، این نفوس مشتاق دیدارند و سودائیان آن زلف مشکبار،

AB08395

ده و از رشحات دریایی بی نهایت وجودت عالم کون را طراوت و لطافت بخش، توئی بخشنده و توانا و توئی دانا و بینا.
مهابط علوم لدنی، ابواب ملکوتی را بر قلوب یارانت باز کن و به هدایت کبری فائز نما، فقیران را از بحر بخشش نصیبی
مست کن، قلوب را به انوار رحمت نورانی کن، دیده‌ها را روشن نما، نفوس را مصدر المہامات حیّ قدیر فرما و ارواح را
ابسی برسان و از عنب فرات سرشار کن، بندگانت را در خلد برین داخل فرما و از شراب کأس کان مزاجها کافورا سر
هوالمه خداوندا رحیما کریما، عبادت را به سرچشمه حیات

AB08559

را جانی ببخش و جان را روح و ریحانی عطا فرما که سزاوار این قرن عظیم باشد و لایق این عصر مجید وعلیک‌اللبه‌اء.
واعیہ احساس کند. ای پروردگار، پرده از چشم بردار تا مشاهده آیات کبری کنم و ملاحظه دقیق اسرار کبریا نمایم، دل
پرغمم گوشی عنایت فرما تا آهنگ ملاً اعلی بشنود و گلبایگ عنڈلیب قدست استماع نماید و تفحلت طیور شکور به قوه
هوالمه ای پروردگار، من گناهکارم و تو آمرزگار، مدهوش از خمر غفلتم هوشی عنایت کن، مشغول به انکار جهان

AB08619

ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی معین و مستعان گرد توی مقتدر و توانا تویی دهنده و شنونده و توانا و بینا ع ع
بخشیدی تشنگان را آب گوآرا دای و گرسنگان را سفره مهنا گستری و نعمت مهیا رایگان نمودی پس در هر مورسی
ای پروردگار این آورگان را به سایه خویش در آوری و سر و سامان دای. نیستی را هستی دای و نابود را وجود
هوالمه

AB08620

بهره بخش، شب تیره را روز فرما و روز نوروز را فیروز کن. توئی توانا توئی بینا توئی شنوا توئی بی‌اهمتا توئی مهربان.
در جهان کیهان سر بلند نما و در ایوان یزدانی جای بده، در انجمن بالا رو سفید فرما و در امید بگشا و از بخشش آسمانی
دهش خداوند آفرینش، اگر مستمند ولی هوشمندند، اگر ناتوانند ولی زورمندند چه که تو پشتیبانی، تو یاور مهربانی،
ای پروردگار، این دوستان یاران تو اند و سر مسیت پیمانۀ پیمان تو، همه پرورده آغوش بخششند و شیرخوار پستان
هوالمه

AB08825

ده، قلب فارغ بخش، حجج و برهان المہام کن و سبب هدایت نفوس فرما. توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و دانا.
از صفات خویش مبذول فرما، آسمانی کن زبانی نما، روح القدس یدم، به روح وحدت عالم انسانی زنده نما، لسان ناطق
فرما، جام عشق بنوشان و نور عرفان بخش، در چشمه ایوب غوطه ده و از مَحَن و آلام اخلاق بشری شفا بخش، پرتوی
هوالمه ای خداوند، این کنیز مستمند را در ملکوت خویش قبول نما و به فیض ابدی محظوظ

AB08985

بنده درگاهت را به بارگاه احدیت راه ده و این امیدوار رحمت را نومید مگردان و بر پیمان و ایمان محکم و استوار نما.
جمال مبارکت همدم نما، از جام احدیت بنوشان و از شهد عنایت بچشان و به فضل عظیم جمال قدیمت فائز کن، این
بندگان را به راز خویش دمساز نما و از آواز هاتف ملاً اعلی مستمع فرما، بر صراط عهد و پیمان ثابت قدم کن و به ذکر
هوالمه ای یزدان بی انباز، نیاز آریم و نماز که این

جنت ابھی در بر کن تا به فیض نامتناہی مُستفیض گردد و بہ عنایت مخصوصہ مُخصّص شود. توئی مقتدر و توانا.
برخوردار نما، حیات ابدی بخش و عزت سَرمدی عطا فرما، تاجی از موهبت کبری بر سر نہ و خلعتی از سُئیس استبرق
ہوالأبھی ای پروردگار، این ہوشیار را بہ بخشش آسمانی بزرگواری کن و از موهبت رحمانی

خوی راستان بخش، موهبت عالم انسانی کن و تاجی از حیات ابدیہ بر سر نہ. توئی مقتدر و توانا و توئی شنونده و بینا.
عنایت تربیت کن، از تاریکی بَرہان، شمع روشن کن و از پژمردگی نجات داندہ گل گلشن فرما، بندہ آستان کن و خلق و
کودکم خردسال، از پستان عنایت شیر دہ و در آغوش مَحَبّت پرورش بخش و در دبستان ہدایت تعلیم فرما و در ظل
ہواللہ رَبّی رَبّی

ہمہ چیز آزدیم، چون بہ پیمان و ایمان تو ثابت و استواریم از غیر تو بیزاریم. پروردگارا رحم کن استقامت بخش.
بر گشا و آسرا غیب بہ فؤادش المہام فرما. توئی نصیر توئی ظہیر توئی مُجیر توئی دستگیر، چون بہ تو پردازیم از
ملاذرفیعت مسکن بخش، شمع روشنی در قلبش بر افروز و چشمہ سلسبیلی از دلش جاری کن، ابواب فیض بر رخس
ہوالابھی ای پروردگار، این بندہ درماندہ را در کھف منیعت مأوی دہ و در

خویش محفوظ و مَصون دار، المطفای بی پایان شامل کن و عنایت مخصوصہ کامل فرما. توئی دهنده و بخشندہ و دانا.
نفوس را بہ ہدایت کبری نفیس فرما، بخشش آسمانی مبذول کن و موهبت رحمانی شایان فرما و در کھف حفظ و حمایت
فرما و نفوس را تأیید کن، رویاها را نورانی نما و خویاها را گلزار و گلشن فرما، جانها را بہ تفتلت قدس زندہ کن و
ہواللہ ای پروردگار، این جمع را شمع روشن

بہ ذکر تو زندہ گردند و بہ مَحَبّت تو حیات جاودانی یابند. اِنَّتَ الکریم و اِنَّتَ الرحیم و اِنَّتَ المعزیز الرؤوف الکریم.
را مُطہر فرما، مشامشان را مُعطر کن تا سزاوار آستان احدیت گردند و بہ عبادت و خدمت و تضرع و عجز و نیاز پردازند،
این کنیزان را در ملکوت عزت عزیز نما و این اہماء را در آستان مقدست مقبول فرما، قلوبشان را متور کن و روحشان
ہواللہ ای پروردگار،

نمودی، حال ای پروردگار، این مسکین را عَلم مبین فرما و این حزین را در افق منیر روشن کن. توئی قُضال و مہربان.
در ظل شجرہ انبیسا مأوی دابی و از کأس میثاق نوشانیدی و بہ فضل مخصوص مُخصّص داشتی و بہ فوز عظیم موفق
و از چشمہ ہدایت نوشانیدی و ندای اللست بہ سمع این عبد رساندی و بانگ سبحان ربی الالبھی مسموع فرمودی و
ہوالابھی ای مہربان یزدان من، محض عنایت روح وجود دمیدی و خلعت حیات بخشیدی

موفق نما و بہ عبودیت یارانت مؤید کن، این است منتھی آرزوی دل و جان، این است منتھی آمل جانان و وجدان.
بخش، افتادہ ایم دستگیر شو، آرزوگانیم شادمانی بخش، افسردگانیم حرارت و شوقی عطا فرما، بہ خدمت دوستانت

مرهمی مرحمت فرما، گمگشتگانیم هدایت کن، تشنگانیم سیراب نما، آشفتهگانیم راحت و سکون ده، نلیلیم پرتو عزت پریشانییم جمعیت خاطرری عطا فرما، مستمندانیم توانگر کن، دردمندیم درمانی عنایت نما، مجروح و موجوعیم، هوالله ای معشوق این شیدائیان و مقصود این سودائیان،

AB09712

دردی را درمان کن و هر زخمی را مرهم لطف و احسان، هر جمعی را شمع روشن کن و در هر انجمنی طوطی خوش سخن. جوش و خروش آئیم. ای پروردگار، بنده خویش را آیتی باهره فرما و رایتی مشتهره، نجمی بازغ کن و کویکی بارق، هر و توفیقی عنایت فرما تا بیگانه و خویش فراموش کنیم و از هر نکری خاموش گردیم و از نسائم ریاض تقدیست به هوالله پاک یزدانا، تأییدی بخش

AB09794CHI

عزیز کن از جلم محبتت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عتبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا . هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیتت

AB09904

خوی تو خواهیم راه تو پویم، از هر قیدی آزاد شوم و از هر غمی و بلائی دلشاد گردم. توئی بخشنده و دهنده و مهربان. تاریک و تار. ای محبوب مهربان، از نفس و هوی بیزار کن و گرفتار محبت خویش فرما تا از خود بگذرم، روی تو جویم هوالله ای پروردگار، این گناهکار شرمسار است و گرفتار هواجس این خاکدان

AB09911

از بیگانه و خویش مستغنی کن، در هر دمی شبنمی فرست تا گلشن قلوب سبز و خرم گردد و ریاحین فیض عنایت بروید. گل‌های پر طراوت گردند و در ریاض حقیقت درختانی در نهایت لطافت. ای خداوند، بر خدمت خویش موفق فرما و پر شوق و وله را به رحمت بی پایان موفق فرما تا مواهب عالم انسانی گردند و مظاهر اللطاف ربانی، در گلستان هدایت هوالله ای خداوند بی‌اهمتا، این نفوس

AB09943

در دل بر فروزیم و حجابت ملسوی بسوزیم و چشم از مادون بدوزیم و به مشاهده جمال در ملکوت ابهات باز کنیم. بلند گرد و بندها بگسلیم و از بیگانگان بیزار شویم و به تو دل بندیم و به تمامی در دلم عشقت گرفتار شویم، آتشی هوالله ای خداوند مهربان، عنایتی فرما و موهبتی بنما تا همت این بینوایان

AB10108

به بحر لقای روحانی بکشان، این بنده قدیم را نسیم بزم اللطاف کن و این فقیر مسکین را به غنای حقیقی مستغنی گردان. را قرب و منزلتی احسان کن، این سرگشته صحرای عشق را به خلوتخان عنایت دلالت نما و این تشنه بامی هجران را هوالله ای خدایا، این طیر حقیق عرفان را بال و پری عطا فرما و این پروانه شمع محبتت

AB10225

محفوظ دار و از کم و بیش بیزار کن، از کون و امکان و آرایش اکوان منقطع فرما و به نفلت لامکان زنده و تر و تازه. هوالله ای پروردگار مهربان، دوستان را در صون حمایت خویش

پرست بگردان تا جلم صهبای الهی به دست گیرند و طالبان را سرمست کنند و عاشقان را نشئه باده‌الست بخشند.
را مونس دل و جان باش، در هر دمی از بحر الطاف شبنمی بفرست و در هر نفسی باده تازه‌الی بنوشان و می
هوالله ای دلبر مهربان، یاران

گلزار و چمن راه یابم و در خدمت اَمَرِت کوشم و جان در زَهت افشانم و خاک ره احبایت گردم. اِنَّک اَنْتَ المَکْرِیْمُ المَرْحِیْمُ.
جان جانم به فدایت، ای دلبر نازنینم، ای یار دلنشینم عنایتی فرما که در ملکوت ابهات با رخی روشن و وجدانی چون
هواللهی ای بنده حق، دست شکرانه به درگاه خداوند یگانه بلند نما و بگو ای بهاء

دیگر با رخی مُتَوَر در میان آزادگان محشور گردد و به نظر عنایت منظور. توئی کریم و رحیم و غفور و رؤوف و مهربان.
هوالله ای خداوند بنده پرور، پدر این مهر پرور را به بهشت برین رهبر شو و از گناه و خطا درگذر تا در جهان

ما عطا از تو، جفا از ما وفا از تو، گناه از ما پناه از تو، بیماری از ما شفا از تو، بیوش و بیامرز، وفا کن، پناه ده، شفا بخش.
الی الله، دیده به ملکوت غیب جبروت باز کن و به این مناجات آغاز نیاز کن که: ای مهربان، تو ستر کن و بیوش، خطا از
هوالله ای متوجه

المطاف است و چنین جمع لایق فضل و موهبت بی پایان. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی خداوند یکتا و بی همتا.
عالم کن زیرا تیتشان خیر عمومی است و مقصدشان خدمت به عالم انسانی. ای خداوند مهربان، چنین انجمن سزاوار
هوالله ای پروردگار، این انجمن را روشن نما و این جمع را شمع

شکرین نما و در درگاه احدیت بنده نازنین فرما و در دیوان علیین صدر نشین کن. توئی حنان توئی مَنان توئی مهربان.
هوالله ای خداوند بی نیازم و محرم رازم و یار دلنوازم، آن یاران دیرین را مذاق

کن. از جام محبت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عنبری بیزد. توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا. ع ع
هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیت عزیز

و قوتی بخش تا جناح فلاح برویانیم و در این فضلی غیرمتناهی آغاز پرواز کنیم و به ملکوت ابهات دمساز گردیم.
ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی‌پر و بالیم ولی اوج عظیم طلبیم و رفرع اعلی آرزو نمائیم، پس عنایتی مبنول فرما
هواللهی ای پروردگار، مرغان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم، طیور خاکساریم

باقی همدم و همراز نما. قوت تأیید بخش و به تَفَثَاتِ رُوحِ الْمُقَدَّسِ تقویت نما تا به خدمت قیام نماید. تویی توانا. ع. ع
ای پروردگار این دختر ملکوت را در دو جهان عزیز نما. از جهان خاک و خاکیان بیزار کن و به جهان

AB10714

به خدمت عالم انسانی فرما. خدایا، این اطفال کُردمانه‌اند، در آغوش صدف عنایت پرورش ده. تویی بخشنده و مهربان.
اطفال نازنین صُنع دست قدرت تو اند و آیلت عظمت تو. خدایا این کودکان را محفوظ بدار، مؤید بر تعلیم کن و مَوْفَق
هوالمه ای خداوند مهربان، این

AB10769

بگو ای اله من و محبوب من و سَید من و سَید من و مقصود من
تو و آفتاب عنایت و سماء فضل تو که مقدر فرمائی از قلم اعلی از برای این امه خود آنچه سزاوار بزرگی تو است.
این سائلی است اراده بلب تو نموده و فقیری است قصد دریای غنای تو کرده. سؤال می‌انمایم تو را به‌دریای بخشش
و جمیع قلوب از عرفانت قاصر بوده و خواهد بود. ای پروردگار من، عجز و فقر و فنی کنیز خود را مشاهده می‌انمائی
می‌دهد جان و روان و لسان به‌اینکه واحد بوده‌الی و شبه و مثل برای تو نبوده و نخواهد بود. جمیع المُن از وصفت عاجز
شهادت

AB10849

زیور عالم انسانی نما، راحت وجدانی ده، قوت ربّانی عطا فرما. تویی دهنده و بخشنده و مهربان و تویی مقتدر و توانا.
ای پروردگار، این گناهکار را بیدار کن، هوشیار نما و از هستی خویش بیزار کن، نورانیت آسمانی بخش نفس رحمانی بدم،
هوالمه

AB10855

تأییدی بخش و توفیقی احسان فرما تا به خدمت کوشم و رداء موهبت پوشم و سلسبیل عنایت نوشم و المبهاء علیک.
به بخششت امیدوار، مستمندم و فقیر، تویی ارجمند و مجیر، دردمندم و حقیر، تویی درمان هر علیل و اسیر. خداوندا،
هوالمه ای پروردگار، هر چند گناهکارم ولی

AB10871

لیاقت منگر در فضل و عفو بنگر، ما را در بحر غفران غریق کن و در جنت ابھی با ما اعلی رفیق. تویی رحیم تویی رحمن.
هوالمه ای آمرزگار همه گناه کاریم و جفا کردار، تو آمرزنده‌الی تو بخشنده‌الی مهربان، در قدر و

AB10874

ما گناهکاریم ما خطا کاریم ما غافلیم ما ناهلیم، تو عَفَوی تو غَفَوی تو بزرگواری تو آمرزگاری. اِنَّكَ اَنْتَ الْمُتَوَابُ الْمَسْتَر.
ای پروردگار، خطیئات این نفوس را عفو کن و سیئات این نلیلان را ستر نما، تو واقفی تو علمی تو مَطَّلَعی تو آگاهی،

AB10875

عالم چون پروانه گرد شعله جلال پرواز ده. تویی خجسته دلبر من و تویی فرخنده یار جان پرور من و المبهاء علیک.
جهان به آتش عشقت بسوز و در آن جهان به مشاهده روی مه رویت کامران فرما. در این عالم چون شمع بگداز و در آن

AB10901

نما به نعمت پرور، قابليتى بخش تا ملكوتى گردم زبانى شوم روحانى شوم نورانى گردم. توئى مقتدر و توانا و مهربان. هُوَاللهِ اى خدا، طفل مَعْصُوم در پناه خود حفظ نما، عنايتى كن و رحمتى بفرما تربيت

AB10965

بيان واضح بخش، قوت ملكوت بنما و تاييد روح المقدس ظاهر كن. توئى مقتدر و توانا و توئى بخشنده و درخشنده و بينا. آن مشتاق ديدار را در ملكوت بزرگوار كن و تاجى از موهبت بر سر نه و خلعتى از هدايت كبرى در بر نما، زبان ناطق ده و هُوَاللهِ اى پروردگار،

AB11042

و آهنگ و شهنازى بنوازند كه جهان وجود به اهتزاز آيد و دلبر وحدت انساني پرده براندازد و در انجمن عالم جلوه نمايد. هُوَاللهِ اى بى نياز، ياران را محرم راز نما و آئينه عماز كن تا در جهان نغمه و آوازي اندازند

AB11169

كن و جانشان را سبحانى نما تا در جميع مراتب به آنچه لايق اين يوم عظيم است قيام نمايند و موفق به رضاى تو شوند. هُوَاللهِ اى خداويد بى همتا، اين نفوس را سرا پا نورانى و قلوبشان را رحمانى

AB11170

افسرده را در سبيل دوستانت بر خاك ريز و اين تن فرسوده را در راه يارانانت خاك راه و غبار اقدام نما، اى خداى من. هُوَاللهِ اى خداى من، جانم فداى احبابت، اين خون

AB11201

لايقست مؤيد فرما، اين دستاها به دامن عفوت پيوسته و اين دلها به محبت مقيد و بسته، عنايت كن موهبت بخش. هُوَاللهِ اى پروردگار، به آنچه سزاوار است موفق كن، اى آمرزگار به آنچه

AB11235

جهان محتاج نور هدايت است، پس اى پروردگار عنايتى فرما كه شمس حقيقت جهان را كران به كران روشن نمايد. هُوَاللهِ خدايا، تاريخى نزاع و جدال و قتال بين اديان و شعوب و اقوام افق حقيقت را پوشيده و پنهان نموده،

AB11356

سحاب عنايت پرورش فرما. گياه حديقۀ محبت، درخت بارور كن. توئى مقتدر و توانا و توئى مهربان و دانا و بينا. هُوَاللهِ خدايا، طفلم در ظل عنايتت پرورش ده. نهال تازه ام به رشحات

AB11485

هُوَاللهِ اى خداوند، اين گمگشتگان كوى خويش را عاشقان فارغ از بيگانه و خويش فرما. توئى قادر و توانا.

AB11605

تا به انولار محبتت روشن و منیر گرد و به الماهات روحائیه و معنویّه ملهم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید.
هوالمه ای رحمن ای رحیم، دلی چون مرآت لطیف صافی عطا کن

ABU0009SER

موردی ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی معین و مستعان گرد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و شنونده و توانا و بینا.
را وجود بخشیدی، تشنگان را آب گوارا دادی و گرسنگان را سفره مهنا گستردی و نعمت مهیا رایگان نمودی، پس در هر
هوالمه ای پروردگار، این آوارگان را به سایه خویش در آوردی و سر و سامان دادی، نیستی را هستی دادی و نابود

ABU0030SHE

بخش، از بحر عنایت قطره‌الی برسان و از نهر موهبت رشحه‌الی مبنول کن تا حیلت تازه یابم و موهبت بی‌اندازه جویم.
مقرده و این عید حزین را در سایه شجره سرور مأوی بخش، این بی‌انصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره‌الی
الله ایهی ای پروردگار مهربان ای یزدان پاک، این بنده ضعیف را در ظل کلمه رحمانیت

ABU0095KIN

فرمودی و بخشش افزودی و این مرغان را به آشپانه و لانه و کاشانه بلند راه بنمودی. توئی بینا و دانا و توانا و شنوا.
را شادمان فرما، تشنگان را سیراب کن و آزرندگان را آسایش دل و جان بخش. ستایش تو را که راه نمودی و رهبر
بیابند و جهان بیارایند. ای بخشنده، چرخنده و پرنده را پناهی و به راز درون آگاه، جویندگان را یابندگان کن و آرزومندان
بهشت برین، زیرا روی تو جویند راه تو پیوند راز تو گویند و هر دم در جستجویند که آنچه شایان این روزگار است
هوالمه ای پروردگار، این گروه جان نثار یاران دیرینند و با هم همدم و همنشین، گفتگو شیرین و شکرین و بزم مانند

ABU0129EDU

ده، از اطفال ملکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما. توئی مقتدر و مهربان و توئی دهنده و بخشنده و سابق الانعام.
پرورش فرما و از تکی عنایت شیر ده، این نهال تازه را در گلشن محبتت بنشان و به رشحات سحاب عنایت پرورش
هوالمه خداوندا، این طفل صغیر را در آغوش محبتت

ABU0188TUR

تو سلوک نمائیم، جستجوی تو نمائیم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر و توانا.
طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد. خداوندا ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان تا در سبیل
عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال تو باشیم، جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود، طالب رائج
زنده کن نفوس خواب را بیدار نما. خداوندا ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت کن. خداوندا
هوالمه ای خداوند مهربان، بصیرت‌ها را روشن کن گوش‌ها را شنوا نما دل‌های مرده را

BB00002ENA

از شهوات هوائیه و اخلاق شیطانیه محفوظ و مصون بدار تا روح بنفحات قدس انس گیرد و از نکر دون تو صائم گردد. مشتیهات جسمائیه و اشتغال بطعام و شراب باز ماندم دل و جانم را از محبت غیر خویش پاک و مقدس کن و نفسم را ای پروردگار همچنانکه از

BB00018ADJ

مرا مستقیم بر امرت بدار و در امتحان ثابت بر محبت کن و در دریای عنایتت مستغرق فرما. توئی دهنده و مهربان. هو پروردگار،

BB00018FOR

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما تویی غفور تویی عفو و تویی بخشنده هر قصور. ع امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم و لکن توجه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان کن تویی آمرزنده و تویی غفور تویی بخشنده فیص موفور ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما عفو و بخشش شایان نما هوالله ای پروردگار

BB00147GRO

که جودت وجود را موجود فرمود و به افق اعلی راه نمود. عبادت را از صراط مستقیمت منع فرما. توئی قادر و توانا. امطار سحاب رحمت آتش ده. توئی آن کریمی که عصیان عالم تو را از کرم منع نمود و از بدایع فضلت باز نداشت، توئی الهام مغبودا این نهالی است تو غرس نمودی، از

BBU0015

تو گرم و رسوائیان کوی تو، این موهبت را شایان فرما و این عنایت را رایگان کن. توئی پروردگار و توئی آمرزگار. و از مادونت در کنار. ای پروردگار، موفق بدار تا از سودائیان تو گرم و از شیدائیان تو شوم، سر دفتر مجنونان روی و فغانی نکنم و جز در پناه احتیئت امن و امان نجویم، بیزار از هر بیگانه‌ام و به یگانگی تو دل بسته‌ام، از غیر تو بیزارم میثاق راهی و کامی نجویم، شب و روز دردمند درد توالم و روز و شب مجروح تیغ و خدیگ تو، جز به ملکوت ابهائیت ناله هوالاهی ای خداوند، تو شاهد و آگاهی که در دل و جان جز آرزوی رضای تو مرا می ندارم و جز در بزم

BH00005ALL

هو می مشاهده میشوند نجات را آمل و بخششهای قدیمت را سائل توئی قادر و توانا و معین و دانا. حضرت بهاءالله رجا از قلوب طالبانت قطع نشده و نمی شود گواه این مقام کلمه مبارکه لا تقنطوا ای کریم عبادت در بحر نفس و جدیدی مزین نمائی و باسم بدیعی فائز فرمائی توئی آنکه از اراده ات ارادات عالم ظاهر و از مشیتت مشیات امم نافذ عشاق رویت لقاییت را چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو سزاوار آنکه امام وجوه اغیار محرمان کویت را پتراز چه ای کریم تیر رحمتت از افق هر شئی ظاهر و نجم عطایت از هر شطری ساطع محتاجان بابت عطایت را میطلبند و بر بخششت گواهی است صادق و شاهدیت ناطق چه اگر کرم نبود دست ارتفاع را نمیاموخت تراب چه و ارتفاع هستیت مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش مئزه از نکر و بیان رجالی افنده و قلوب و ارتفاع ایادی نفوس

رفعت و عظمت مُقر و مُعترف ای دریای کرم قطره بشطرت توجّه نموده و ای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده
کلمه مبارکه منع منما و از حرارت محبت محروم مساز دریاهای عالم بر رحمت محیطه ایت شاهد و گواه آسمانها بر
المها معبودا مسجودا این مشیت خاک را از اهتزاز

BH00005SEE

را از بلب غنایت محروم منما و از دریای بخشش منع مکن. توئی صاحب عطا و قادر و توانا والمهیمن علی الاسماء.
فرمودی تا صاحبان بصر آثار قدرت و عظمت را در کل اشیاء ملاحظه نمایند و بر بزرگیت گواهی دهند. ای خدا، فقیر
آن توانائی که به ایک کلمه، آسمان و زمین را خلق نمودی و مظاهر قوت و قدرت و عظمت و فضل و جود و کرمت قرار
وجهم به انوار وجهت متوجه و قلبم به اشطر عنایت مقبل و از تو می‌طلبم عطاء قدیمت و بخشش جدیدت را. توئی
المها معبودا مقصودا محبوبا

BH00009AWA

حضرت یزدانی دل‌هاشان لاله زار و گلشن، هر یک در امرالله عَلمُ مبین گردند و در استقامت بر عهد و پیمان حصن متین.
محبت‌الله چون شعله سوزان باشند و در فرقت جمیل مَنان ابری گریان، به وفای الهی رویشان روشن گردد و به عنایت
و مشرق انوار و مظهر المظالم رب مختار، در ملامت مقربین محشور گردند و در زمره مخلصین معدود و معروف، از حرارت
باری یر بار گردند و گلزاری با نفحلت مشکبار، امواج دریای آثار قدم شوند و نسائم گلشن اسم اعظم، مهبط الماهم باشند
رحمت باشند و اشعه آفتاب افق حقیقت، لسانی ناطق گردند و فضلی سابق شوند، چشمی بینا باشند و گوش‌شنوا،
سماء وجود چون انجم هدایت بدرخشند و در انجمن عالم چون چراغ‌های محبت‌الله روشن و منور گردند، امطار غمام
صحرائی محبتت را در کف منیع و ملاذ رفیع حفظ و حراستت منزل و مأوی احسان کن تا به عون و فضل و جودت در
در شاخسار سدره منتهی پناه عنایت فرما و این ماهیان لجه توحید را در بحر اعظم عنایتت غوص ده و این بی سامانان
هوالمابهی ای پروردگار آمرزگار، این مرغان بی آشیان را در حدیقۀ ثبات و استقامت

BH00074BLE

منما. این مظلومان را در ظل سدره عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر غنایت راه نما. توئی مالک جود و سلطان عطا.
المها کریمایکنا خداوند جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود، از دریای رحمتت محرومش

BH00308DES

قلم امر مبرمت را نصرت فرمودی و اولیاء را راه نمودی. توئی مالک قدرت و ملیک اقتدار. لا اله الا انت العزیز المختار.
تو، اسباب آسمان و زمین در قبضه قدرت تو. امراء را عدل عنایت فرما و علما را انصاف. توئی آن مقتدری که به حرکت
المهی الهی سراج امرت را به دهن حکمت بر افروختی، از اریاح مختلفه حفظش نما. سراج از تو، زجاج از

BH00870

فی سُئِلَ هِدَايَتِكَ وَ مَنَلَجَ فَضْلِكَ وَ غَفَرَائِكَ وَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَافِي الْمَشَافِي الْحَاقِظُ الْمَعْطَى الرَّؤُوفُ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ
الْتِي هِيَ فِيهَا تَمُّ الشَّفِّ بِهَا كُلُّ مَرِيضٍ وَ عَلِيلٍ وَ فَاقِرٍ عَنِ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَكْرُوهٍ وَ آفَةٍ وَ حُزْنٍ. تَمُّ الْهَدْيِ بِهَا كُلُّ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يَدْخُلَ
فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ أَنْ تَحْقُقَ حَامِلَ هَذِهِ الْمُرَقَّةِ الْمُبَارَكَةِ تَمُّ الَّذِي يَقْرُؤُهَا تَمُّ الَّذِي يُلْقِي عَلَيْهَا تَمُّ الَّذِي يَمُرُّ فِي حَوْلِ بَيْتِ

وَ يَذْكُرُكَ الْعَلِيِّ الْعَلِيِّ وَالْجَمَالِ الْإِلَهِيِّ وَالْبُورِكَ الْمُخْفِيِّ وَ بِاسْمِكَ الْمُتَقَمِّصِ بِقَمِيصِ الْمِبْلَاءِ
 عَظَمَتِكَ وَ سُلْطَنَتِكَ وَ طُلُوعِ عِزِّ حُكُومَتِكَ بِكَلِمَةِ بَلَى كَ وَ بِهِذِهِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى الْعَظِيمِ وَ بِهِذِهِ الْمَصْفَاتِ الْعَلِيَّةِ الْإِكْرَامِ
 إِلَى خَوْلَانِ مَكْرَمَتِكَ وَ انْعِلَامِكَ وَ بَعْنَابَتِكَ الَّتِي بِهَا أُجِبْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ قَبْلِ كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي حِينِ ظُهُورِ
 الْمَنِيِّ بِهِ فَتَحَتْ أَبْوَابَ الْمَفْضَلِ وَ الْمُعْطَاءِ وَ بِهِ اسْتَقَرَّ هَيْكَلُ قُدْسِكَ عَلَى عَرْشِ الْبِقَاءِ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا نَعَوْتُ الْمُمْكِنَاتِ
 يَا كَافِيَ بَكَ يَا كَافِيَ يَا شَافِيَ بَكَ يَا شَافِيَ يَا بَاقِيَ بَكَ يَا بَاقِيَ
 مَسْتَوْرٍ يَا غَائِبٍ مَشْهُورٍ يَا نَظِيرٍ مَثْوورٍ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْبَاقِي يَا بَاقِيَ يَا قَائِلُ عَشِيقٍ يَا وَلَهَبٍ فُسْلِقٍ
 وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا نَقْدِيكَ يَا لِحْظِيكَ
 يَا رَآفٍ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا ثَابِتِيكَ يَا ثَابِتِيكَ يَا ثَابِتِيكَ يَا ثَابِتِيكَ يَا ثَابِتِيكَ
 يَا بَاقِيَ بَكَ يَا وَهَاجِيكَ يَا بَلَّاجِيكَ يَا بَهَاجِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا وَهَابِيكَ يَا عَطَافِيكَ
 وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا وَهَابِيكَ يَا عَطَافِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا
 بَكَ يَا جَذِيبِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا جَلَالِيكَ يَا جَمَالِيكَ يَا فَضْلِيكَ أَنْتَ الْكَافِي
 يَا بَاقِيَ بَكَ يَا فَتَاحِيكَ يَا تَصَاحِيكَ يَا تَجَاحِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا حَبِيبِيكَ يَا طَبِيبِيكَ
 وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا مُبَوِّحِيكَ يَا قُدُوسِيكَ يَا تَزْوِيهِكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا
 أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا نِكْرًا الْأَعْظَمِيكَ يَا اسْمَ الْإِكْرَامِيكَ يَا رَسْمَ الْإِقْدَمِيكَ أَنْتَ الْكَافِي
 يَا جَانِيكَ يَا جَانَانِيكَ يَا إِيْمَانِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا سَاقِيكَ يَا عَالِيكَ يَا غَالِيكَ
 وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا كَاشِفِيكَ يَا نَاشِفِيكَ يَا عَاطِفِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ
 أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا غِيَاثِيكَ يَا مُسْتَعَاثِيكَ يَا تَفَاثِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي
 عَطُوفِيكَ يَا رُوُوفِيكَ يَا لَطُوفِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا مَلَذِيكَ يَا مَعَاذِيكَ يَا مُسْتَعَاذِيكَ
 الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا مَحْفُوظِيكَ يَا مَحْظُوظِيكَ يَا مَلْحُوظِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا
 الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا عَظُومِيكَ يَا قُدُومِيكَ يَا كَرُومِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ
 بَكَ يَا فَاضِلِيكَ يَا بَلِئَلِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا قِيُومِيكَ يَا دَيْمُومِيكَ يَا عُلُومِيكَ أَنْتَ
 أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا جَلِيلِيكَ يَا جَمِيلِيكَ يَا فَضِيلِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا عَدْلِيكَ
 سَائِغِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا نَافِعِيكَ يَا مَنِّعِيكَ يَا صَافِعِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ
 بَاقِيَ بَكَ يَا طَالِعِيكَ يَا جَامِعِيكَ يَا رَافِعِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا بَلِغِيكَ يَا فَارِغِيكَ يَا
 وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا صَائِعِيكَ يَا قَائِعِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا
 بَكَ يَا غَالِبِيكَ يَا وَلَهَبِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا قَادِرِيكَ يَا نَاصِرِيكَ يَا سَلِثِيكَ أَنْتَ الْكَافِي
 الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا مَعْمُورِيكَ يَا مَشْهُورِيكَ يَا مُسْتَوْرِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا غَائِبِيكَ
 أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا رُوحِيكَ يَا نُورِيكَ يَا ظُهُورِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ
 يَا عَزِيزِيكَ يَا نَصِيرِيكَ يَا قَدِيرِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا حَاكِمِيكَ يَا قَائِمِيكَ يَا عَالِمِيكَ
 وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا مَعْشُوقِيكَ يَا مَحْبُوبِيكَ يَا مَجْدُوبِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ
 أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا رَحْمَنِيكَ يَا عَظْمَانِيكَ يَا قَدْرَانِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي
 بَكَ يَا قُدْسَانِيكَ يَا مُسْتَعَانِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا حَكِيمِيكَ يَا عَظِيمِيكَ
 وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا أَحَدِيكَ يَا صَمَدِيكَ يَا قَرْدِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا سُبْحَانِي
 بَهِيَّ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي وَ أَنْتَ الْمَبَاقِي يَا بَاقِيَ بَكَ يَا سُلْطَانِيكَ يَا رَفْعَانِيكَ يَا دَيَّانِيكَ أَنْتَ الْكَافِي وَ أَنْتَ الْمَشَافِي
 بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْتَعِ الْأَقْدِسِ الْأَرْفَعِ الْأَبْهَى بَكَ يَا عَالِي بَكَ يَا وَهِي بَكَ يَا

تَسْأَلُكَ يَا تَحَقُّظْنَا مِنْ جُنُودِ الظُّنُونِ وَالْأَوْهَامِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلَامُ، ثُمَّ يَرْقَعُ رَأْسُهُ يَقْعُدُ وَيَقُولُ: أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدَ بِهِ ثَلَاثَ مَرَلَاتٍ وَيَسْجُدُ وَيَقُولُ: نَعْلَمُ يَا إِلَهِنَا بِمَا أَنْزَلْتَ لَنَا مَا يُقْرَبُنَا إِلَيْكَ وَ يَرْزُقُنَا كُلَّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَ يُبْرِكُ، أَي رَبِّ وَ أَسْرَارِ جَبْرُوتِكَ يَا تَعْمَلُ بِأَوْلِيَاءِكَ مَا يَنْبَغِي لِحُجُودِكَ يَا مَلِكُ الْمَوْجُودِ وَ يَلْبِقُ لِقَضِيكَ يَا سُلْطَانَ الْقَيْبِ وَالْمَشْهُودِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَنْ تَرْتَقِعَ إِلَى سَمَاءِ كَرَمِكَ، تَرَى يَا إِلَهِي عَبْرَاتِي مَتَعْنِي عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْمُنْأَى يَا رَبِّ الْعَرْشِ وَالْمُتْرَى، أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدْتَ بِهَ يَتُوبُ كَيْفِي وَ يَغْلِي النُّمُّ فِي عُرُوقِي، وَ جَمَلِكَ يَا مَقْصُودَ الْعَالِمِ، إِنَّ الْمَوْجَهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَ أَيْلَمِي الرَّجَاءَ تَخْجَلُ لِسَانِ عَظَمَتِكَ، ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ: إِلَهِي إِلَهِي عَصِيَابِي أَنْقَضَ ظَهْرِي وَعَقَلْتَنِي أَهْلَكْتَنِي كُلَّمَا اتَّفَكَّرْتُ فِي سُوءِ عَمَلِي وَ حَسَنِ عَمَلِكَ بِمَا أَيْدَيْتَنِي عَلَى تَكْرِكَ وَتَمْنَانِكَ وَ عَرَفْتَنِي مَشْرِقَ آيَاتِكَ وَ جَعَلْتَنِي خَاضِعًا لِلرُّبُوبِيَّتِكَ وَ خَاشِعًا لِلوَهَيْتِكَ وَ مُعْتَرِفًا بِمَا تَطَّقَ بِهِ تَسْمَلْتُ فَجَرَّ ظُهُورَكَ يَا تَقْدِرُ لِي زِيَارَةَ جَمَلِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا فِي كِتَابِكَ، ثُمَّ يُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَلَاتٍ وَيَرْكَعُ وَيَقُولُ: نَعْلَمُ يَا إِلَهِي أَهْلَكْتَنِي وَ بَعْدَكَ أَحْرَقْتَنِي، أَسْأَلُكَ بِمَوْطِي قَدَمَيْكَ فِي هَذَا الْبَيْدَاءِ وَ بَلْبِيكَ لَبِيكَ أَصْفِيَاءِكَ فِي هَذَا الْمَفْضَاءِ وَبِفَحْلَتِكَ وَ حَيْكَ وَ اجْتِرَاحَاتِي أَبْعَدْتَنِي عَنِ الْمُتَقَرَّبِ إِلَيْكَ وَ جَزِيرَاتِي مَتَعْنَتِي عَنِ الْوَرُودِ فِي سَاحَةِ قَدْسِكَ، أَي رَبِّ حُبِّكَ أَضْنَانِي وَ هَجَزَكَ وَيَقُولُ: يَا إِلَهَ الْمَوْجُودِ وَمَلِكِ الْقَيْبِ وَالْمَشْهُودِ تَرَى عَبْرَاتِي وَ زَفْرَاتِي وَ تَسْمَعُ ضَجِيجِي وَ صَرِيحِي وَ حَيْنِ فُؤَادِي، وَ عَزَّتِكَ الْمَكَافُ بِرُكْبِهِ الْمُتُونِ، أَشْهَدُ أَنَّهُ هُوَ الْمُسْتَطُورُ مِنَ الْقَلَمِ الْأَعْلَى وَالْمُنْكَوَرُ فِي كِتَابِ الْمَلِكِ رَبِّ الْعَرْشِ وَالْمُتْرَى، ثُمَّ يَقُومُ مُسْتَقِيمًا لِسَانِ الْعَظْمَةِ مِنَ الْأَفْقِ الْأَبْهَى أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَالْمَنِي ظَهْرَانُهُ هُوَ الْمَسْرُ الْمُكْنُونُ وَالْمَرْمَزُ الْمُخْزُونُ الَّتِي بِهِ اقْتَرَنَ عَنِ الْأَسْمَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِي الْأَبْهَى، ثُمَّ يَقْعُدُ وَيَقُولُ: أَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ الْأَشْيَاءَ وَالْمَالُ الْأَعْلَى وَالْمَجْنَّةَ الْعَالِيَا وَ عَن وَرَائِهَا سَمَاءَ قُرْبِكَ أَنْكَارِ الْمُقْرَبِينَ أَوْ أَنْ تَصِلَ إِلَى فَنَاءِ بَابِكَ طَيُورُ أَهْمِيَّةِ الْمُخْلِصِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ مُقَدَّسًا عَنِ الْمِصْفَلَاتِ وَ مَتْنَهَا يَا فَاطِرَ السَّمَاءِ، ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَلَاتٍ وَيَقُولُ: اللَّهُ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ، ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تَصْعَدَ إِلَى بَابِ قَضِيكَ وَالْمَفَاتِي يُزِيدُ كَوْتَرَ الْبِقَاءِ مِنْ أَيْلَمِي جُودِكَ لَكَ الْأَمْرُ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ يَا مَوْلَى الْأَسْمَاءِ وَ لِي التَّسْلِيمُ وَالرِّضَاءُ مَالِي وَ شَأْنِي لِأَقْوَمَ لَسَى بَلْبِ مَدِينِ قُرْبِكَ أَوْ أَنْتَوَجَّهَ إِلَى الْأَنْوَارِ الْمُشْرِقَةِ مِنْ أْفُقِ سَمَاءِ أَرَامِيَّتِكَ، أَي رَبِّ تَرَى الْمُسْكِينَ يُقْرَعُ الْحَاكِمَ فِي الْمُبْدَاءِ وَالْمَأْبِ، إِلَهِي إِلَهِي عَفْوِكَ شَجَعْتَنِي وَرَحْمَتِكَ قَوَّنِي وَنِدَائِكَ أَيْقَظْتَنِي وَ قَضِيكَ أَقَامْتَنِي وَ هَدَيْتَنِي إِلَيْكَ وَ الْإِلَا وَابْرَارِ قَدْرَتِكَ وَاقْتِدَارِكَ، ثُمَّ يَقُومُ وَيَرْقَعُ يَدَيْهِ لِلْقَنُوتِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَيَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُوَهَّابُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ جَبْرُوتِ عِلْمِكَ، أَي رَبِّ أَحْبَبَ لِي هَذَا الْمَقَامُ كُلِّ مَا عِنْدَكَ لِإِثْبَاتِ قَفْرِي وَاعْلَاءِ عَطْلِكَ وَغِنَائِكَ وَإِظْهَارِ عَجْزِي رُوحِي مُهْتَرًا فِي جَوْلَارِحِي وَ أَرَاكِنِي شَوْقًا لِعِبَادَتِكَ وَ شَغْفًا لِتَكْرِكَ وَ تَمْنَانِكَ وَبِشْهَدِ بِمَا شَهِدَ بِهِ لِسَانُ أَمْرِكَ فِي مَلَكُوتِ بِيَانِكَ فِي حِكْمِكَ وَالْمُخْتَارِ فِي أَمْرِكَ، ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ وَيُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَلَاتٍ ثُمَّ يَنْحَنِي لِلرُّكُوعِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَيَقُولُ: يَا إِلَهِي تَرَى قَصْدَ بَحْرِ غَفْرَانِكَ وَالْمَنْدِيلِ بِسَاطِ عَزِّكَ وَ الْمَقْفِيرِ أَفْقَ غِنَائِكَ، لَكَ الْأَمْرُ فِيمَا تَشَاءُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ الْمَخْمُودُ فِي فِعْلِكَ وَالْمَطَاعُ تَمْتَعْنِي عَمَّا عِنْدَكَ يَا مَلِكِ الرِّقَابِ، أَي رَبِّ تَرَى الْمَغْرِيبَ سَرَعَ إِلَى وَطْنِهِ الْأَعْلَى ظَلَّ قَلْبُ عَظَمَتِكَ وَجَوْلَارِ رَحْمَتِكَ وَ الْعَاصِي يَا مَنْ فِي فِرَاقِكَ نَابِتِ الْقُلُوبِ وَالْأَكْبَادِ وَبِنَارِ حَبِّكَ اشْتَقَلَ مِنْ فِي الْيَلَادِ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّتِي بِهِ سَخَّرْتَ الْآفَاقَ يَا مَنْ لَا كَوْتَرَ الْحَيُولَانَ لِيُبْقَى بِهِ نَاتِي بَدْوَامِ سُلْطَانَتِكَ وَ يَدْتَكْرِكَ فِي كُلِّ عَالِمٍ مِنْ عَوَالِمِكَ، ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ لِلْقَنُوتِ مَرَّةً أُخْرَى وَيَقُولُ: ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِوَصْفِ مَا سِوَاكَ أَوْ تُعْرَفَ بِعَرَفَانِ دُونِكَ، ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ: أَي رَبِّ فَاجْعَلْ صِلَاتِي بَلِّ إِلَى أَرَامِيَّتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِالسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ يَا مَلِكِ الْأَمَمِ مَا أُرْدُتُ إِلَّا مَا أُرْدَتُهُ وَلَا أَحْبَبَ إِلَّا مَا تَحَبُّبَ الْمُقَدَّسَةِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْمُنْأَى كُلِّ مَا يَظْهَرُ مِنْ عِنْدِكَ هُوَ مَقْصُودُ قَلْبِي وَ مَحْبُوبُ فُؤَادِي، إِلَهِي إِلَهِي لَا تَنْظُرْ إِلَى أَمَالِي وَ أَعْمَالِي مَشِيَّتِكَ وَ أَرَامِيَّتِكَ وَ مَا أُرِيدُ إِلَّا رِضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ رَحْمَتِكَ وَ شَمْسِ قَضِيكَ يَا تَفْعَلُ بِعَبْدِكَ مَا تَحَبُّبَ وَ تَرْضَى وَ عَزَّتِكَ عَمَّا سِوَاكَ مَتَمَسِّكًا بِحَبْلِكَ الَّتِي بِحَرَكَتِهِ تَحْرُكُ الْمُمَكْنَنَاتِ، أَي رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَكُونُ حَاضِرًا قَائِمًا بَيْنَ أَيْلَمِي إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ، ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ لِلْقَنُوتِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَيَقُولُ: يَا مَقْصُودَ الْعَالِمِ وَ مَحْبُوبَ الْأَمَمِ تَرَانِي مُقْبَلًا إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا أَسْأَلُكَ بِمَطَالِعِ عَيْبِكَ الْعَلِي الْأَبْهَى يَا تَجْعَلْ صِلَاتِي نَارًا لِتُحْرَقَ حُجْبَاتِي الَّتِي مَتَعْنَتِي عَنِ مَشَاهِدَةِ جَمَلِكَ وَ نُورًا يُدَلِّي وَ اسْتَقَرَّ فِي مَقَامِهِ يُنْظَرُ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسْمَلِ كَمَنْ يَنْتَظِرُ رَحْمَةَ رَبِّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ يَقُولُ: يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَ فَاطِرَ السَّمَاءِ صِلَاتِ كَبِيرِ صِلَاتِ كَبِيرِ كَه تَلَاوَتِ أَنْ دَرِ شَبِّ وَ رُوزِ يَكِ بَارِ كَافِي اسْتِ لِلْمَصْلِي أَنْ يَقُومَ مُقْبَلًا إِلَى اللَّهِ وَ إِنَّا قَامَ

يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى
 و اشراق أنوار شمس جمالك و أغصانك بأن تكفر جريرات الذين تمسكوا بأحكامك و عملوا بما أمروا به فى كتابك ترانى
 بأمرك أجز الذين لم يتكلموا الا باذنك و ألقوا ما عندهم فى سبيك و حبك أي رب أسألك بنفسك و آياتك و بيناتك
 و المطافك و بالاسم الذى به ماج بحر الغفران أمام وجهك و أمطر سحاب الكرم على أرقائك أن تكتب لمن أقبل اليك و صام
 العاشقين و ضجيج المشتاقين و صريخ المقربين و حنين المخلصين و به قضيت أمل الآملين و أعطيتهم ما أرادوا بفضلك
 الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك باسمك الذى به سمعت نداء
 فى سبيك أن تكتب لى من قلمك الاعلى ما كتبه لامنائك و أصفياك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز
 فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنور وجهك الذى ساق المقربين الى سهام قضائك و المخلصين الى سيوف الاعداء
 و أظهرته بارادتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من
 بها طار التوم عن عيون أصفياك و أولياك و قيامهم فى الاسحار لنكرك و ثنائك أن تجعلنى ممن فاز بما أنزلته فى كتابك
 الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنار محبتك التى
 المختار أن تعرفنى ما كان مكنوثًا فى كنائز عرفانك و مستورًا فى خزائن علمك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس
 هاجت الاريح و ظهرت الاثمار و تطاولت الاشجار و محت الآثار و خرقت الاستار و سرع المخلصون الى أنوار وجه ربهم
 متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بالمحرف التى اذا خرجت من فم مشيتك ماجت البحار و
 و تقربنى الى مقام تجلى فيه مطلع آياتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و
 اللهم انى أسألك بحفيف سدره المنتهى و هزيز نسمات آياتك فى جبروت الاسماء أن تبعدنى عن كل ما يكرهه رضاؤك
 يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى
 الذى به احترقت أكباد العشاق و طارت أفئدة من فى الأفاق أن توفقني على نكرك بين خلقك و ثنائك بين بريتك ترانى
 الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بمظهر اسمك المحبوب
 و كبر عن ورائه بأعلى النداء بأن تجعلنى فانيًا عما عندى و باقيًا بما عندك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور
 تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بجمالك المشرق من افق البقاء الذى اذا ظهر سجد له ملكوت الجمال
 به ارادتك و ظهر من مشيتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل
 و الاولى اللهم انى أسألك بخباء مجدك على أعلى الجبال و فسطاط أمرك على أعلى الاطلال أن تؤيدني على ما أريد
 بيانك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة
 أسألك باسمك الذى جعلته سلطان الاسماء و به انجذب من فى الارض و السماء أن تريني شمس جمالك و ترزقني خمر
 متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى
 على خدمة أمرك على شأن لا يعقبه المقعود و لا تمنعه اشارات الذين جادلوا بآياتك و أعرضوا عن وجهك ترانى يا الهى
 الموجه كما يتحرك على صفحات اللواح قلمك الاعلى و بها تضوعت رائحة مسك المعاني فى ملكوت الانشاء أن تقيمنى
 العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بشعراتك التى يتحرك على صفحات
 أن تجذبني من نفحات قميصك و تشربني من رحيق بيانك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم
 بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بضياء عرتك المقراء و اشراق أنوار وجهك من الافق الاعلى
 تبعدنى عن ظل رحمتك و قباب كرمك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا
 به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بندائك الاحلى و الكلمة العليا أن تقربنى فى كل الاحوال الى فناء بابك و لا
 فضلك بين خلقك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبهًا بذيل تشبث
 اللهم انى أسألك بالآية الكبرى و ظهور فضلك بين المورى أن لا تطردنى عن باب مدينة لقائك و لا تخيبني عن ظهورات
 بسمة المشرق من افق البيان

المعطي العليم الحكيم يا الهي اسمك شفائي وذكرك دوائي وقربك رجائي وحُبك مؤنسي ورحمتك طيبي ومغني في الدنيا والآخرة وأنت أنت

BH02022

الله الملك الجميل من الذين هم آمنوا بالله وبالذي بيّعه الله في يوم القيمة وكانوا على مناهج الحق لمن المسلمين ويكشف ضربه ويقرب كربه وأنه هو الرحمن الرحيم والمحمد لله رب العالمين ثم تكرر من لنا كل من سكن في مدينة ورحمة من لنا لتكون من المشاكسين فوالله من كان في شدة أو حزن أو يقرأ هذا اللوح يصدق مبهين يرفع الله حزنه أيامك ولا تكن من الصابرين فإن الله قد قدر لقراره اجر مائة شهيد ثم عبادة الثقيلين كذلك مننا عليك بفضل من عندنا فقد عرض عن الرسل من قبل ثم استكبر على الله في ازل الازل الى ابد الابد فاحفظ يا احمد هذا اللوح ثم اقرأه في الظنون بيئهم وقلوبهم وتمتعهم عن سئل الله العلي العظيم وانتك انت ايمن في ذاتك بان الذي عرض عن هذا الجمال وليس لهم من بصير ليعرفوا الله بعبوديتهم او يسفحوا نعماته باذنانهم وكذلك اشهدناهم ان انت من الشاهدين كذلك حالت في سبيل او المثلة لأجل اسمي لا تضطرب فتوكل على الله ربك ورب آياتك الأولين لأن الناس يمشون في سئل الوهم من في السموات والارضين وكن كسعة النار لاعدائهم وكثير البقاء لاجبائي ولا تكن من الممتريين وان يمسك الحزن وغربت في هذا المسجن البعيد وكن مستقيماً في حبي بحيث لن يحول قلبك ولو تضرب بسيف الأعداء ويمتلك كل ولن يستطيعوا ولو يكون بعضهم لبعض ظهيراً ان يا احمد لا تنس فضلي في غيبتني ثم تكرر آياي في أيامك ثم كرتي يا قوم ان تكفروا بهن الآيات فياتي حجة أمثم بالله من قبل هاتوا بها يا مالا الكاذبين لا قولني نفسى بيده لن يقدرنا في هذا المسجن وما عليه الا البلاغ المبين فمن شاء فليعرض عن هذا النصيح ومن شاء فليخذ الى ربه سبيلاً قل في البيلان من لدن عزيز حكيم قل ان الله لسلطان المرسل وكتابه لأم الكتاب ان انتم من العارفين كذلك يتكركم الوراق واللى ارسله باسم علي هو حق من عند الله وانا كل بامر الله لمن العلمين قل يا قوم فاتبعوا حدود الله التي فرضت التي اتمم بفواكه الله العلي المقدير العظيم ان يا احمد فاشهد بان الله لا اله الا هو السلطان المهيم العزيز القدير هذا لمنظر الاكبر الذي سيطر في الواجه المرسلين وبه يقصل الحق عن الباطل ويفرق كل امر حكيم قل ان الله لشجر المرواح بهذا المنيا الذي فصل من تبا الله الملك العزيز المفريد وتهدى المحبين الى مقعد المقدس ثم الى هذا المنظر المنير قل ان سدرة البقاء بالحلان قدس ملبح وتبشر المخلصين الى جوار الله والموحدين الى ساحة قرب كريم وتخير المنقطعين هو السلطان العليم الحكيم هذه ورقة الفردوس تغنى على افنان

BH02198

اي پروردگار مرا ثابت دار تا در سبيلت دليل متخيرين گردم و در طريقت هادي هر طالب كليل توئى مقتدر و توانا. و ظهير گشتى و افتاده الى را مجير و دستگير. ستايش و نيايش تو را سزاوار كه بزرگوارى و معين و مجير هر نيوكو كار هو الأبهى اى محبوب يكتا اى مقصود بى اهمتا، عون و عنايت فرمودى و صون و حمايت نمودى، بيجاره الى را معين

BH02307

لسى وجهك و جادل ببرهانك و قر من حكومتك و اقتدارك و كان من المشركين في الواجه المقدس من اصبح الامر مكتوباً طاف في حولك و حضر تلقاء غرشتك، فويل لمن ظلمك وأنكرك و كفر بآياتك و جاحد بسطانتك و حارب بنفسك و استكبر الله، و من فاز بقلبك فقد فاز بقاء الله، فطوبى لمن آمن بك و بآياتك و خضع بسطانتك و شرف بقلبك و بلغ برضاك و فصل بين الممكنات و صد المخلصون الى البروة العليا والمشركون الى الدركات السفلى، و اشهد بان من عرفك فقد عرف

وَيَدَيْتِ الْمُفْعَلَاتِ وَيُعْتَتِ الْمُظْهُورَاتِ، وَ أَشْهَدُ أَنْ يَجْمَلِكَ ظَهَرَ جَمَالِ الْمُفْعُودِ وَ يَوْجَهَكَ لَاحَ وَجْهَ الْمُفْقُودِ وَ بِكَلِمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ
سَمَاءَ الْمُقْضَاءِ وَ طَلَعَ جَمَالَ النُّعَيْبِ عَنِ أَفْقِ الْبِدَاءِ، وَ أَشْهَدُ أَنْ يَحْرِكَكَ مِنْ قَلَمِكَ ظَهْرَ حُكْمِ الْكُفَّاءِ وَ الْبُنُونِ وَ يَزْرَسُرُ إِلَهَ الْمُفْكُونِ،
مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنْ بِكَ ظَهَرْتَ سُلْطَنَةَ اللَّهِ وَ اقْتِدَارَهُ وَ عَظَمَةَ اللَّهِ وَ كِبْرِيَاؤَهُ، وَ بِكَ أَشْرَقَتْ شُمُوسُ الْقَدِيمِ فِي
الْتِنَاءِ الَّتِي ظَهَرَ مِنْ نَفْسِكَ الْأَعْلَى وَ الْمُبْهَاءِ الَّتِي طَلَعَ مِنْ جَمَالِكَ الْأَبْهَى، عَلَيْكَ يَا مَظْهَرَ الْكِبْرِيَاءِ وَ سُلْطَانَ الْبِقَاءِ وَ هَلِيكَ
لِتُجِدْتَنِي عَنِ تَفْسِي وَ عَنِ الدُّنْيَا إِلَى شَطْرِ قُرْبِكَ وَ لِقَائِكَ وَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُفْقِدُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ إِنَّكَ كُنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا.
فِيَا إِلَهِي وَ مُحَبُّوبِي فَأَرْسَلِ إِلَيَّ عَنِ يَمِينِ رَحْمَتِكَ وَ عِنَايَتِكَ تَفْحَلْتِ قَدِيسَ الْأَطْلَاقِ
صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى عِبَادِكَ الْفَائِزِينَ وَ أَمَائِكَ الْفَائِزَاتِ إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ نُوَالِقُضِلَ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُفْقُورُ الْكَرِيمُ.
وَ قُرْوَعَهَا بِدَوْلَامِ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ صِفَاتِكَ الْعَلِيَا تَمَّ أَحْقَظَهَا مِنْ شَرِّ الْمُعْتَدِينَ وَ جُنُودِ الظَّالِمِينَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُفْقِدُ الْقَدِيرُ،
إِنَّكَ أَنْتَ الْمُفْقِدُ الْمُتَعَلِّعُ الْمُعْرِزُ الْمُفْقُورُ الرَّحِيمُ، صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى الْمُسْتَدْرَةِ وَ أَوْرَاقِهَا وَ أَغْصَانِهَا وَ أَفْئِنِهَا وَ أُصُولِهَا
وَ جَهْكَ وَ اتَّبِعُوا مَا أَمُرُوا بِهِ حَبًّا لِنَفْسِكَ أَنْ يَكْشِفَ الْمُسْبَحَاتِ الَّتِي حَالَتْ بَيْتِكَ وَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ يَزُرُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
أُفْرَتِ مِنْ لَدُنْ عَلِيمِ حَكِيمِ. زَوْجِي لِضِرْكَ الْفِدَاءِ وَ تَفْسِي لِإِبْلَائِكَ الْفِدَاءِ أَسْأَلُ اللَّهَ بِكَ وَ بِالَّذِينَ اسْتَضَاءَتْ وَ جُوهُهُمْ مِنْ أَنْوَارِ
أَيْلَمِكَ فِي عَمْرَلَتِ الْبِلَايَا مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ سُيُوفِ الْأَعْدَاءِ وَ مَعَ كُلِّ ذَلِكَ أُفْرَتِ النَّاسُ بِمَا
عَلَيْكَ يَا جَمَالَ اللَّهِ تَنَاءِ اللَّهِ وَ تَكَرُّهُ وَ بَهَاءِ اللَّهِ وَ نُورُهُ أَشْهَدُ بِأَنْ مَا رَأَيْتُ غَيْرَ الْإِبْدَاعِ مَظْلُومًا شَبَّهَكَ كُنْتَ فِي

BH03019

از حزن بروب و قلب را از غم فارغ نما و به آهنگ ملیح برخوان :گر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم المحکم الله
و از ساقی جلال ساغر جمال برگیریم و به ایله رخ نوالجلال خمر بی امثال درنوشیم، چشم را از آب پاک کن و دل را
و نایدنی ببینیم و ناشنیدنی بشنویم و به آهنگ نور هیکل روح را به رقص آوریم و در حریم جان بزم خوشی بیارائیم
حلقه زنییم و به حضرت انس رو آریم و از بر بطن عراق نغمه حجازی بشنویم و با دوست ملحق شویم، ناگفتنی بگوئیم
بفروش، دل به قضا در بند و به حکم قدر پیوند، چشم عبرت بزگشا و از غیر دوست درپوش که عنقریب در محضر قدس
رخ را مخراش و آب از دیده میاش و از بی صبران مباحش، پیراهن تسلیم پوش و از باده رضا بنوش و عالمی را به درهمی
پا نه .مریما، حزن را به سرور بخش و غم را از جلم فرج در کش، اگر خواهی قدم در کوی طلب گناری صابر باش و
ناله سراید محبوب بر جفا بیافزاید .اگر شریعت وصال خواهی تن به زوال درسه و اگر خمر جمال طلبی در وامی حرمان
و هر جا غمی است بر دل اصحاب نازل گردد، عاشقان را چشم تر باید و معشوقان را ناز و کبرشمه شاید، حبیب اگر صد
را سینه منیر دوستان لایق و کمند بلای نا متناهی را گردن عاشقان شائق، هر کجا خدنگی است بر صدر احباب وارد آید
و تعره ها از دل پر درد برخاست، آب گوارا به خون تبدیل شد و صحن فردوس برین به خون آمیخته، بلی تیر قضای الهی
ربانی به خروش آمد، سراق عزت بر درید و هملی رفعت از شاخسار بهجت بر پرید، افلاکاهی بلند بر خاک آتیره بنشست
بلا مکان عروج نمود قفس وجود از طیر محمود خالی ماند و بلبل قدم به صحرای عدم رو نمود و عندلیب الهی بر سدره
هو مریما، عیسی جان

BH03447

تؤدی یومیاً فی المصباح والمزوال والمساء

على أوليائك الذين ما منعهم شئونات المخلق عن الإقبال إليك وأنفقوا ما عندهم رجاء ما عندك .إنك أنت المغفور الكريم.
قد أظهرت أمرك ووفيت بعهدك وفتحت باب فضلك على من في السموات والأرضين .والمصلاة والسلام والتكبير والمبهاء
بأنبيال رحمتك وفضلك يا أرحم الراحمين .ثم يقعد ويقول :أشهد بوحدانيتك وفردانيتك وبأنك أنت الله لا إله إلا أنت
دونى ووصفى ووصف من فى السموات والأرضين .ثم يقوم للقنوت ويقول :يا إلهى لا تخيب من تشبث بأنامل الرجاء
الملك والمملوك والمعزة والمجربوت لله مولى المورى ومالك العرش والمترى .ثم يركع ويقول :سبحانك عن نكري ونكر
الظهور ومكلم الطور الذى به أنار الأفق الأعلى ونطقت سدره المنتهى وارتفع النداء بين الأرض والسماة قد أتى المالك

التوجه إلى غيرك. وبعد له أن يقوم متوجهًا إلى القبلة ويقول: شهد الله أنه لا إله إلا هو. له الأمر والمخلق. قد أظهر مشرق ملكها. إنك أنت المقتدر القدير. وفي حين غسل الوجه يقول: أي رب وجهت وجهي إليك. ثوره بأنوار وجهك ثم احفظه عن حين الغسل يقول: إلهي قو يدي لتأخذ كتابك باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فيما لم يدخل في ومن أراد أن يصلي له أن يغسل يديه وفي

BH04569

بوزد و شميم احسان مرور نماید، مشامها معطر گردد، رویها متور شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. پرتو موهبت بیفزاید، شمع غفران بر افروزد و پرده عصیان بسوزد، صبح امید کند، ظلمت نومید زائل گردد، نسیم الطاف رهیم و متضرع در هر صبحگهیم، ای بزرگوار، خطا بیوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و هوالمه ای یزدین مهربان، سرا پا گهیم و خاک

BH04990

تابش و درخشش فراوان بنما، شاید این قلوب افسرده تازه و زنده گرد و این نفوس مرده حیات بی اندازه یابد. ابهات فیض انوار کن و از ملکوت اعلایت بذل اسرار نما. ای نیسلن عنایت، بارش و ریزش ارزان کن و ای شمس حقیقت نظر فرما، آه و فغانم جمع طیور را به فریاد آورده و آه پر حسرت قلبم چون شعله سوزان به جان جهان آتش زده، از افق ضعیفم و پشه نحیف، بال و پری شکسته دارم و پائی از دوری بادی حسرت خسته، چشم گریانم بین و جگر سوزانم هوالاهی پروردگارا، مور

BH05327

روز مبارک کنیزان خود را محروم مفرما و از قلم اعلی اجر لقا از برای کل ثبت نما. توئی مقتدر و توانا و توئی بینا و دانا. تمسک جسته و دستهای رجا را به اشطر تو بلند نموده. عطا فرما آنچه را که سزاوار تو است. ای پروردگار من، در این من و مقصود من، مشاهده می انمائی کنیز خود را که به اتو توجه نموده و به انار محبتت مشتعل گشته و به بی نیازی تو تو عمل شده ستر فرمائی و به اسم غفورت از ما درگذری و به اخلع غفران، عباد و اماء خود را مزین باری. ای محبوب رحمت جاری و آفتاب کرم مشرق و سماء عنایت مرتفع است. قسم می ادهم تو را به اسم ستارت که آنچه به اغیر رضی نبوده و نیست. لم یزل یکتا بوده الی و لایزال خواهی بود. ای خدای من و محبوب جان من، امروز روزی است که فریاد باش ای پروردگار من و یکتا خداوند بی مانند من، شهادت می ادهم به یکتائی تو و به الینکه از برای تو وزیر و معینی بنسمة المهیمن المقیوم ای کنیز من، به الین بیان که از مشرق فیم رحمن اشراق نموده ناطق

BH05849

تم اجعلهم من الذین طافوا حولک و یطوفون حول عرشک فی کل عالم من عوالمک انک انت المقتدر العظیم الخبیر. و صالک اسألک یا مالک الملوک و راحم المملوک ان تقدر لهم خیر الدنیا و الآخرة ثم اکتب لهم ما لا عرقه اُخذ من خلقک انزلته فی الواحک ای رب اشیر بهم من ید عطائک کویتر بقائک ثم اکتب لهم اجر من انعمس فی بحر لقاؤک و فاز یرحیق کتابک بقوتک و عملوا ما امرؤا به من عندک و اختاروا ما نزل لهم من لدنک ای رب تری انهم اقرؤا و اعتزفوا بکل ما مقاماً لدی ظهور نور وجهک ای رب اولئک عباد ما متعهم الهوی عما انزلته فی کتابک قد خضعت اعناقهم لامرک و اخذوا ای رب اسألک بتلک الایام و الذین تمسکوا فیها بحبل اولمرک و عزوة احکامک بان تجعل لكل نفس مقراً فی جوارک و سمیتها بایام الهاء فی کتابک یا مالک الاسماء و تقربت ایام صیامک الذی فرضته من قلمک الاعلی لمن فی ملکوت الانشاء قوله تعالی: بسمی الاعظم یا الهی و ناری و ثوری قد نخلت الایام التی

نزد ظهورش عاجز و قاصر مشاهده شوند. ای کریم، این عبد را به‌خود وا مگذار. توئی قادر و توانا و مالک جود و عطا. به‌تو ناظر و تو را شاکر، اگر اجابت فرمائی محمودی در امر و اگر رد نمائی مطاعی در حکم. توئی آن مقتدری که کل بر بخششت اعتراف نموده. این بنده از کل گذشته و به‌احبال جود و انیال کرمت تمسک و تشبث جسته و در جمیع احوال کرده، او را محروم نما. توئی آن فضالی که تربت کائنات بر فضلت گواهی داده، توئی آن بخشنده‌ای که جمیع ممکنات. توئی مالک ملکوت و سلطان غیب و شهود. ای پروردگار، مسکینی به‌اجر غنایت توجه نموده و سائلی به‌ذیل کرمت اقبال رحیما گواهی می‌دهم به وحدانیت تو و از تو می‌اطلب آنچه را که به‌اولم ملک و ملکوت باقی و پاینده است

کریمما

از جیب قوت بر آر و این نفوس درگل مانده را نجات ده. توئی مالک اراده و سلطان جود. لا اله الا انت العزیز الوهاب. مَواج و به‌ایک اشراق تیر امر، آفتاب جود و غفران ظاهر و هویدا. همه بندگان تو اند و به‌امید کرمت زنده‌اند. دست قدرت نموده، بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است. به یک کلمه علیا بحر بخشش الهی. الهی اولیای خود را حفظ فرما. توئی آن کریمی که عفوت عالم را احاطه

قبل حسن به‌طراز قبول مزین فرما. توئی مهیمن بر همه اشیاء و محیط بر ارض و سماء. لا اله الا انت المفضل الکریم. و قبولش فرما. توئی کریمی که احدی از اولین و آخرین از سماء فضلت محروم برنگشت. این خدمت را از عبت محم را از افلاک بگذرانند و سطوت صخره صما را آب نماید. ای خداوند دانا، عبت ضیافت تو را اراده نموده از او بپذیر خبیری که از اسرار قلوب و نفوس و صدور آگاه بوده و خواهی بود. هر عمل پاکي به‌امثابه نور به تو راجع، اراده‌ات خاک الابهی. الهما مقصودا محبوا کریم رحیما توئی آن علیمی که هیچ امری از تو مستور نبوده و نخواهد بود و توئی آن

بسم الله الاقدس الاعظم العلی

آر تا منجیب آفاق گردم و سرگشته و سودائی آن جلال پُر انوار شوم و جان و روان قربان نمایم وعلیک المتحیة و المثناء. مظاهر شیطانیه افسرده گشته. ای پروردگار، از آن جام سرشار قطره‌الی نثار فرما و از آن گلشن فدا نفع‌الی به مشام من به سهام شیطانی خسته گردیده. این نفوس نفیسه در دست هر خسیسی گرفتار شده و این وجوه نورانی به غبار طغیان سرهای بزرگوار در زیر پای‌های جهال پایمال شده، حنجر نورانی به خنجر نفوس ظلمانی آزرده گشته و قلوب رحمانی در راه محبتت به خون آغشتند، هر سینه مانند آینه پاره پاره گشتند و هر دلی از آب و گل آزاده، شرحه شرحه شده، هوالمه ای پروردگار، این عزیزان ذلیل سبیل تو گشتند و این مه رویان

أسألك أن لا تخيبه عما أرا من بحر فضلك وشمس عنایتك، انك أنت المقتدر على ما تشاء لا إله إلا أنت الغفور الکریم. بماء العطاء من كل بلاء وُسقم وُضعف وُعجز، أي رب تری المسائل قلیماً لى بلب جودك وامل متمسكاً بحبل كرمك، سخرت به عبادك وبنفوذ كلمتك العلیا واقتدار قلمك الأعلى وبرزخمتك الی سبقت من فی الارض و السماء، أن تطهرنی بسمه المهیمن الاسماء الهی الهی أسألك ببحر شفائك و اشراقت انوار تیر فضلك وبالاسیم الی

جوش و خروش آئیم و از پیمان هه پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصبان مستقرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیمارز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌ام دستگیر شو، غریبم مونس پیمان هه پیمان، افتاده‌ام بیچاره‌ام دلداه‌ام شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سرگشته بادیه پیمایم، در رهت افتان و خیزان و سرمست

لِسْمَاءَ جُودِكَ وَبِحَرَافِضَلِكِ وَتُدْخِلُهُ فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِإِلَهِ الْأُنْتِ الْمُغْفُورِ الْكَرِيمِ وَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الذَّنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهِ مَا يَنْبَغِي . اللَّهُ أَبْهَى يُشْرَعُ فِي التَّكْبِيرِ لِسِنَّةٍ مَرَلَتْ . يَا إِلَهِي هَذَا عِبْدُكَ وَابْنُ عَيْدِكَ الَّتِي آمَنْ بِكَ وَبِآيَاتِكَ مرتبه قرائت شود: انا كل لله عابدونانا كل لله سلجدونانا كل لله قابضونانا كل لله ناكرونانا كل لله شاكرونانا كل لله صابرون بايد بعد از هر تكبير الله ابهى نوزده بايد اين انكار هر يك نوزده مرتبه بعد از هر تكبير الله ابهى گفته شود.

لِسْمَاءَ جُودِكَ وَبِحَرَافِضَلِكِ وَتُدْخِلُهَا فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِإِلَهِ الْأُنْتِ الْمُغْفُورِ الْكَرِيمِ وَتَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعَةً عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الذَّنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي وَفِي الْإِنْسَاءِ يَقُولُ برای امام‌الرحمن قرائت شود: يَا إِلَهِي هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ الَّتِي آمَنْتَ بِكَ وَبِآيَاتِكَ

موجود فرمودی و به انواع مائده و نعمت و آلاء لاتحصی مژین داشتی. توئی بخشنده و توانا لا اله الا انت العلی الابهی. تو بوده و هست. پس باز کن باب رحمتت را و قسمتی عطا فرما این عهد متمسکت را. از يك كلمه عليا عالم وجود را حفظ فرما و به نور بر و تقوی مژین دار. ای مالک من مملوکت تو را ذکر می‌نماید و لازال بصرش منتظر عنایات لانهایه الهی. الهی این عبد را از شر نفس و هوی

إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمُقَدَّسِ الْمُحْمُودِ لِتَشْكُرَ إِلَهُ رَبِّكَ وَتَتَكْرَهُ بِذِكْرِ يَتَّبِعُهُ بِهِ أَهْلُ الرُّقُودِ . حَضَرَتْ بِهَاءِ اللَّهِ رِسَالَهُ أَنَا الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ طُوبَى لِمَنْ عَمَلَ بِمَا أَمَرَ مِنْ لَدَى اللَّهِ وَ وَيَلْ لِكُلِّ غَافِلٍ مَرْدُودٍ . إِنَّا نَزَّلْنَا الْآيَاتِ وَ أَرْسَلْنَاهَا ثُمَّ لَعَرَفُوا قُدْرَهَا لِأَنَّهَا تَحْكِي عَنْ هَذَا الْإِسْمِ الَّذِي بِهِ سَخَّرَ اللَّهُ الْغَيْبَ وَ الْمَشْهُودَ . إِنَّا جَعَلْنَاهَا قَبْلَ النَّصِيَامِ فَضْلًا مِنْ عِنْدِنَا وَ هَذِهِ أَيَّامُ الْمَهَاءِ وَ أَمْرُنَا الْكُلُّ أَنْ يُنْفِقُوا فِيهَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ عَلَى الَّذِينَ تَوَجَّهُوا إِلَى هَذَا الْمَقَامِ الْمَرْفُوعِ . لَنْ اتَّكُرُوا اللَّهُ فِيهَا قَوْلُهُ تَعَالَى: هُوَ الْإِلَهِ الْعَظِيمُ الْإِلَهِي سُبْحَانَ الَّذِي أَظْهَرَ نَفْسَهُ كَيْفَ أَرَادَ . إِنَّهُ لَهُو الْمُقْتَدِرُ الْمَهِيْمُنُ الْقِيَوْمِ

فرما تا این نفوس نفیسه به اعلى درجه فلاح و تجاج وصول بیابند. توئی مقتدر و توئی دهنده و بخشنده و بینا.

به فی کتابک انک ائت المقتدر العزیز التقدير. ع ع . لوح پنجم دوره دوم الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالیهاء
بین خیرة خلقک رب اجعلنی منقطعاً عن دونک متشبهتاً بذیل عنایتک مخلصاً فی دینک ثابتاً علی محبتک علماً بما أمرتني
رب ليس لي نصير الا انت و لا مجير الا انت و لا معين الا انت ايدني بملائكتك على نشر نفحات قدسك و بت تعاليمك
الأبدية و هذا العليل يرجو شفاء الغليل برحمتك المولسعة التي اختصت بها عبادك المختارين في ملكوتك الأعلى
المهي ترى هذا الضعيف يتمنى القوه المملكوئية و هذا الفقير يترجى كنوزك السماوية و هذا الظلمآن يشناق معين الحياة
المهي

XAB00018

ابن تملۀ فانيه را به اسرايق عرفانت راه نمودی و در ظل خباء مجدت مأوی دایمی. توئی بخشنده و توانا و دانا و بینا.
را به انوار اسمت متور فرما و به العمل طيبه طاهره و اخلاق مرضيه مؤيد دار. لك الحمد والثناء و لك الفضل والمعطاء
ایام تو است عمل نمايم و قایل جود و کرم تو است مشغول گرم. ای کریم غافلان را به بحر آگاهی راه نما و کنیزانت
المها مغبودا ملکا ملک الملوكا از تو می اطلبم تأیید فرمائی و توفیق عطا کنی تا به آنچه سزاوار

XAB00019

در ظل قلب اسم کریمت مأوی دهی. توئی قادر بر کل و مهیمن بر کل. اشهد و تشهد الأشياء كلها بانك انت المقتدر المقيدر.
از توجه به تو منع نمود و از تقرب باز نداشت، اینکه کنیز خود را از تعلق ناعقین و شبهات مریبین حفظ فرمائی و
سؤال می اکنم تو را به دمائی که در راه تو در ایران ریخته شد و به نفوسی که سطوت ظالمین و ظلم مشرکین ایشان را
المها مغبودا مقصودا فقیری از فقراء قصد بحر عطا نموده و جاهلی از جهلاء به تجلیات آفتاب علمت توجه کرده

XAB00020

ای قدیر، مقبلین را از کأس یقین قسمت عطا فرما و از انوار تیر ایقان محروم منما، انک ائت المقتدر المعلیم الحکیم.
و کرم عمیمت مسألت می انمايم این عباد را از شر ناعقین حفظ فرمائی که شاید مثل حزب قبل به اوهام آلوده نشویم
مسجودا قدرتت را قدرت عباد منع نمود. امرت را به اقلم نصرت نمودی و به اسم اعظم دعوت فرمودی. از فضل عظیم
المها مغبودا

XAB00021

و تبك العظيم ان تؤيدني على ما يرفع به امرك بين عبدك، انك انت المقتدر على ما تشاء. لا اله الا انت المهيمن المقيوم.
و از ظل سدرۀ منتهی و صریق قلم اعلى محروم نسازی. اشهد ان اليوم يومك و الامر امرك. اسألك بصراطك المستقيم
المها مغبودا مقصودا به اكمل عجز و ابتهال از تو مسألت می انمايم این عبد را از شر ناعقین حفظ فرمائی

XAB00022

نمودند. حال از تو می اطلبیم و مسألت می انمايم ما را از سارقین و خائنین حراست نما و حفظ فرما. توئی قادر و توانا.
المها مغبودا مسجودا کریماً رحیماً تو آگاهی و دانائی این عباد لثالی محبتت را در خزائن افنده و قلوب به اسمت حفظ

XAB00023

بگو ای آقای من و مولای من و الله من و پدید آورنده من
ای خدا، به تو ناظریم و از تو می اطلبیم، ظاهر کن از ما آنچه را که سزاوار تو و ایلم تو است. توئی عطا کننده و بخشنده.
نما. توئی توانا و توئی دانا. ای خدای من، به تو رو آوردم و تو را نکر می انمايم و به مبارکی اسمت از دونت فارغ و آزادم
از دریای بخشش تو که این نهال نورسته در بوستان محبت خود را از کوثر حیوان بنوشان و از اریاح خریف حفظش
سؤال می اکنم

آن کن که سزاوار بخشش تو است نه لایق ذکر و ثنای من. لا اله الا انت العفو الکریم الحمد لك انت مقصود المقاصدين. قدیمت را می‌طلبم و فضل عمیمت را می‌جویم. تو دانا و آگاهی، به زکرت زنده‌الم و به امید لقاییت موجود و پاینده، لایق ادراک هستیت نه. هستی تو ورلی ادراک عقول و فوق عرفان نفوس بوده و هست. به کمال عجز و ابتهال بخشش منما و از بحر رحمتی قسمتی عطا نما و از دریای جودت نصیبی مقدر فرما. السن عالم قابل زکرت نه و افنده امم عالمیان را محو نماید و یک کلمه از فم عنایتت آب حیوان بر اهل امکان مینول دارد. ای بخشنده یکتا، عبت را محروم نموده‌الم و به حبل عنایتت متمسکم و به ذیل کزمت متشبت. توئی آن کریمی که یک قطره از دریای غفرانت عصیان هوالتاصرالمعین الها کریم رحیما به تو توجه

غنی مثل منی فقیر را محروم می‌نماید؟ حاشا وکلا. اشهد و يشهد كل الاشياء بانك انت الکریم الاکرمین و ارحم الراحمین. ابدی ممنوع مساز. توئی قادر و توانا. ای پروردگار، تراست عالم بر غنایت گواهند و بر فضلت مقر و معترف، آیا مثل تو جست، از تو کریم قدیمت را می‌طلبم و عفو جدیدت را سائل و آمل، او را از دریای فضلت محروم منما و از کوثر زندگانی ارض و فراعنه بلاد تو را از ارامه منع نمود. ای کریم، فقیری به ابابت توجه نموده و ضعیفی به حبل اقتدارت تمسک و سما را خلق فرمودی و به ایک قطره از دریای جودت وجود را موجود نمودی. توئی مقتدری که قوت و قدرت جبابره الها مغبودا مسجودا به ایک کلمه از کلمات علیا ارض

بخشنده‌الی که بخششت محدود به حدود نه. عباد توئیم تو را می‌جوئیم و از تو می‌طلبیم. توئی قضا و توئی بخشنده. از تیر جودت عالم وجود موجود. ای پروردگار، آنچه لایق ایامت نیست اخذ نما و آنچه قابل است عطا فرما. توئی آن توئی مقتدری که قدرت عالم و مهم از اقتدارت باز نداشت. از یک اشراق از تیر کزمت دریاهای کریم ظاهر و از یک تجلی الها مغبودا از توام و به تو آمدم، قلبم را به نور معرفت منیر فرما

نمود. پروردگارا، توئی پادشاهی که امرت را چونود عالم منع نمود و سطوت مهم از اقتدارت باز نداشت یا حسین بگو مساز. مثابه غیث هاطل بر عاصی و مطیع نازل رحمتت به. توئی آن کریمی که عصیان اهل امکان ملکوت غفرانت را منع توئی بخشنده و مهربان. ای رحیم، بندگانت را از دریای بخششت منع منما و محروم

را از دریای شناسائی محروم منما و از انوار وجه ظهور منع مفرما. توئی بخشنده و مهربان. لا اله الا انت العزیز الممان. او را از اشراق باز ندارد. ای کریم، هر صاحب بصیر و سمعی بر کزمت شهادت داده و بر سبقت رحمتت گواه، عبادت را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و بروزش از دفتر عالم محو نشود، سحاب اوهام او را ستر ننماید و غمام ظنون الها مغبودا مسجودا شهادت می‌دهد عبد تو به وحدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع فضلت مسألت می‌نماید آنچه

ان توئیدی علی نکرک و تنائک والمعمل بما امرتني به فی کتابک ائک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العفو الکریم. و به ذیل رحمتت متشبتم. از تو آمرزش قدیمت را می‌طلبم و فضل عمیمت را می‌جویم. أسألك بانوار انبیاک و رسلک الها مغبودا تو را نکر می‌نمایم و به حبل عنایتت متمسک

سؤال می‌نمایم این عبد را فائز فرمائی به آنچه سبب نجاتست در جمیع عوالم تو. توئی مقتدر و توانا و توئی عللم و دانا.

وجود موجود گشت و توئی آن کریمی که اعمال بندگان بخشش را منع نمود و ظهورات جودت را باز نداشت. از تو
الها کریمًا رحیمًا توئی آن سلطانی که به یک کلمه‌الت

XAB00031

که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات ایامت محروم نسازی. جمیع محتاج و فقیرند و آنت المغنی الغلب التقدير.
و جوهر عنایت کعبه امرت را طائف، از تو سؤال می‌انمائیم فضل قدیمت را می‌اطلبیم و جود جدیدت را می‌اجوئیم
و وضعی باریده و اشراقیت انوار آفتاب بخشش بر عاصی و مطیع تابیده. ای رحیمی که سلینج رحمت بابت را ساجد
و حدائیت تو و فردائیت تو و بخشش‌های قدیم و جدید تو. توئی آن کریمی که امطر سحاب سماء رحمتت بر شریف
الها مغبودا مسجودا شهادت می‌دهم به

XAB00032

آمل. عبادت را از امواج بحر عطایت منع مفرما و کل را به‌اطر از جود و بخشش مزین نما. انک انت المقتدر العزیز الحمید.
نمائی حامد و صابریم. ای پروردگار، از اراده‌الت به‌وجود آمدیم و به‌تو در یوم تو راجع گشتیم. این خادم سائل و
در بخشش و عطایت از برای وجود ربیبی حاصل نه. غناء آن تو و فقراء به‌ایلب تو. اگر عطا فرمائی شاکریم و اگر محروم
و اشراقات انوار تیر جود جمیع وجود را متور فرماید. قسم به‌انک مقدست اگر به‌اولام ملک و ملکوت اظهار نداری
تو سؤال می‌انمائیم به‌عزت و عظمت و جود و کرمت که آنچه عطا فرمودی ظاهر نمائی تا نعمتت بر عالمیان هویدا گردد
الها کریمًا رحیمًا آیا از برای عالم سمع و بصر عطا فرمودی و یا آنکه محروم داشتی. از

XAB00033

نفحات وحی تازه شود و به‌احیای ابدی فائز گردد. توئی قادر و توانا و توئی عالم و دانا. لا اله الا انت العلی الاعلی.
مشغول گردد. ای کریم، این فقیر را از بحر غنایت محروم منما و این مسکین را در ظل رحمتت مقرر ده که شاید از
وطن اعلی نموده و قاصدی قصد غایت قصوی کرده. او را مدد فرما تا بر خدمتت قیام نماید و به‌انتشار اوامر و احکامات
تو را قسم می‌دهم به‌کلمه علیا و اقتدار قلم اعلی که این عبد را مؤید فرمائی بر آنچه لایق ایام تو است. غریبی اراده
که سلاطین عالم نزد اسمی از اسمایت خاضع و خاشع. ای کریم، کرمت عالم را احاطه نموده و رحمتت سبقت گرفته
الها مغبودا کریمًا رحیمًا توئی آن سلطانی

XAB00034

را آمل و سائلیم، ما را منع مکن. توئی راهنما و صاحب عطا. لا اله الا انت رب العرش و الثری و ملک الآخرة و الاولی.
ای ستار، به‌اکرمت ستر نما و ای فضل، فضلت را باز مدار. مجرمیم و لکن از توایم محروم منما. بعیدیم و لکن بساطت قربت
را مقداری نه. از بدایع عطایت می‌اطلبیم و دست رجا به‌بارگاه عظمتت بلند نموده‌ایم. ای غفار، از ما به‌اجودت درگذر و
مشاهده شده و می‌اشود. نزد بحر غفران، عصیان این عباد مذکور نه و در عرصه ثروت و غنا فقر و احتیاج این عباد
نبوده و عفوت توقف نکرده و جودت از موجودات منع نشده. در هر حال آثار فضل بی منتهایت به‌البصار عدل و انصاف
از قبل در دانی و قاصی و مطیع و عاصی مشاهده شد و حال موجود و مشهود. پس به‌ابرهان ثابت شد کرمت محدود
و منتظر نیشان عنایت تو و ربیع مکرمت تو بوده و هست، از آب و من الماء کل شیء حی ما را منع منما. آثار کرمت
محروم منما و از امواج بحر کرمت منع مکن. این نهال‌اهلی وجود به‌اید عنایت تو غرس شده حال وقت ترقی و نمو است
و غنای تو و جهل خود و علم تو و ضعف خود و اقتدار تو و عجز خود و سلطان تو. ای کریم ما را از امطر سماء رحمتت
الها بی‌انیازا کریمًا رحیمًا ملکا ملکا همه عباد تو اند و از کلمه تو از عدم به‌وجود آمدند و معترفند بر فقر خود

XAB00035

مکن. در هر حال توفیق و تأیید می‌اطلبم و از سماء فضل بخشش قدیمت را سائلم. توئی مالک عطا و سلطان ملکوت بقا.

شده تازگی عطا کردی. پروردگارا، وجود کل از جودت موجود، از بحر کرمّت محروم مفرما و از دریای رحمتت منع بودم. بر اقبال تأیید نمودی، مُرده بودم از آب حیات زندگی بخشیدی، پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری. **الها مغبودا ملکا مقصودا به چه لسان تو را شکر نمایم؟ غافل بودم آگاهم فرمودی، معرض**

XAB00036

عطایت را باز نداشت. ای کریم از مطلع نورت مُتور نما و از مشرق غنایت ثروت حقیقی بخش. توئی بخشنده و توانا. پاکا پادشاهها هر آگاهی بر یکتائیت گواهی داده. توئی آن توانائی که جودت وجود را موجود فرمود و خطای عباد

XAB00037

نه، چه الفاظ چه معانی. ای پروردگار، از تو می‌طلبیم کل را راه نمائی و هدایت فرمائی. توئی قادر و توانا و عالم و بینا. عالم عرف ثنای تو مُتَضَوَع شود همه محبوب جان و مقصود روان، چه تازی چه فارسی، اگر از آن محروم ماند قایل نکر. مُردگان را زندگی عطا فرما، شاید تو را بیابند و به لرزایی آگاهی راه یابند و بر امرت مستقیم مانند. اگر از لغت مختلفه و محو نماید و یک نسیم از نسائم یوم ظهورت عالم را به خلعت تازه مُزین فرماید. ای توانا، ناتوانان را توانائی بخش و تو هر چه کنی عدل. صرف است بل فضل محض. یک تجلی از تجلیات اسم رحمانت رسم عصیان را از جهان براندازد. پرهیزگاری مقعد صدق می‌طلبیم و لقای ملک مقتدر می‌جوئیم. امر امر تو است و حکم آن تو و عالم قدرت زیر فرمان مَکائاً علیاً رسد و هر که را بیندازی از خاک پست‌تر بلکه هیچ از او بهتر. پروردگارا، با تابه کاری و گناهکاری و عدم مقصودا کریم رحیم جانها از تو و اقتدارها در قبضه قدرت تو. هر که را بلند کنی از ملک بگذرد و به امقام و رفعا **الها مغبودا**

XAB00038

از برای آن به‌ظهور آمده و مشاهده نمایند آنچه را که قوه باصره از برای آن موجود گشته. امر امر تو و جانها قربان تو. آگاه نمایند و گمراهان را به راه آرند تا کل در ظل قباب عظمت و سدره رحمت جمع شوند و بشنوند آنچه را که قوه سامعه است مرقوم نما و مُقدر فرما. توئی توانا و توئی دانا و بینا. ای پروردگار، دستوران را آگاه نما تا به آگاهی خود غافلین را و حکمت نافذ، اولیاءت را از دریای بخشش محروم مساز و از برای هر یک، از قلم عنایت، آنچه الیوم سزاوار فضل تو لنتی مند بخش شاید عباد تو را به راه راست و خبر بزرگ بشارت دهند و فائز نمایند. ای کریم، نورت ساطع و امرت غالب تو را از گفتار منع نکرد و قهر جابره از اراده غالبه منع نساخت. ای پروردگار، دستوران را راه نما و به‌اجنود دانائی و علم باز نداشت. در حینی که سهام ضغینه و بغضا از جمیع جهات طیار به‌استقامت تمام قائم و بما یتبغی قائل. ظلم فراغنه بر انگیختی. توئی توانائی که قوت و شوکت عباد تو را ضعیف نمود و لشکر غفلت و عسکر غرور و ثروت تو را از اراده نادرسا حمد و ثنا و شکر و بها تو را سزاست که گنج شناسائی را در دل ودیعه گذاری و لطیفه وجود را از آب و گل **پروردگارا. مهربانا پادشاهها**

XAB00039

آسایش یابد و جهان پر غرور از عالم الهی نصیب موفور جوید. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و بینا. پروردگار، این شب تار را روز روشن فرما و این بغض و عداوت بین ملل را به انس و محبت مبدل کن تا عالم آفرینش با هم در نهایت الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند، نکر اغیار نشود، همدگر را آشنا و یار و غمگسار گردند. ای دست در آغوش غرب نماید، فرنگ بی‌درنگ سبیل محبت پوید، ترک تاجیک را همدم داند و هم آغوش و مهربان شمرد، کل رحمانی کن تا بنیلن محبت و مهربانی در عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مفتون و مهرپرور گردند، شرق هوالله ای پروردگار، یاران را کامکار کن و به عبودیت همدم و دمساز فرما، قلوب را نورانی فرما و وجوه را

XAB00040

سوزان پدران رحم نما، این طوفان را ساکت کن و این جنگ جهانگیر را به صلح و آشتی مبدل فرما. توئی بینا و شنوا. کن، ای دایم به فریاد یتیمان برس، ای داور حقیقی مادران جگرخون را تسلی ده، ای رحمن رحیم بر چشم گریان و دل این اطفال یتیم رحم فرما، ای خداوند بی‌نیاز این سیل شدید را قطع کن، ای خالق جهانیان این آتش افروخته را خاموش هوالله ای خداوند مهربان، به فریاد بیچارگان برس، ای پلک یزدان بر

XAB00041

معرفت پرورش ده، در کودکی آزادی ده و فرزندی بخش و این بی‌نیاز را محرم ملکوت راز نما. توئی مقتدر و توانا. هوالله طفل صغیرم، پستان عنایت را تنی عزیز کن و از شهد و شیر محبت نشو و نما بخش و در آغوش

XAB00042

و این کنیزان را کامیاب نمودی. الحمد لک و الشکر لک و الفضل لک و الموهبة منک، انک أنت المقتدر المعطوف الرؤوف. تو پوئیم ثنی تو گوئیم، اسیر زنجیر محبتیم و دستگیر امیر کشور موهبت، شکر تو را که شهد و شکر به کامها ریختی. ای رب ودود، ستایش نتوانیم و از عهده نیایش بر نیائیم، عاجزیم و ناچیز، قاصریم و بی‌تمیز ولی روی تو جوئیم سوی این امان را عزیز نمودی و این ناچیزان را تلج موهبت بر سر نهادی، در بخشایش گشودی و رخ بنمودی و دلها بربودی هوالله پاک یزدان خداوند مهربان، شکر تو را که

XAB00043

شکسته را در هوی قدس عنایت پرواز ده، این فقیر را به کنیز غناء دلالت فرما و این ذلیل را به درگاه عزت هدایت کن. هوالله ای بی‌نیاز، این کنیز ناچیز را در آستان مبارکت قبول فرما و این بال و پر

XAB00044

در قلوب بنما تا از هر قیدی آزاده گردیم و بکلی گرفتار تو شویم، شعله میثاق گردیم و نجوم بازغه از مطلع اشراق. دلجوی تو یافتیم، چشم از غیر تو بستیم چون به جمال تو گشودیم. ای معشوق حقیقی، پرتوی در دلها افکن و جلوه‌الی ای محبوب یکتا، دل از هر دو جهان برداشتیم چون غلم محبت برافراشتیم، رخ از عالم و عالمیان برتافتیم چون روی هوالله ای دلبر ابهی

XAB00045

صراط گذشته در جنت ابهی وحدت اصلیه داخل گردیم، انک انت الکریم، انک انت المرحیم لاله الا انت المقوی المقدر. و انقطاع و حریت از شئون نفس و هوی نجات بخش تا جمیع متفق و متحد شده در ظل خیمه یکارنگ تو آئیم و از بخش و از دام خود پرستی رهائی ده، جمیع ما را در پناه عنایت منزل و مأوی ده و کل ما را در کف حفظ و حراست هوالله ای پروردگار توانا، این بندگان ناتوانت را از قیود هستی آزادی

XAB00046

عنایت فرمودی و به روضه مبارکه مشرف کردی، از فیض ملکوت ابهت بهره بی‌پایان می‌اطلبم موفق فرما عنایت کن. از عین عنایت نوشاندی، این بی‌اجن افسرده را به نسیم رحمت تر و تازه نمودی. شکر تو را که از فضل اکبر نصیب آوفر این بنده ضعیف را به اللطف بی‌پایان بناوختی و این بیچاره ذلیل را به درگاه احدیت رساندی، این تشنه سوخته را هوالله ای منتها آرزوی عاشقان، ای دلیل گمگشتگان،

XAB00047

آستانی که ارواح مالا علی پاسبان است و قلوب اهل ملکوت ابهی مقیم و رایع و سلجد و عایف و خاضع چون راستان. چه این بخشش عظیم را شایان فرمودی و این لطف جلیل را رایگان نمودی، به تقبیل آستان مقدست موفق کردی، چه

هوالملة ای فریادرس بی‌نویبان ای خداونید مهربان، من چه لیاقتی داشتم

XAB00048

شبهات محفوظ دار و در ظل صون و حمایت خویش جلی ده و از امتحان و افتتان ما را مصون دار. توئی مقتدر و توانا. تو سر و سامان جوئیم، افتادگانیم المطف تو را نگرانیم، ما را بر عهد و میثاق خویش ثابت و مستقیم فرما و از سهام هوالمله ای پروردگار، بیچارگانیم به درگاه تو پناه آورده‌ایم، پریشان روزگاریم در بارگاه

XAB00049

خدایا ثابت کن، خدایا محفوظ و مصون دار و محفوظ و مأمون بنما. توئی مقتدر و توانا و توئی حافظ بی نظیر و همتا. بدار و بر پیمان و ایمان استوار فرما، چه که اریلیح افتتان شدید است و صرصر امتحان غبارانگیز. خدایا ثابت بدار، بنده گناهکار را در ظل شجره عنایت ملجأ و پناهی بخش و بر حقیقت اسراربت آگاهی ده، بر عهد و میثاقت ثابت و محکم هوالمله ای پروردگار، این

XAB00050

تا آنکه در ظل ممدود تحت لواء معقود به ملکوت محمود راجع گردم. توئی مَنان و مهربان و توئی رَبّ المجدود و الاحسان. از بدایت گردد و خاتمه الحیات فاتحه اللطاف شود و هر دم لطف و عنایتی رسد و هر نفس عفو و رحمتی مبنول گردد هوالمله ای خداوند، فضل و عنایتی و حفظ و حمایتی و لطف و صیانتی تا نهایت ایام ممتاز

XAB00051

و آواز به شکرانه المطف پردازند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا. ائک ائت المکریم المعظیم المتعال. جهان ملکوت بر سریر عزت ابدیه استقرار ده و اکلیل جلیل مواهب کلیه بر سر نه تا در جهان بالا سر فراز گردند و با نغمه آشفته روی تو اند و سرگشته کوی تو و متوجه به سوی تو و عاشقان خوی دلجوی تو، این نفوس مبارک را در هوالمله ای پروردگار، این مشتاقان

XAB00052

جلوه گاه آفتاب پر شکوه فرمائی، لطف و مرحمتی که بر خدمت امرت قیام نمائیم تا در بین ملام امکان شرمسار نگردیم. فانیه را به امواج بحر احدیت هیجان و طوفان مرحمت فرمودی. ای توانائی که کاه را قدرت کوه عنایت کنی و خاک را و اجساد را ادراک روح و روان، این ترات تراپی را به شعاع آفتاب رحمانیه نمایش و وجودی عنایت کردی و این قطرات که ارزان کردی؟ قلوب را حکم قلب واحد دادی و نفوس را رابطه شخص متفرد، اجسام را احساس جان عنایت کردی هوالمله خدایا، این چه فضیلت است که عنایت فرمودی و این چه احسان است

XAB00053

را به کنز عنایت دلالت فرمودی و این نلیلان را به عزت قدیمه هدایت کردی. حمد تو را، شکر تو را ای پروردگار. هوالمله ای پروردگار، ستایش تو را سزاست که این بی‌اکسان را به خیام عنایتت راه دادی و این فقیران

XAB00054

توئی مؤسس عهد و پیمان، ای یزدان توئی ملجأ و پناه راسخان، ای مَنان توئی میل بی‌خردان و متقیم از متزلزلان. و بزم المست آراستی و از جلم میثاق سر مست فرمودی و در زمره ثابتان این دوستان را محشور نمودی. ای مهربان، و عنایت فرمودی و صبح روشنی طالع نمودی و فضای گلشنی واسع بگستریدی، در ظل شجره انیسا مأوی بخشیدی هوالمله ای بخشنده و درخشنده و مهربان، شکر تو را که شاهراه حقیقت نمودی

XAB00055

و معین و ظهیرم توئی، تأییدی عنایت فرما که کل حیران گردند. خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا. نمایم، تشنگان را آب حیات بخشم و مریضان را شفای الهی دهم، هر چند حقیرم کلیلّم فقیرم اما پشت و پناهم توئی نه تا جز رضای تو نطلبم و به‌غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نیویم، توفوس غافلّه را هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار بگوش رسان، قوت روحانی عطا کن و سراپح رحمانی در زجایح قلب بر افروز، از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات مرا بیدار کن هشیار نما، از غیر خود بیزار کن و به محبت جمالت گرفتار نما، نفعه روح‌المقدس بخش و ندای ملکوت ابهی هوالمه ای پروردگار،

XAB00056

و مسرت وجدانم گرد، چون عنایت کنی انس است و چون عدالت نمائی وحشت است. توئی رحیم و کریم و مهربان. به مشامم رسان و به کوی خویش دلالت فرما، بیچاره‌الم چاره‌الی کن، آواره‌الم دل صد پاره ده، مونس جانم باش و راحت هوالمه ای یزدان رحمن، جانم فدای خاک آستانت، بوی خوشی

XAB00057

تو را بر این موهبت و بر این عنایت و بر این رحمت که این ضعفا را به آن مخصّص داشتی. توئی کریم و رحیم و مهربان. بر هیکل ترابی زد انوار جهان ابی ظاهر شد، شعله عنایتت از نار موقده ظاهر شد و قلوب را حیات جاودانی داد، شکر تو را که این اکلیل جلیل را بر سر این ضعفا نهامی و این رداء عزت ابدیه را بر دوش این فقرا دادی، پرتو تقدیست هوالمه ای خداوند یکتا ای پروردگار بی‌اهمتا، ستایش و نیایش

XAB00058

را به کوی خویش خواندی و این سرگشته را در پناه خود سر و سامان دادی. توئی دهنده و بخشنده و پاینده و مهربان. هوالمه خدایا، شکر تو را که این دل و جان به جانان رساندی و این بی‌بهره را نصیب بی‌پایان بخشیدی، این گمگشته

XAB00059

را آب حیات بخشیدی و ماهی لب تشنه را به عذب فرات در آوردی. لک الحمد علی نلک، انک انت المکریم المرحیم الموهاب. خدایا، تو را شکر باد که این بیگانه را آشنای خویش نمودی و این بیچاره را به پناه خود راه دادی، تشنه جان سوخته هوالمه

XAB00060

لؤلؤ لالا، برهانشان ثعبان مبین کن و دلیلشان سنوحات علیین، ظهیرشان شدیدالقوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابهی. نعیم کن، رویشان برافروز و خویشان را مشک جان فرما و آفاق را معطر و معنبر فرما، دستشان ید بیضا نما و لفظشان بارگاه احدیت را صباحت و ملاحه ده، بندگان دیرینت را انوار علیین فرما و آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم نما و هر یک از اهل وفا را کوی ساطع در افق اعلی، نهال‌های حدیقہ رحمانیت را طراوت و لطافت بخش و نورسیدگان محرم ایوان، افق علیین را به نور مبین روشن نما و ساحت دل‌ها را رشک گلزار و گلشن کن، هر یک از احباء را نجم هدی هوالمه ای پروردگار، دردمندان را درمان کن و هوشمندان را

XAB00061

به گناه مگیر پناه ده، عصیان مبین غفران نما، در لیاقت منگر باب عنایت بگشا. توئی مقتدر و توانا توئی عالم و بینا. را به نروۀ اللطاف رساندی، هرچه بود از تو بود و الا خاک ضعیف را چه قوتی و وجود نحیف را چه قدرتی. پروردگارا، کرمی، موری را قوت سلیمانی بخشیدی و پشه‌الی را شیر بیشه رحمانی فرمودی، قطره‌الی را موج دریا دادی و تره‌الی صحرا و بیچارگی و آرزوگی در دریا باز به فریاد رسیدی و تأیید فرمودی و توفیق بخشیدی و به خدمت آستانت سزاوار هوالمه پروردگارا آمرزگارا، هرچند گناهکارم ولی جز تو پناه ندارم، شکر تو را که در این آوارگی کوه و

منگر و در قدرها بنگر اندر افضل خود ای انوالعطا این طیور بال و پراشکسته را از کرم بال و پری احسان نما و تار ای قدیر یاد تو در دل چو مصباح منیر از عنایاتت بدل روحی پدم تا عدم گردد ز لطف تو قدم در لیاقت غم تو می انجوید محرمی خون اشود آن اهل که ابریان تو نیست کورابه اچشمی که اگریان تو نیست در شبان تیره و دل و اسرار من در سحرها مونس جانم توئی مطلع بر سوز و حرمانم توئی هر دلی پیوست با نکرت نمی جز هوالمه ای خدای پُر عطای نوالمنن واقف جان

از کأس طهور سرمست گردم و در میخانه محبت می پرست شوم. توئی قادر و توانا و توئی کریم و رحیم و پر عطا. برهان، در ظل عنایت مسکن بخش و به صرف موهبت معامله فرما تا پی به جهان دیگر برم و به کشور دیگر رهبر شوم، نما، فقیرم از کینز غنا عطا کن، دردمندم درمان ده، جریحم مرهم عطا کن، گرفتارم رهایی بخش، پر گناهم از تلت عصیان سر و سامان بخش، بیچاره‌الم آواره‌الم پناه ده، مشتاقم به و تعلق وصال در آر، در احتراقم، نور اشراق بار، ضعیفم توانا انوار میسر فرما، از خود بیزارم گرفتار خویش کن از عالمیان در کنارم نفعه زلف مشکبار به مشامم آر، سرگردانم بخش، جسمانیم روحانی نما، امکانیم رحمانی کن، تشنه‌م ماء معینم به عین تسنیم دلالت فرما، مشتاق دیدارم مشاهده هوالمه ای یزدان مهربان، غریق بحر عصیانم طریق غفران بنما سراسر قصورم از دلم غرور رهایی

ای یزدان مهربان، مستحق رأفت و عنایتیم و محتاج عفو و مغفرت. دادرسا به فریاد رس، ائتک انت المرخص المرخیم. فرما و متفکر، ملجأ و پناهی و مرجع صبحگاه، آگاهی و گواه که جز تو نجویم و به غیر راهت نیویم و جز ثنایت نگویم و تو بزرگوار، خطا ببوش گنه ببخش قصور عفو کن، بیبا کن و شنوا، هوشیار فرما و دانا، متنبه کن و متذکر، متضرع هوالمه ای پروردگار، ما گناهکاریم و تو آمرزگار ما ستمکاریم

در ظل ملکوت ابهات منزل ده و در پناه جبروت اعلایت مأوی بخش. توئی مقتدر و توانا توئی شنونده و بینا. عظیم محفوظ و از صدمات امتحان شدید مصون بدار، بر عهد و میثاق مستقیم کن و بر پیمان و ایمان مستدیم، را قوت بخش و علیلان را شفا عنایت فرما و مستمندان را ارجمند کن و افسردگان را اشتعال بخش، از شر افتتان آمرزگار، گناه بندگان غفران نما و پناه به بیچارگان بخش، توئی خدای مهربان و توئی صاحب عفو و غفران، ضعیفان بام تو، مرغان دست آموز عنایتند و بلبلان شیدلی گل‌های حقیقت، تشنگان چشمه رحمتند و آوارگان اقلیم مرحمت. ای پروردگار، این نفوس آشفته روی توآند و گمگشته کوی تو و عاشقان خلق و خوی تو، سرمست جام توآند و پرندگان هوالمه ای

و فرج و سرور حاصل شود، یأس مبدل به امید گردد و خوف منقلب به رجا. توئی عفو و غفور و توئی بخشنده و مهربان. ده و از جمیع علل و امراض شفا بخش، پاک و مقدس کن و از فیض تقدیس نصیب عطا فرما تا حزن و اندوه زائل گردد عصیانم و تو نور غفران. پس ای خداوند مهربان، خطا ببخش عطا بده گناه بیمارز پناه عطا کن، در چشمه ایوب غوطه هوالمه ای پروردگار، گناهکارم و تو آمرزگار، قاصرم و تو غافر، در ظلمت

عظیم آیات توحید تجسم نماید و حقیقت تجرید تحقق یابد چه که سزاوار این کور نورانی چنین موهبت رحمانی است. خطا ببوش و بخشش رایگان و آمرزش بی‌پایان مبنول فرما، چشم‌ها را باز و گوش‌ها را با راز دمسازکن تا در این کور الله ابهی ای خدای پر عطا،

بزرگواری نما، یزدان مهربانم توئی، بخششی بخش که زخم تابنده و درخشنده گردد و زندگی پاینده میسر شود.
و تمنای ادراک اسرار، از بیگانگی بیزار نما و به یگانگی خویش آشنا و کامکار فرما، غمخوارم غمگساری کن، خاکسارم
هوالمه الهی گواهی که آرزوی مشاهده انوار کنم

تو و آرزومند کوی تو و متوجه به سوی تو و تشنه جوی تو و مشغول به گفتگوی تو. توئی دهنده و بخشنده و مهربان.
ملکوت شنیدند و انوار شمس حقیقت دیدند و در فضایی جانفزای محبت پریدند، عاشقان روی تو اند و منجذبان خوبی
ای پروردگار مهربان، این نفوس ندای

پروردگار، نجات اسرار از ملکوت ابهات منتشر نما و پرتو انوار از جبروت اعلایت لامع فرما تا آفاق معطر و متور ماند.
دلخون، بساط سرور بر چیده شد و شاخ خُبور پژمرده و خمیده، نسیم جانبخش ساکن شد و آب حیات را کد. پس ای
قلبها مفتون شد و عقلها مجنون. چه شد که پرده نشین گشتی و روی دلنشین پوشیدی؟ جانها محزون شد و یاران
محض فضل و جود درهای بخشش گشودی و رخ برافروختی و دلها ربودی و غمها زدودی و نغمه‌الی سرودی که
'هوالمه الهی الالهی ای محبوب یکتا و پروردگار بی‌اهمتا،

را فضل و احسانی عطا فرما، این نفوس ضعیفه را در پناه حضرتت پناهی ده و این فقیران نحیف را قوتی عنایت فرما.
هوالمه الهی ای پروردگار، این بیچارگان را چاره‌الی بخش و این درماندگان را درمانی عطا فرما و این بی‌انویان

موفق کن و در زمره راستان در آر و از دوستان راستان کن. توئی مقتدر و توانا توئی بخشنده و درخشنده و تابان.
و عاشقان ملکوت جمال را بشارت وصال ده و دردمندان عشق را درمان دل و جان بخش، هر یک را بر خدمت آستانت
کریم نظر به استعداد هر سقیم مفرما، به فضل عمیم معامله کن و به نور مبین هدایت فرما، یاران خویش را یآوری کن
ولی به جان در گفتگوی تو، ندانند و نشناسند، نجویند و نپویند ولی مستحق الطافند و سزاوار عنایت و اعطاف ای
گرفتار موی تو و هر سرگشته و سرگردانی ناظر به سوی تو و هر سوخته دلی تشنه جوی تو، و جهانیان هر چند غافلند
محبت و وفا برافراز و بیچارگان را چاره ساز. ای دلبر مهربان، هر بینوایی سرگشته کوی تو و هر مرغ بی پر و بالی
برافروز و متجمدان را به نار محبت بسوز، طریق هدی نما و ابواب ملکوت ابهی بگشا، بنیان حسد و بغضا برانداز، ایوان
گمگشتگان صحرای فراق را محرم حرم وصال کن، عاشقان را از حرمان نجات ده و آشفته‌گان را در بزم قرب سر و سامان
بهره‌الی از اشراق ده و عشاق روی خویش را پرتوی از دلیر آفاق بخش، آوارگان بادیه هجران را به حریم وصال در آر و
'هوالمه الهی پروردگار، آمرزگاری و ای کردگار بزرگواری، پس یاران مشتاق را

پیمانه بدست فرما، به جانفشانی مؤید فرما و به قربانی موفق کن. توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا و شنوا.
را در سبیل فدا زنده فرما و این قلب افسرده را به کأس جفا طراوت و لطافت بخش، مدهوش جام الست کن و سرمست
در راه محبت زهر شهد کن و نوش نیش نما، سرها را زینت سنان کن و دلها را هدف سهم بی‌امان فرما، این جان پژمرده
'هوالمه الهی پروردگار، عاشقان را از بلا ساغر لبریز در کام ریز و مشتاقان را

این بنده بیچاره را در پناه حضرت احدیت ملجأ و پناه بخش و در ظل سدره بی منتهایت مسکن و مأوی عنایت کن.
هوالمه ای خداوند، پاک و مقدسی و بی نیاز و منزهی،

XAB00075

گردیم و به‌اکلی به یاد تو افتیم، راه تو پوئیم روی تو جوئیم راز تو گوئیم. توئی توانای مهربان و توئی رازق عالم انسان. را از توانائی خویش عنایتی بخش، رزق یومی را رایگان ده، معیشت ضروری را برکتی احسان فرما تا مستغنی از دین تو نعمت روزی‌آخور و جمیع کائنات از فیض عنایت بهره‌بردار، این ضعیف را از فیض جلیل محروم مفرما و این ناتوان کن و فقیرانیم از بحر غنا نصیبی بخش، محتاجیم عاجی ده، نلیانیم عزتی ببخش، جمیع طیور و وحوش از خولن هوالمه ای پروردگار، مستمندانیم مرحمتی

XAB00076

تو مشغول گردیم و با نهایت صدق و صفا به انتشار آثار ملکوتت پردازیم. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. و هوی کن و از عالم طبیعت نجات ده، خدایا به نفات روح القدس زنده فرما تا به خدمت تو قیام نمائیم و به عبادت گردیم هر یک از ما ستاره درخشانده گرد و الا از خاک پست‌تر شود. خدایا تأیید کن نصرت فرما، ما را غالب بر نفس ملکوتی ده، خدایا مرده‌ایم حیات سزیمی بخش، خدایا تلت محضیم در ملکوت عزیز فرما، اگر تأییدات آسمانی شامل هوالمه خدایا، ما ضعیفیم تو قوی کن، ما نادانیم تو دانا فرما، خدایا فقیریم غنی

XAB00077

ریحان یابند و مانند نار موقده در نهایت التهاب به آتش عشقت افروزند. توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و بینا. ابر عنایت عطا فرما و در هر نفسی تفرج مشکین نفسی بر مشامشان عرضه دار تا به جان و دل به محبت روح و بی انباز، آن ابرار را در ظل عنایت پرورش ده و آن احرار را از جمیع قیودات آزاد فرما، در هر کمی شبندی از رشحات هوالمه ای پروردگار

XAB00078

و این سرگشتگان را سر و سامانی ده و این محزونان را سرور ابدی بخش. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. آرند و باده سرور و شادمانی ابدی بنوشند و بنوشانند. خدایا این مستمندان را توانگر فرما و این مظلومان را ارجمند کن باده گرد و به نغمه و ترانه پردازند و سامعین را فرح و وله بخشند و طالبان را به جذب و طرب آرند، جام عشق به دور یکتا، این نفوس مطمئن را جام عطا بخش و این قلوب راضیه مرضیه را نشیه صهبا احسان کن تا یاد کمال و جمالت سرور و بشاشت آتش ظلم و ستم را گلزار و گلشن یافتند، چون غنچه شکفتند و مانند گل جلوه نمودند. ای خداوند بی پایان نمودند و صبر و تحمل کردند و زبان به شکرانه گشودند و از شدت محبت گریستند و خندیدند و در نهایت و سلوک نمایند. ای خدای مهربان، این بندگان از بی‌وفایان جفا دیدند و در هر روزی بلائی کشیدند و تحمل مشقت‌های و حیاتی بدیع خواهند، به وصایا و نصائح تو پردازند و درس عشق و محبت بیاموزند و به موجب تعالیم رحمانی روش موی تو و سرگشته کوی تو و تشنه جوی تو، نظر عنایتی فرما و موهبتی مبنول دار که هر دم روحی جدید یابند هوالمه ای پاک یزدان من، این یاران با وفا مفتون روی تو اند و مجنون

XAB00079

قلوب را جنت ابدی کن و حقایق نفوس را ریاض ملاً اعلی. ای قدیر، رجای این عبد را بنییر، توئی توانا توئی بی‌اهمتا. و باطل، نسیم جانبخش بوزان و دل‌های مرده را زنده کن، باران رحمتی ببار و این گیله افسرده را تر و تازه نما، حدائق هوالمه ای پروردگار، تأیید بخش و توفیق عنایت کن، این ابر تیره را زائل کن و این غم‌های هائل را متلاشی

XAB00080

به چشمه حیات دلالت کن، ضعیفانیم قوتی ده تا به نصرت امرت بر خیزیم و در سبیل هدایتت جانفشانی کنیم. و سامانیم پناهی بخش، پراکنده‌ایم مجتمع فرما به گله خویش پیوسته کن، بی نصیبانیم بهره و نصیب بخش، تشنگانیم هوالله ای پروردگار، بیچارگانیم چاره فرما، بی سر

XAB00081

قوتی ده که تا مقاومت غوائل بسیط زمین نمائیم و قدرتی بخش که چون بحر محیط موج بر ساحل شرق و غرب زنیم. هوالله ای پاک یزدان من و خداوند مهربان من،

XAB00082

و به آشیانه رحمت بر پریم و در شاخسار وحدت در حدیقه عنایت به انواع الحان به محامد و ثنوت تو مشغول گردیم. و هجران روان را مرده و پژمرده نماید. پس ای خدای مهربان، تأییدی بخش و توفیقی ده تا از این دام و دانه برهیم به ملکوت احدیتت بشتابند و ارواح آوارگان در سالیه رحمتت بیاسایند، فرقت پر حرقت جان را بگازد و حرمان هوالله ای پروردگار ای پناه آوارگان، تو آگله فغان و آه صبحگاهی، عنایتی فرما و رحمتی کن تا جان‌های مشتاقان

XAB00083

قطره‌الم امواج دریا بخش، پشه‌الم عقاب اوج عزت فرما، نلیلم در ملکوتت عزیز کن بی نام و نشانم نشان تأیید بخش. هوالله ای خداوند مهربان، مور ضعیفم حشمت سلیمانی بخش، تره فانیم از پرتو شمس حقیقت نمایان فرما،

XAB00084

را مانند شمع افروخته نما تا جهان را نورانی کنند و نفوس را رحمانی نمایند. توئی بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان. و غرب را به پرتو محبت و نور اتفاق متور کند. ای بخشنده مهربان، دل‌ها را به تفتلت روح‌القدس زنده کن و روی‌ها هوالله خداوندا آمرزگارا، این مجمع را تأیید کن و توفیق بخش تا عالم را به نور اتحاد روشن نماید، شرق

XAB00085

نفوس را از ظلمات عالم طبیعت متمسک نماید و به نورانیت الهیه روشن نماید، تعمید به روح و نور و حیات ابدیه بخشد. و انوار رحمانی مبذول دارد و اطراف را روشن کند، تعالیم آسمانی ترویج نماید و به وحدت عالم انسانی خدمت کند، و روح‌القدس تشکیل شده، تأیید و توفیق بخش و مؤید به قوه آسمانی نما تا این انجمن چون شعله نورانی بر افروزد هوالله ای پروردگار مهربان، این انجمن به‌اجت کلمه‌الله

XAB00086

مهربان گردند، بیچارگان را ملجأ و مأوی شوند و افسردگان را مشتعل نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی خداوند مهربان. نمایند، شهبات اهل ارتیاب را زائل کنند و طالبان را بیان حجت و برهان نمایند، مریضان را شفا دهند و فقیران را رؤوف و متور فرما تا کل به قوتی ملکوتی و فیضی جبروتی و موهبتی آسمانی و نفسی رحمانی و تأییدی ربانی بر خدمت قیام آستان مقدس شریک و سهیم کن. ای پروردگار، نفوس ضعیفه را قوی کن و دیده مشتاقان را به مشاهده جمال ملکوت نظر رحمانیت کن، هر یک را شععی روشن فرما تا به نور هدی آن اقلیم را متور نمایند، جمیع را با این عبد در عبودیت جام اشتیاق در دست، محتاج الطافند و مشتاق موهبت آسمان. ای پروردگار، این نفوس را مورد عنایت فرما و ملحوظ این یاران سرگشته کوی تواند و دلداده روی تو و متوجه به ملکوت تو، از صهبای ایمان سرمستند و در محفل میثاق هوالله ای خداوند مهربان،

XAB00087

شجر شوند، از یک چشمه نوشند، از یک نسیم به اهتزاز آیند، از یک انوار اقتباس نمایند. توئی دهنده و بخشنده و توانا.

نما، در ظل عنایتت کل را متحد کن و جمیع را متفق فرما تا جمیع انوار یک شمس شوند، امواج یک دریا گردند، اثمار یک کن، دلها را سرور ابدی بخش، نفوس را روح تازه ده و حیات ابدیه احسان فرما، ابواب عرفان بگشا، نور ایمان تابان و کل را به نظر مکرمت منظور داری. ای پروردگار، الطاف بی پایان شامل کن، نور هدایت برافروز، چشمها را روشن رحمت بر کل مشرق و ابر عنایتت بر کل میبارد، الطافت شامل کل است و فضلت رازق کل، جمیع را محافظه فرمائی هوالمه خداوندا مهربانا کریمایا، ما بندگان آستان توئیم و جمیع در ظل وحدانیت تو، آفتاب

XAB00088

جمیع خلقت را دوست داریم و به جمیع بشر مهربان باشیم. خدایا توئی مقتدر توئی رحیم توئی غفور و توئی بزرگووار. بر محبت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما، موفق بر خدمت عالم انسانی کن تا به جمیع بندگان خدمت نمائیم، ملکوت غنی نما، عللیم شفا عنایت کن. خدایا به رضای خود دلالت فرما و از شؤون نفس و هوی مقدس دار. خدایا ما را ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما. خدایا، ما نللییم عزیز فرما، عاجزیم قدرت عنایت فرما، فقیریم از کتز را محترم کن، این نفوس را مقدس نما، انوار هدایت تابان کن، قلوب را منور فرما و نفوس را مستبشر کن، جمیع را در تو دارند، مناجات به سوی تو نمایند، در نهایت تصرع به ملکوت تو تبتل کنند و طلب عفو و غفران نمایند. خدایا، این جمع هوالمه پروردگارا مهربانا، این جمع توجه به

XAB00089

عنایتی کن که آتارش در ملک سَرمدی مُشْتَهَر. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان، اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيْمُ الْمُتَعَالِ. نما، از بحر بی‌آبران سیراب کن و از آفتاب مطلع حقیقت روشن و تابان نما، فیضی بخش که انوارش در صبح ابدی منتشر، هوالمه ای پروردگار، این جمع را مظهر عواطف رحمانیه فرما و مطالع الطاف سبحانیه

XAB00090

تو نجوئیم جز نامت نجوئیم جز در بادیهٔ محبتت نجوئیم، مرحمت فرما عنایت کن هدایت بخش، اِنَّكَ اَنْتَ الْقَوِي الْمَقْدِير. درد را درمانی بنما، زخم را مرهمی کن و زهر را شکر کن، ظلمات را انوار کن و زحمات را راحت آشکار، جز تو ندانیم جز درماندگانیم افسردگانیم پژمردگانیم، جانی ببخش و روانی بده، دری بگشا گشایشی بنما، سر و سامانی بخش، نصرت فرما و هدایت و به آنچه رضای خودت است دلالت کن و بر امرت مستقیم و استوار مدار، بیچارگانیم آوارگانیم و این جمع عاشقان پریشان تو، ملجائی جز پناه تو ندارند و مأمنی به‌غیر از بارگاه تو نجویند، پس مدد فرما و عنایت و هوالمه ای پروردگار، این دوستان یاران تو اند

XAB00091

فیض قدیم بیارایند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا لا اله الا انت الکریم الکریم المعطی المقضال. نما و سرو این چمن کن و طاوس این گلشن نما تا جهان را تزئین بخشند و این نور مبین منتشر نمایند و جبین به پرتو کن و هر چشمی را روشن و بینا، دوستان را عزیز کن و یاران با فرهنگ و تمیز نما، هر یک را شمع جمع کن و شاهد انجمن ای پروردگار، ابرار را بزرگووار کن و فیض ابدی آشکار کن، اسرار پدیدار نما و انوار انتشار ده، هر دلی را همدم یادت هوالمه

XAB00092

را در ملکوت خویش قبول نما و به نور هدایت روشن کن. توئی مقتدر توئی توانا توئی کریم توئی رحیم و توئی مهربان. نما و گوشها را شنوا کن مردگان را زنده فرما و مریضان را شفا بخش فقیران را غنی نما و خائفان را امنیت بخش و ما تو آشکار، پس تأیید ده و توفیق بخش و ما را به آنچه سزاوار درگاهست موفق نما، دلها را روشن کن و چشمها را بینا و موهبت خویش معامله کن، خطاء ما بسیار است ولی بحر رحمت تو بی پایان، عجز ما بسیار است ولیکن تأیید و توفیق

و تو مقتدر و توانا، جمیع ما گناهکاریم و توئی غافرالمُتُوب و رحیم و رحمن. پروردگارا، تَظَر به قُصور ما منما به فضل
هُوالمُله پروردگارا، آمرزگارا، این بندگان را پناه توئی واقف اسرار و آگاه توئی، جمیع ما عاجزیم

XAB00093

روحانی گیرد و این الموان مختلفه مُبَدَل به یک رنگ گردد و آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس تو رسد. توئی مقتدر و توانا.
تَعَصِب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زائل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان
آسمانی ده و سُنوحات رحمانی بخش و مُرَوِّج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما تا ظلمت مُهلکه
این نفوس را ملائکه آسمانی نما و به نفعه روح المقدس زنده فرما، لسانی ناطق بخش و قلبی ثابت عطا فرما، قوه
هُوالمُله ای پروردگار، این جمع یاران تو اند و به جمل تو مُنجدند و به نذر محبتت مُشْتَعَلند

XAB00094

عاری فرما و نگاهداری کن و دلداری ده و به جمیع آمال و آرزو برخورداری بخش. توئی بخشنده و دهنده و مهربان.
هُوالمُله خداوندا، این نفوس را یاری کن و بزرگواری بخش و از هر قیدی

XAB00095

روان بخش، ناتوانان را توانائی بخش و ضعیفان را قوت آسمانی ده. توئی پروردگار توئی آمرزگار توئی داور کردگار.
سامانیم تو ملجاء و پناه، بر نشیر نجاتت تأیید کن، بر اعلاء کلماتت توفیق بخش، بی سران را سروران کن بینوایان را گنج
اسرار ملکوت دمساز کن، قلم ثابت بخش قلب راسخ عطا فرما، ما گناهکاریم تو آمرزگار ما بندگانیم تو پروردگار بی سر و
جانها بخش، قوت قدیمه ظاهر نما و قدرت عظیمه باهر، طیور نفوس را در هوای دیگر پرواز ده و مُحرمین ناسوت را به
دل‌های مشتاق را زنده کن دیده‌ها را روشن کن و ساحت دل‌ها را رشک گلزار و چمن نما، بشارت به ارواح ده و مسرت به
اسیریم، تو مُجیر تو دستگیر، عنایتی کن و مُوهبتی فرما ابواب فضل بگشا و نظر اللطاف افکن، نسیم جانبخش بفرست
هُوالمُله ای قوی قدیر، کل در قبضه قدرت

XAB00096

شکرین نما و در درگاه احدیت بنده نازنین فرما و در دیوان علیین صدر نشین کن. توئی حنان توئی مَنان توئی مهربان.
تراب عجز و نیاز نهم و تضرع و زاری نمایم که ای خداوند بی‌نیازم و محرم رازم و یار دلنوازم، آن یارین دیرین را مذاق
هُوالمُله در هر نفسی سر به

XAB00097

به درگاه هدایت فرما، آوارگانیم منزل و مأوائی عطا فرما. توئی مهربان توئی رحمن توئی مَنان توئی مُستعان.
پناه هر گناهکار، بیچارگانیم چاره بخش، دردمندانیم درمانی عطا فرما، بی اسر و سامانیم ملجاء و پناهی ده، گمگشتگانیم
هُوالمُله ای پروردگار، توئی آمرزگار و ملجاء و

XAB00098

بخشند. ای پروردگار ای آمرزگار، عنایتی فرما که کل حریفان بزم الهی گردند و سر مستان باده موهبت حضرت یزدانی.
بخش حی لایموت، سپاه نفس و هوی را در هم شکنند و پناه رحمت و تقوی جویند، سبب حیات شوند و روح نجات
آیت هدی گردند و موهبت ملاً اعلی، مظاهر اسرار توحید شوند و مطالع انوار تجرید، جنود ملکوت شوند و جیوش حیات
تو اند و سرگشته صحرائی تو، تشنه سلسبیل تو اند و پیروان دلیل جلیل تو، تأیید فرما توفیق عطا کن تا آنکه هر یک
هُوالمُله ای محبوب بی انباز، این نفوس یارین تو اند و بندگان آستان تو و سرمسیت صهبای

XAB00099

راز راه ده و در محفل تجلی همدم و دمساز نما. توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و نوازنده و توانا. شتافت، میهمان جدید است عزیز فرما، بنده قدیم است. خلعت بدیع عطا کن، ای بی‌نیاز بیمارز و بتواز و به خلوتگه هوالله تعالی پروردگارا آمرزگارا، نفس نفیسی به ملکوت شهود صعود نمود و از خاکدان فانی به جهان جاودانی

XAB00100

او نمودم تو مکافات فرما او را حیات ابدیه بخش و در ملکوت خویش عزیز فرما. توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان. ، نظر عنایت بنما و در ملکوت خویش داخل کن، خدایا مرا از بدو حیات تربیت نمود پرورش داد ولی من مکافات زحمات هوالله ای خدای آمرزنده، مادر مهربان مرا گناه بیمارز قصور عفو فرما

XAB00101

تا سبب ریزش باران رحمت گردد و پرورش جان آن کنیز محترم. توئی بخشنده و مهربان و توئی پاینده حضرت یزدان. شیفته و دلداسه طلب آمرزش از برای مادر مهربان می‌انماید. تو بخشنده یگانه و دهنده هر آشنا و بیگانه، آمرزشی فرما هوالله ای خداوند بی‌مانند، این مستمند به درگهت افتاده، شوریده و آشفته،

XAB00102

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما. توئی غفور توئی عفو و توئی بخشنده هر قصور. امید به وعده تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلائیم و لکن توجه به صبح عطا داشته و داریم، به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان کن، توئی آمرزنده و توئی غفور توئی بخشنده فیض موفور. ای آمرزگار، هر چند گناه کاریم ولی پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما، عفو و بخشش شایان نما هوالله ای پروردگار،

XAB00103

مونس آن‌ها باش تا به قوت ملکوتی و نفثات روح‌القدس فریاد زنند توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی دانا و شنوا و بینا. و نورانیت تعالیم الهی فتح کنند. ای خدا، ظهیر و نصیر آن‌ها باش و در بیابان و کوه و نرّه و جنگل‌ها و دریاها و صحراها سپاه آسمانی تو اند امداد فرما و به جنود ملاً اعلی نصرت کن تا هر یک نظیر ارموئی شوند و آن ممالک را به محبت‌الله هوالله ای خداوند بی‌همتا ای زب المملکوت، این نفوس

XAB00104

تا تشنگان را سلسبیل هدایت دهند و گمگشتگان را به سبیل عنایت دلالت کنند. توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا. تازه یابند و به سروری بی اندازه رسند. ای خداوند مهربان، یاران را روح و ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما در قلوب بینداز که به ذکر تو دمساز شوند، جان‌ها را شور و ولهی ده و دل‌ها را وجد و طربی بخش که هر دم روحی و در انجمن رحمن مانند سراج بسوزد و به یاران نور بخشد. ای خداوند، روحی در دل‌ها بدم که همدم تو گردند و شوقی ای خداوند بی انباز، این حقیقت مبتهله را مانند شمع روشن کن تا در هر جمع به ذکر تو مشغول گردند، نور هدی بر افروزد هوالله

XAB00105

اللّه معبود العالمین لو یقرؤه العباد طراً و یتفکرون فیہ لضررهم فی کل عرق من عروقهم ناراً یشتعل منها العالمین یا مقدر العالمین ان یا علی قبل اکبر ان اشکر الله بهذا اللوح الذی تجد منه راحة مظلومیتی و ما انا فیہ فی سبیل یا محبوب الابهی، انا انار وجه البهاء من حرارة البلاء و انوار کلمتک الثوراء و قام بالوفاء فی مشهد الفداء لظراً رضاءک ان استقبل یا فداء العالمین اننوح او اننوح بل اصیح من قلة لاصریک یا من یک ارتفع نوح العالمین قد سمعت نداءک یا فخر العالمین ترى القلوب ملئت من البغضاء و لك الاغضاء یا ستار العالمین انا رأیت سيقاً ان القبل انا طار سهم

التوحيد و يُعزيتك تين وطن التجريد ان اصطبر يا غريب العالمين قد جعلنا المثلة قميص العزة و المبلية طراز هيكلك
عشق العالمين بك ارتفع علم الاستقلال على اعلى الجبال و تموج بحر الافضل يا وله العالمين يوحدتك اشترقت شمس
من الاشراق قد خلقت للاصطبار يا صبر العالمين ما احلى اشراقك من افق الميثاق بين اهل التفلق و اشتيائك بالمله يا
المبرودة كيف تظهر حرارة بيانك يا مبين العالمين و لو لا المبلية كيف اشترقت شمس اصطبارك يا شعاع العالمين لا تجزع
يا قلم الاعلى قد سمعنا نداءك الاحلى من جبروت البقاء ان استمع ما ينطق به لسان المكرياء يا مظلوم العالمين لو لا
اين تفحات غفرايك يا غفار العالمين قد بقي الغلام فى ارض جدباء اين غيث سماء فضلك يا غياث العالمين ان
اصقرت الاوراق من سموم ارياح التفلق اين جود سحلب جودك يا جواد العالمين قد تعبر الاكوان من غبار العصيان
المبرية اين امواج فضلك يا مراد العالمين قد غلق باب اللقاء من ظلم الاعداء اين مفتاح جودك يا فتاح العالمين قد
قد تكثر ذيل التقديس من اولى التديس اين طراز تنزيهك يا مزين العالمين قد ركذ بحر العنلية بما اكتسبت ايدى
القضاء اين رايات نصرتك يا منصور العالمين قد بقي الوجه فى غبار الافتراء اين ارياح رحمتك يا رحمن العالمين
او يتفكر فيما ورد عليها فى حبك اذ اتوقف القلم يا محبوب العالمين قد كسرت اغصان سدره المنتهى من هبوب ارياح
حبت مصابيح الصديق و الصفاء و الغيرة و الوفاء اين شؤونات غيرتك يا محرك العالمين هل ترى من ينصر نفسك
اين فلك نجابتك يا منجى العالمين ترى مطلع آياتك فى ظلمات الامكان اين شمس افق عنايتك يا توار العالمين قد
العالمين قد عشيت الظنون و الاوهام اكثر الانام اين مطالع ايقانك يا سكيته العالمين قد غرق البهاء فى بحر الملاء
بين اهل المشام اين اشراق انوار صباحك يا مصباح العالمين تراني ممنوعا عن البيان من اين تظهر نعماتك يا وراق
العالمين قد تعبر اكثر النورى من سكر الهوى اين مطالع التقوى يا مقصود العالمين ترى المظلوم فى حجاب الظلام
اين رشحات بحر حيوانك يا حياة العالمين قد احاطت وسلوس الشيطان من فى الامكان اين شهاب نارك يا نور
العالمين قد تزكت وحده فى ديار المغربية، اين مشرق وفائك يا وفاء العالمين قد اخذت سكرات الموت كل الافلق
من فى الابداع اين مطالع الانقطاع يا مولى العالمين ترى المظلوم فريدا فى المغربية اين جند سماء امرك يا سلطان
قدرتك يا اقتدار العالمين قد اخذت رعدة الظمأ من فى الانشاء اين فرات عنايتك يا رحمة العالمين قد اخذ المحرص
قد اخذ اللهم كل الامم اين اعلام ايتهاك يا بهجة العالمين ترى مشرق الآيات فى سبحت الاشارات اين اصبح
اين آيات عزتك يا عز العالمين قد اخذت الاحزان مطلع اسمك المرحمن اين سرور مظهر ظهورك يا فرح العالمين
ضيلك يا ضياء العالمين قد طال الاعناق بالنفلق، اين اسياف انتقامك يا مهلك العالمين قد بلغت الملة الى النهاية
نار العالمين قد بلغت المبلية الى الغاية، اين ظهورات فرجك يا فرج العالمين قد احاطت الظلمة اكثر الخليفة اين انوار
الكلاب من كل الجهات، اين غضنفر غياض سطوتك يا قهار العالمين قد اخذت المبرودة كل المبرية اين حرارة محبتك يا
العالمين قد قام المشركون بالاعتساف فى كل الاطراف، اين تسخير قلم تقديرك يا مسخر العالمين قد ارتفع نباح
المبعد، اين بحر قريتك يا جذاب العالمين قد ارتفعت ايلدى الرعاء الى سماء الفضل و المعطاء، اين امطار كرمك يا مجيب
ترك المقربون فى ظلماء الهجران، اين اشراق صبح وصلك يا مقصود العالمين قد تبلبل اجساد الاصفياء على ارض
بسم الله الاقدم الاكبر قد احترق المخلصون من نار المفلق، اين تشعشع انوار لقاك يا محبوب العالمين قد

XAB00106

بدرخشيم. توئى مقتدر و توانا و توئى عالم و بينا. ع. ع. لوح اول دوره دوم الواج فرامين تبليغى حضرت عبدالبهاء
آسمانى فرما نفات روح القدس مبذول دار تا بخدمت موفق گرديم و مانند ستاره اهل روشن در اين اقاليم بنور هدايت
حول سراج هدايت گرند بى انصبيان نصيب برند و محرومان محرم راز شوندر پروردگارا بعين عنايت نظر نما تا ييى
نداريم تا نفوس فرياد اهدنا المصراط المستقيم برآند و بيده بمشاهده انوار روشن نمايند از ظلمات جهالت برهند و طائف
مشتاقان تو تشنه چشمه توييم و دردمند درمان توييم در ره تو قدم نهاديم و مقصد و آرزويى جز نشر نفات تو
رساندى و مرغان آواره را بگلشن عنايت دعوت فرمودى پروردگارا جمعى هستيم بندگان تو و فقيران تو دور افتاده ايم
و فقيران اغنيا كرسى گمراهان را راه بنمودى و تشنگانرا بچشمه هدايت دلالت كرسى ماهيان لب تشنه را بدرياى حقيقت
و كران شنوا كرسى مردگان زنده فرمودى

چه که به هدایت کبری فائز داشتی و به موهبت عظمی مخصّص کردی کردگارا شکر تو را حمد تو را نیایش تو را ع
بر سر و سامان را در مآمن المطفای پناه دادی و این تشنه سوخته را به رحیق مختوم و ماء عذب حیوان سیراب فرمودی
نیایش تو را لایق و سزاوار که این مرده افسرده را جان بخشیدی و این گمگشته سرگشته را به دار الامان راه دادی این
هُواللهی ای پروردگار ستایش و
